

تعلیم الإسلام بر اساس فقه مذهب حنفی

تألیف:

علامه مفتی کفایت اللہ دہلوی

ترجمہ:

ابوالحسن عبدالمجید مرادزہی خاشی

ویرایش و حروفچینی جدید

مشخصات کتاب

اسم کتاب: تعلیم الإسلام

تألیف: علامه مفتی کفایت اللہ دہلوی

ترجمہ: أبوالحسین عبدالمجید مرادزہی خاشی

ناشر: انتشارات فاروق اعظم

فهرست عناوین

عنوان	صفحه
پیشگفتار مترجم.....	۹
آشنایی بامؤلف محترم علامه مفتی کفایت الله دهلوی.....	۱۰
تحصیلات ابتدایی.....	۱۰
تدریس.....	۱۰
شرکت در مسایل و مبارزات سیاسی.....	۱۱
تصانیف و تألیفات.....	۱۲
وفات.....	۱۳
اهمیت کتاب تعلیم الإسلام.....	۱۳
بخش اول.....	۱۵
قسمت اول: احکام.....	۱۶
اذان.....	۲۱
چگونگی اذان:.....	۲۱
روش وضو.....	۲۹
روش ادای نماز.....	۲۹
بخش اول.....	۳۳
قسمت دوم: عقاید.....	۳۳
عقاید.....	۳۴
فرشتگان.....	۳۶

۳۷	کتابهای آسمانی
۳۸	پیامبران
۴۰	قیامت
۴۱	تقدیر
۴۱	زندگی پس از مرگ
۴۳	بخش دوم
۴۳	قسمت اول: احکام
۴۴	آموزش احکام اسلامی
۴۵	شرط اول نماز
۴۶	بیان وضو
۴۹	بیان غسل
۵۰	بیان مسح بر موزه‌ها
۵۱	حکم مسح بر جیره (باند زخم)
۵۱	بیان حکم نجاسات حقیقی
۵۳	بیان استنجاء
۵۴	بیان حکم آبها
۵۷	حکم آب چاه‌ها
۶۰	بخش سوم
۶۰	قسمت اول: عقاید اسلامی
۶۱	عقاید اسلامی
۸۱	بخش سوم

۸۱	قسمت دوم: ارکان و اعمال اسلامی.....
۸۲	باقیمانده مسایل وضو.....
۸۲	مسایل باقیمانده از فرایض وضو.....
۸۴	مسایل باقی مانده از سنتهای وضو.....
۸۷	مسایل باقی مانده از مستحبات وضو.....
۸۸	مسایل باقی مانده از شکننده‌های وضو.....
۹۱	مسایل باقی مانده از غسل.....
۹۳	مسایل باقی مانده از مسح بر موزه‌ها.....
۹۴	مسایل باقی مانده از نجاست حقیقه.....
۹۶	مسایل باقی مانده از استنجاء.....
۹۷	مسایل باقی مانده از آبها.....
۹۸	مسایل باقی مانده از آب چاهها.....
۹۹	تیمم و احکام آن.....
۱۰۳	شرط دوم نماز، پاک بودن لباس.....
۱۰۳	شرط سوم نماز، پاک بودن جای نماز.....
۱۰۵	شرط چهارم نماز، پوشیدن عورت.....
۱۰۶	شرط پنجم، وقت نماز.....
۱۱۱	شرط ششم نماز، استقبال قبله.....
۱۱۲	شرط هفتم نماز «نیت».....
۱۱۲	بیان اذان.....
۱۱۶	تکبیر تحریمه.....

۱۱۷	 رکن اول نماز، قیام
۱۱۷	 رکن دوم نماز، قرائت
۱۱۹	 رکن سوم و چهارم نماز، رکوع و سجده
۱۲۲	 سنتهای نماز
۱۲۴	 مستحبات نماز
۱۲۴	 روش کامل خواندن نماز
۱۲۸	 بخش چهارم
۱۲۸	 قسمت اول: عقاید اسلامی
۱۲۹	 توحید
۱۳۳	 کتابهای آسمانی
۱۳۷	 رسالت
۱۴۱	 ایمان و اعمال صالحه
۱۴۴	 بیان معصیت و گناهان
۱۴۴	 بیان کفر و شرک
۱۴۷	 بیان بدعتها
۱۴۸	 بیان سایر گناهان
۱۵۱	 بخش چهارم
۱۵۱	 قسمت دوم: اعمال اسلامی
۱۵۱	 احکامی چند از قرائت
۱۵۲	 بیان جماعت و اِمَامَت
۱۵۶	 آنچه نماز را فاسد می کند

۱۵۷	مکروهات نماز.....
۱۵۹	نماز وتر.....
۱۶۱	نمازهای سنت و نفل.....
۱۶۲	نماز تراویح.....
۱۶۳	قضای نمازها.....
۱۶۶	مُدْرِك، مَسْبُوق، لَاحِق.....
۱۶۷	سجده سهو.....
۱۷۰	سجده تلاوت.....
۱۷۲	نماز بیمار.....
۱۷۳	نماز مسافر.....
۱۷۶	نماز جمعه.....
۱۷۹	نماز عیدین.....
۱۸۲	نماز جنازه.....
۱۸۴	روزه یکی از فرائض مهم اسلام.....
۱۸۶	روزه رمضان.....
۱۸۷	رؤیت ماه و گواهی در مورد آن.....
۱۸۹	نیت روزه.....
۱۹۰	مستحبات روزه.....
۱۹۰	مکروهات روزه.....
۱۹۲	آنچه روزه را فاسد می کند.....
۱۹۴	قضای روزه.....

۱۹۵	کفاره روزه.....
۱۹۶	اعتکاف.....
۱۹۸	مستحبات اعتکاف.....
۱۹۹	اوقات اعتکاف.....
۱۹۹	کارهایی که در اعتکاف جایز است.....
۲۰۰	آنچه اعتکاف را فاسد و یا مکروه می کند.....
۲۰۱	نذر.....
۲۰۲	زکات یکی از فرائض مهم اسلام.....
۲۰۳	نصاب و مال زکات.....
۲۰۵	چگونگی ادای زکات.....
۲۰۷	مصارف زکات.....
۲۰۹	صدقه فطر.....

(يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا) (تحریم / ۶).

«ای آنانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌تان را از آتش جهنم برهانید!»

پیشگفتار مترجم

با درود و سلام بر روان پاک خاتم پیامبران، حضرت محمد بن عبدالله و درود و سلام بر یاران فداکار، از مهاجرین و انصار و بر اهل بیت و خانواده اطهار، تا روز جدا شدن ابرار از اشرار.

دین اسلام دینی است کامل و جهانی که خواستها و نیازهای جامعه بشری را زمانهای مختلف پاسخگو بوده و در آینده نیز پاسخگو خواهد بود.

استفاده کامل از این دین، زمانی ممکن است که قوانین و مقررات آن، در ابعاد مختلف زندگی، در جامعه و خانواده، اجرا و پیاده شوند. اجرای این قوانین زمانی ممکن است که نخست، آشنایی کامل با این قوانین حاصل شود. کتابی که در پیش روی دارید، مجموعه گرانبها، سودمند و مختصری است از احکام و عقاید اسلام که برای فرزندان مسلمانان با زبانی ساده و گویا توسط یکی از شخصیت‌های برجسته علمی و عملی هند، یعنی «حضرت مولانا مفتی کفایت الله دهلوی» نوشته شده است. اهمیت این کتاب بعداً بیان خواهد شد در اینجا مختصری از زندگی مؤلف بیان می‌شود.

آشنایی بامؤلف محترم علامه مفتی کفایت الله دهلوی

مولانا در تاریخ (۱۲۹۲هـ). مطابق (۱۸۷۵) میلادی در شهر شاه جهان پور هند دیده به جهان گشود.

والد بزرگوار ایشان، شیخ عنایت الله بن فیض الله بن خیرالله بن عبادالله است.

تحصیلات ابتدایی:

مولانا در سن پنج سالگی وارد مکتب گشت و پس از طی دوران مکتب، وارد مدرسه ابتدایی شد و کتابهای ابتدای عربی و فارسی را در آنجا خواند. مولانا شاگرد بسیار ذکی و هوشمندی بود. هنگامی که استاد وی، مولانا عبیدالحق خان، ذکاوت و فراست شاگرد خویش را احساس کرد، به شیخ عنایت الله پیشنهاد نمود تا با اعزام مولانا به مدرسه مسجد شاهی در مراد آباد، موافقت کند.

در سال (۱۳۱۰هـ). مولانا به آنجا اعزام گشت و تا مدت دو سال از اساتید ممتاز آنجا، علم آموخت. در سال (۱۳۱۲هـ). به مدرسه دارالعلوم دیوبند رفته و از اساتید آنجا مانند: مولانا حکیم محمد حسن، مولانا غلام رسول، و محدث کبیر مولانا خلیل احمد سهارنپوری نویسنده کتاب «بذل المجهود فی حل ابی داوود» کسب علم نمود. دروس حدیث را از مولانا عبدالعلی میرتی و مولانا محمود الحسن؛ فرا گرفت و در تاریخ (۱۳۱۵هـ). در سن بیست و دو سالگی از مدرسه دارالعلوم دیوبند، فارغ التحصیل شد.

تدریس:

مولانا پس از فارغ التحصیل شدن و مراجعت به منطقه، به مدت پنج سال در مدرسه «عین العلوم» شاه جهان پور مشغول تدریس شد و دانشمندانی امثال مولانا اعزاز علی؛ استاد ادب و

فقه «دارالعلوم دیوبند» مولانا مفتی سید مهدی حسن مفتی «دارالعلوم دیوبند» و غیره افتخار شاگردی مولانا را در همان مدرسه کسب نمودند.

در سال (۱۳۲۱هـ). وقتی غائله قادیانیت در شاه جهان پور برپا شد، مولانا در رد آن، ماهنامه «البرهان» را نوشت و منتشر ساخت. و در همان سال به «مدرسه اُمینیه دهلی» رفت و بنا بر پیشنهاد مولوی امین الدین ایلولوی؛ بانی آن مدرسه، به عنوان استاد مدرسه برگزیده شد. در سال (۱۳۴۰هـ). پس از وفات مولوی امین الدین، به عنوان مدیر مدرسه انتخاب شد و تا آخر عمر در همان مدرسه مشغول خدمت به فرهنگ اسلام و مسلمین بود.

شرکت در مسایل و مبارزات سیاسی:

با توجه به اینکه مولانا، مفتی برجسته و مرجع مسلمانان هند بود و مشغولیت‌های تدریس، قضاء، افتا و غیره را عهده دار بود. اما در میدان سیاست نیز نقشی مهم و قابل توجهی داشت، و یکی از عاملان و پشت‌تازان در تأسیس و تشکیل «جمعیت علمای اسلام» در هند، به شمار می‌آیند و به مدت بیست سال عهده‌دار ریاست این جمعیت بودند.

مولانا در تأیید قضیه خلافت عثمانی یکی از معاونان و یاران شیخ محمود الحسن دیوبندی؛ بود. و همانند سایر علمای و دانشمندان آن دیار در مبارزات علیه استعمار و دیکتاتوری انگلیس، نقش فعالی داشت و در این راستا دوبار روانه زندان شدند.

بار اول مدت شش ماه و بار دوم مدت هیجده ماه را در زندان سپری کردند.^(۱)

۱- برای آگاهی بیشتر از سیمای درخشان مولانا به کتاب «نزّه الخواطر» نوشته علامه عبدالحی الکنوی پدر نویسنده و دانشمند معاصر هند؛ استاد سید ابوالحسن ندوی رحمه الله مراجعه شود.

بعضی از شاگردان ممتاز و بزرگ مردانی که از محضر ایشان کسب فیض و دانش نمودند به قرار ذیل می‌باشند:

- ۱- شیخ الأدب والفقہ مولانا اعزاز علی؛ استاد دارالعلوم دیوبند.
- ۲- مولانا مفتی سید مهدی حسن؛ مفتی دارالعلوم دیوبند.
- ۳- سحبان الہند مولانا حافظ احمد سعید دہلوی؛ ناظم پیشین جمعیت علمائے ہند.
- ۴- شیخ الحدیث مولانا مفتی محمد عبدالغنی پتالوی؛ استاد مدرسہ امینیہ دہلی.
- ۵- مولانا مفتی عبدالصمد مکرانی بلوچ قاضی القضاۃ اسبق ریاست قلات بلوچستان.
- ۶- مولانا محمد اسماعیل بسم اللہ مفتی منطقہ گجرات و مدیر اسبق جامعہ اسلامیہ دابیل ہند.
- ۷- حضرت مولانا عبدالعزیز ملازہی؛ پیشوای اسبق مذہبی اہل سنت ایران و بنیانگذار «حوزہ علمیہ دارالعلوم» زاهدان.

تصانیف و تألیفات:

- ۱- تعلیم الاسلام کہ در اصل بہ زبان اردو نگاشته شدہ و بہ چندین زبان معتبر و زندہ دنیا ترجمہ گردیدہ.
- ۲- «روض الریاحین» بہ صورت قصاید و اشعار عربی.
- ۳- جزوہای بر زندگی شیخ الہند مولانا محمود حسن دیوبندی؛
- ۴- «حمایت از منافع مذہبی و ملی مسلمانان».
- ۵- تفسیر سیاسی بر کارنامہ جمعیت علمای اسلام ہند.
- ۶- «کفایت المفتی» در ہفت جلد ضخیم چاپ و منتشر شدہ است، و یک مرجع بزرگ و بی‌مانند در فقہ اسلامی و مسایل روز است.

وفات:

در تاریخ سی و یک دسامبر (۱۹۵۲) میلادی رأس ساعت ده و بیست و پنج دقیقه در خانه خویش، رخت سفر از این جهان بربست و به جایگاه ابدی آخرت مشرف شد. در روز دوم از وفات، حدود یک صد هزار نفر از مسلمانان دهلی در تشییع جنازه آن ستاره درخشان علم و معرفت، شرکت جسته و پس از اقامه نماز بر پیکر پاک شان، در محوطه خواجه قطب الدین بختیار کاکي؛ به خاک سپرده شد. و جهان اسلام در ماتم آن زلاله دانش و عرفان به سوگ نشست. رحمه الله وأدخله فی جنات النعیم. صبا از ما درود و هم سلامی بر آن خاک و بر آن تربت رساند.

اهمیت کتاب تعلیم الإسلام:

همانگونه که از اسم کتاب بر می آید، این کتاب در واقع قالب و مخزنی است که تمام مسایل مربوط به احکام و عقیده اسلامی در آن، گنجانده شده و در آن یافته می شوند. این کتاب مشتمل بر چهار بخش است، و هر بخش شامل دو قسمت عقاید و احکام است. هر بخش و هر قسمت تکمیل کننده بخش و قسمت قبلی است، در بخش اول، عقاید و احکام به طور ساده بیان شده اند. در بخش دوم با تفصیل بیشتری، و در بخش سوم و چهارم با توضیح و تفصیل کاملی بیان شده است. آنچه امتیاز کتاب را بالا برده است قلم شیوای مصنف در روان نویسی ساده نویسی آن است. که بسیار عام فهم بوده و هر کس می تواند با مراجعه به آن، مسئله مورد نظر خویش را به راحتی بیابد. جهت تسهیل بیشتر، بنده تمام پرسشهای آن را شماره گذاری کردم.

کتاب تعلیم الاسلام یکی از پر تیراژترین کتابها در هند، پاکستان، افغانستان، بنگلادش و جمهوری اسلامی ایران است، و جزو برنامه درسی مدارس و مکاتب دینی در جاهای یاد شده می باشد، این کتاب تا به حال به زبانهای «اردو»، «عربی»، «انگلیسی»، «بنگالی»، «سندھی»، «بلوچی» چاپ و منتشر شده است. و قبلاً توسط یکی از برادران افغانی به زبان فارسی دری نیز ترجمه و چاپ گردیده ولی چون بسیاری از کلمات و اصطلاحات فارسی دری افغانستان برای فارسی دانان ایران مأنوس و زود فهم نبود، بنابر پیشنهاد و تشویق دوست ارجمند جناب مولوی محمد قاسم حفظه الله، اقدام به ترجمه آن نمودم. خداوند به ایشان نیز جزای خیر عنایت کند که باعث این امر مهم و خطیر گردیدند. لذا از آنجایی که طبیعت انسان مرکب از خطا و نسیان است اگر خوانندگان گرامی متوجه اشتباه و یا تسامحی در ترجمه شدند، امید است که با دیده اغماض نگریسته و به بنده یادآور شوند تا در چاپهای آینده انشاء الله اصلاح گردد.

در خاتمه، خواندن و مطالعه این کتاب به تمام دوستان بالخصوص جوانان نوجوانان و خردسالان، توصیه می شود. و بر هر فرد مسلمان لازم است نسخه ای از آن را در منزل خویش داشته و برای خانواده با برنامه صحیح و آموزنده، قرائت کند.

(رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ)

عبدالمجید مردازهی خاشی
حوزه علمیه دارالعلوم زاهدان

(يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُلُوبًا أَنفُسُهُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا) (تحریم / ۶).

«ای آنانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌تان را از آتش جهنم برهانید!»

بخش اول

قسمت اول: احکام:

پرسش ۱: تو کیستی؟

پاسخ: من مسلمانم.

پرسش ۲: نام مذهب مسلمانها چیست؟

پاسخ: اسلام.

پرسش ۳: اسلام به ما چه می آموزد؟

پاسخ: اسلام این را می آموزد که: «الله» یگانه است و فقط او شایسته و سزاوار بندگی است؛ حضرت محمد ﷺ بنده خدا و فرستاده اوست؛ قرآن مجید کتاب و قانون الهی است؛ اسلام دین بر حق و راست است. اسلام تمام خوییهای دین و دنیا را به ما می آموزد.

پرسش ۴: کلمه اسلام چیست؟

پاسخ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ.

ترجمه: هیچ معبودی به جز خداوند سزاوار عبادت نیست. محمد فرستاده «الله» است. و این را کلمه توحید نیز گویند.

پرسش ۵: کلمه شهادت کدام است؟

پاسخ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

ترجمه: گواهی می دهم که بجز «الله» کسی دیگر شایسته عبادت نیست، و گواهی می دهم که حضرت محمد بنده خدا و رسول اوست.

پرسش ۶: ایمان مجمل کدام است؟

پاسخ: أَمَنْتُ بِاللَّهِ كَمَا هُوَ بِأَسْمَائِهِ وَصِفَاتِهِ وَقَبِلْتُ جَمِيعَ أَحْكَامِهِ.

ترجمه: به ذات یگانه خداوند، ایمان آوردم چنان که با نامها و صفات خویش موسوم است و تمام احکام و دستورهای او را پذیرفتم.

پرسش ۷: ایمان مُفَصَّل کدام است؟

پاسخ: اَمَنْتُ بِاللّٰهِ وَمَلائِكَتِهِ وَكِتَابِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ مِنَ اللّٰهِ تَعَالٰی وَالْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ.

ترجمه: به خدا و فرشتگان و کتابهای آسمانی و پیامبران و روز قیامت ایمان آوردم. نیز بر آنچه در تقدیر از خوینها و بدیها نوشته شده است و بر زندگی پس از مرگ ایمان آوردم.

پرسش ۸: شما را چه کسی آفریده و به وجود آورده است؟

پاسخ: ما را و پدران و اجداد ما را، زمین و آسمان و تمام مخلوقات را خداوند متعال آفریده است.

پرسش ۹: خداوند، دنیا را از چه چیزی خلق کرده است؟

پاسخ: با قدرت و دستور خویش آفریده است.

پرسش ۱۰: کسانی که خدا را قبول ندارند، به آنها چه می گویند؟

پاسخ: به آنها کافر می گویند.

پرسش ۱۱: کسانی که بجز خداوند دیگر چیزهایی را می پرستند، به آنها چه می گویند؟

پاسخ: به آنها «کافر» و «مشرک» گفته می شود.

پرسش ۱۲: کسانی که معتقد به دو یا سه خدا هستند مانند مسیحیان به آنها چه می گویند؟

پاسخ: آنان را نیز «مشرک» و «کافر» می گویند.

پرسش ۱۳: انسان «مشرک» بخشوده می شود یا خیر؟

پاسخ: خیر؛ انسان «مشرک» هرگز بخشوده نمی شود بلکه برای همیشه در دوزخ و عذاب الهی قرار خواهد داشت.

پرسش ۱۴: حضرت محمد ﷺ چه کسی بوده است؟

پاسخ: ایشان بنده برگزیده خدا و پیامبر او بوده و ما امت او هستیم.

پرسش ۱۵: پیامبر ما در کجا متولد شده؟

پاسخ: در سرزمین عربستان، در شهر مکه معظمه

پرسش ۱۶: نام پدر و نام جد آن حضرت چه بوده است؟

پاسخ: نام پدر آن حضرت، عبدالله و نام جدش عبدالمطلب است.

پرسش ۱۷: آیا مقام پیامبر ما از سایر پیامبران بالاتر است؟

پاسخ: آری، مقام پیامبر ما از تمام پیامبران بالاتر است، و پیامبر ما از تمام مخلوقات افضل است.

پرسش ۱۸: حضرت محمد ﷺ در کجا زندگی می کرده است؟

پاسخ: پنجاه و سه سال در مکه بودند، پس از آن، به دستور خداوند به مدینه رفته و ده سال

تمام، در آنجا زندگی کردند، و در سن شصت و سه سالگی وفات نمودند.

پرسش ۱۹: کسی که پیامبر را قبول نداشته باشد چه حکمی دارد؟

پاسخ: کافر است؟

پرسش ۲۰: منظور از قبول داشتن پیامبر چیست؟

پاسخ: منظور این است که آن حضرت را بنده و رسول خدا و بعد از خدا از تمام مخلوقات

بالاتر و افضل دانست و از دستورها و احکام او پیروی و اتباع نموده، با ایشان محبت کامل

داشت.

پرسش ۲۱: دلیل اینکه حضرت محمد ﷺ پیامبر و فرستاده خداست، چیست؟

پاسخ: توسط آن حضرت چنان کارها و امور شایسته‌ای انجام گرفته است که بجز پیامبر از

دیگر کسی امکان انجام و وقوع آنها وجود ندارد.

پرسش ۲۲: چه دلیلی وجود دارد که قرآن، کتاب الهی است؟
پاسخ: این گفتار پیامبر که فرموده است: قرآن کتاب خدا است و آنرا بر من نازل کرده است.

پرسش ۲۳: قرآن مجید در یک بار بر آن حضرت نازل گردیده یا در چندین بار؟
پاسخ: قرآن در زمانهای مختلف بتدریج و بر حسب خواست و نیاز زمان، بر آن حضرت نازل شده است.

پرسش ۲۴: قرآن در مدت چند سال نازل شده است؟

پاسخ: در مدت «بیست و سه سال»

پرسش ۲۵: قرآن مجید چگونه نازل شده است؟

پاسخ: حضرت جبرئیل علیه السلام که مأمور رساندن وحی به پیامبران است، گاهی یک آیه و گاهی یک سوره را از سوی خداوند می آورد و برای آن حضرت ﷺ تلاوت می کرد. پیامبر اکرم پس از شنیدن آن، کاتبان و نویسندگان وحی را احضار می کرد و دستور می داد تا قرآن را یاد داشت کنند و بنویسند.

پرسش ۲۶: چرا خود پیامبر وحی را نمی نوشت؟

پاسخ: چونکه آن حضرت «اُمّی» بودند.

پرسش ۲۷: «اُمّی» به چه کسی گفته می شود؟

پاسخ: کسی که سواد خواندن و نوشتن را از کسی نیاموخته باشد، آنرا امی می نامند. گرچه آن حضرت علم و دانش را از کسی فرا نگرفته بود ولی بر حسب آموزش و لطف خداوند، از تمام مخلوقات عالی تر بودند و خداوند علوم بسیاری را به ایشان عنایت فرموده بود.

پرسش ۲۸: جبرئیل علیه السلام چکاره است؟

پاسخ: فرشته ایست که وحی و دستور خداوند را به پیامبران می رساند.

پرسش ۲۹: مسلمان خداوند را چگونه عبادت و بندگی می کند؟

پاسخ: نماز می خواند، روزه می گیرد، زکات می دهد و حج می کند.

پرسش ۳۰: نماز چیست؟

پاسخ: نماز، عبادت و روش مخصوصی است که با آن، خداوند را بندگی می کنیم و چگونگی آن، در قرآن و احادیث پیامبر اکرم به مسلمانها آموزش داده شده است.

پرسش ۳۱: روش مخصوص بندگی که آن را «نماز» می نامند چگونه است؟

پاسخ: در خانه یا در مسجد، دست بسته می ایستند و از قرآن می خوانند. حمد و ثنا و بزرگی خدا را بجا می آورند، گاهی در بارگاه او خم می شوند و گاهی پیشانی خویش را به قصد تضرع و اظهار عجز و ناتوانی خویش، بر زمین می نهند.

پرسش ۳۲: شخص نماز گزار در مسجد به خدا نزدیک می شود یا در خانه؟

پاسخ: خداوند در هر جای وجود دارد و انسان همیشه در محضر او قرار دارد، چه در مسجد و چه در خانه، ولی خواندن نماز در مسجد ثواب بیشتری دارد.

پرسش ۳۳: به شستن دست و صورت و پاها که پیش از نماز انجام می گیرد چه می گویند؟

پاسخ: آن را «وضو» می گویند، که بدون آن نماز صحیح نخواهد شد.

پرسش ۳۴: هنگام نماز، روی آدمی به کدام طرف باید باشد؟

پاسخ: به طرف قبله، که در ایران در قسمت جنوب غربی آن قرار دارد.

پرسش ۳۵: چرا باید رخ خویش را به طرف قبله کنیم؟

پاسخ: در مکه مکرمه خانه ای است که آن را «کعبه» (خانه خدا) می نامند، و هنگام نماز، ضروری است که رخ ما به سوی آن باشد، و چون آن شهر از سرزمین ما «ایران» تقریباً در جانب غروب آفتاب قرار دارد، ما روی خود را به سوی مغرب می کنیم.

پرسش ۳۶: آن طرفی که رخ به سوی آن می‌کنند و نماز می‌خوانند چه نام دارد؟
پاسخ: «قبله» نام دارد.

پرسش ۳۷: در یک شبانه روز، چند بار نماز خوانده می‌شود؟
پاسخ: پنج بار.

پرسش ۳۸: نام پنج وقت نماز چیست؟
پاسخ:

اول- «نماز فجر» که پیش از طلوع آفتاب خوانده می‌شود.

دوم- «نماز ظهر» که بعد از زوال آفتاب خوانده می‌شود.

سوم- «نماز عصر» که در حدود دو یا یک و نیم ساعت پیش از غروب آفتاب خوانده می‌شود.

چهارم- «نماز مغرب» که بعد از غروب آفتاب خوانده می‌شود.

پنجم- «نماز عشا» که در حدود دو یا یک و نیم ساعت پس از غروب آفتاب خوانده می‌شود.

اذان:

پرسش ۳۹: «اذان» چیست؟

پاسخ: هنگامی که وقت نماز فرا می‌رسد، لحظاتی پیش از خواندن نماز، رو به قبله ایستاده و با صدای بلند کلمات ذیل گفته می‌شوند که اصطلاحاً آن را «اذان» می‌نامند.

چگونگی اذان:

– اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ.

– أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

- أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ
 - حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ.
 - حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ.
 - اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ.
 - لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

ترجمه:

خدا بزرگ است، خدا بزرگ است، خدا بزرگ است، خدا بزرگ است.
 گواهی می‌دهم به اینکه بجز خدا، دیگر معبودی نیست.
 گواهی می‌دهم به اینکه بجز خدا، دیگر معبودی نیست.
 گواهی می‌دهم به اینکه حضرت محمد ﷺ فرستاده خداوند است. گواهی می‌دهم به اینکه
 حضرت محمد ﷺ فرستاده خداوند است.
 بشتابید به سوی نماز، بشتابید به سوی نماز.
 بشتابید به سوی رستگاری، بشتابید به سوی رستگاری.
 خدا بزرگ است، خدا بزرگ است، بجز وی دیگر معبودی نیست.
 در نماز فجر، بعد از گفتن «حی علی الفلاح» دوبار «الصلوة خیر من النوم» گفته می‌شود که
 معنایش چنین است: نماز از خواب بهتر است.
 پرسش ۴۰: تکبیر به چه چیزی می‌گویند؟
 پاسخ: پیش از اینکه مردم آماده نماز می‌شوند، شخصی پشت سر امام ایستاده و همان
 کلمات اذان را اعلام می‌دارد و بعد از «حی علی الفلاح» دوبار «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» اضافه
 می‌کند.

- پرسش ۴۱: اذان و تکبیر گوینده را چه می گویند؟
- پاسخ: اذان گوینده را «مُؤَذِّن» و تکبیر گوینده را «مُکَبِّر» می گویند.
- پرسش ۴۲: نمازی که به صورت دسته جمعی خوانده می شود، به این نماز و به کسی که از همه، جلوتر می ایستد و به بقیه مردم، چه می گویند؟
- پاسخ: به این نماز، «نماز جماعت» و به کسی که جلوتر از دیگران می ایستد «امام» و به بقیه که پشت سر «امام» نماز می خوانند «مُقْتَدِی» می گویند.
- پرسش ۴۳: کسی که تنها نماز می خواند، چه می گویند؟
- پاسخ: به او «مُنْفَرِد» می گویند.
- پرسش ۴۴: به محلی که برای خواندن نماز آماده می شود و فقط در آنجا نماز می خوانند، چه می گویند؟
- پاسخ: آن را «مَسْجِد» می گویند.
- پرسش ۴۵: در مسجد چه اعمالی به جای آورده می شود؟
- پاسخ: در مسجد باید خاموش بود، نماز خواند یا قرآن مجید تلاوت کرد یا مشغول ذکر و عبادت الهی شد. حرف زدن بی مورد، غوغا و آشوب برپا کردن در مسجد، صحیح نیست.
- پرسش ۴۶: نماز چه فوایدی دارد؟
- پاسخ: نماز فواید بی شماری دارد که برخی از آن بشرح زیر می باشد:
- ۱- بدن و لباس آدم نماز گزار همیشه پاک و تمیز است.
 - ۲- خداوند از آدم نماز گزار خشنود و راضی است.
 - ۳- حضرت رسول اکرم ﷺ از آدم نماز گزار راضی و خشنود خواهد شد.
 - ۴- آدم نماز گزار نزد خداوند محبوب است.
 - ۵- شخص نماز گزار در این دنیا هم، مورد احترام و ستایش آدمهای خوب واقع می شود.

۶- نماز گزار از بسیاری از گناهان محفوظ می ماند.

۷- نماز گزار را خداوند پس از مرگ، در آسایش و اطمینان قرار می دهد.

پرسش ۴۷: در نماز چه چیزی خوانده می شود؟ و عبارت آن چگونه است؟

پاسخ: از آغاز نماز تا اختتام آن، آنچه خوانده می شود بشرح زیر است:

تکبیر: الله اکبر (خداوند از هر چیز بزرگتر است)

ثنا:

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ. (بارالها به عظمت و تقدست اعتراف می کنیم، و حمد و ثنای تو را می گوئیم. نام گرامی تو بسیار با برکت است. و عظمت و جلال تو بسیار والا و بجز ذات پاکت، هیچ معبودی شایسته پرستش نیست).

تعوذ:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (به الله پناه می برم از شر شیطان مردود و لعین)

تسمیه:

بسم الله الرحمن الرحيم. (به نام الله آغاز می کنم که بسیار بخشاینده و مهربان است).

سوره فاتحه یا الحمد شریف:

(الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٢﴾ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٣﴾

إِلَهِكَ نَعْبُدُكَ وَإِلَيْكَ نَسْتَعِينُ ﴿٤﴾ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٥﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ

أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ).

ترجمه: تمام خویبها برای الله است که پروردگار جهانیان است. بسیار بخشنده، و مهربان است. مالک روز جزا است. (خدایا) فقط تو را می پرستیم و فقط از تو کمک می خواهیم. ما را بر راه راست هدایت فرما. راه کسانی که بر آنها انعام فرموده ای. نه راه کسانی که بر آنها خشم و غضب تو نازل گردیده و نه بر راه گمراه شوندگان.

سوره کوثر:

(إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ﴿١﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ﴿٢﴾ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿٣﴾)

ترجمه: «ای پیامبر) همانا ما به تو کوثر داده ایم. پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن. به تحقیق دشمن تو بی آینده است».

سوره اخلاص:

(قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾)

ترجمه: «ای پیامبر) بگو او ا یگانه است. ا بی نیاز است نه کسی را زاییده و نه از او کسی زاده شده. و کسی همتای او نیست».

سوره فلق:

(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾)

ترجمه: «ای پیامبر در دعاهايت چنین) بگو به پروردگار صبح پناه می برم، از شر تمام مخلوقات و از شر تاریکی هنگامی که همه جا را فرا گیرد. و از زنانی که بر گره ها می دمند. و از شر کینه جو هنگامی که برای کینه آماده شود».

سوره الناس:

(قُلْ أَغُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿٢﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿٣﴾ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ

الْخَنَاسِ ﴿٤﴾ الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿٥﴾ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ)

ترجمه: «ای پیامبر در دعاهايت چنين) بگو به پروردگار آدميان پناه مي برم، پادشاه آدميان، معبود آدميان، از شر وسوسه کننده که در دلهای آدميان وسوسه می کند. از جنها باشد يا از آدميان».

رکوع:

يعنی تسبیح در حال خم شدن، «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ» تسبیح و پاکی پروردگار بزرگ خویش را بیان می کنم.

قومه:

يعنی گفتن تسبیح به هنگام بالا رفتن از رکوع. «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» خداوند حمد کسی را شنید که او را ستایش می کند.

حمد قومه:

«رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ» تمام خوبیها مخصوص تو و برای تو است.

سجده:

يعنی تسبیح در حال گذاشتن سر بر زمین. «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى» تسبیح پروردگار والا و برتر خویش را بیان می کنم.

تشهد یا التحیات:

التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

ترجمه:

«تمام عبادات قولی و تمام عبادت بدنی مخصوص الله اند. سلام بر تو ای پیامبر و رحمت و برکت الله بر تو باد، سلام بر ما و بر بندگان نیک الله. گواهی می‌دهم که بجز الله دیگر معبودی نیست. و گواهی می‌دهم بر اینکه محمد بنده و رسول الله است.»

درود شریف:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.»

ترجمه:

«خداوندا! بر محمد و آل محمد رحمت نازل کن همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم رحمت نازل فرمودی. همانا تو ستوده شده و با عظمت هستی. خداوندا! بر محمد و آل محمد برکت نازل کن همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت نازل فرمودی همانا تو ستوده شده و با عظمت هستی.»

دعای بعد از درود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ.»

ترجمه:

خداوندا! همانا بر نفس خویش ظلم بسیار کرده‌ام شکی نیست که بجز تو دیگر کسی گناهان را نمی‌آمرزد. پس مرا با آموزش خاص خود بیامرز و بر من رحم فرما. همانا تو بخشاینده و مهربان هستی.

سلام:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

ترجمه:

سلام و رحمت الهی بر شما باد.

دعای بعد از نماز:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

ترجمه:

بار الها! تو سلامتی دهنده هستی و سلامتی از طرف تو خواهد رسید. با برکت هستی ای ذات بزرگوار و با عظمت!

دعای قنوت:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَغِيثُكَ، وَنَسْتَغْفِرُكَ، وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَتُثْنِي عَلَيْكَ الْخَيْرَ، وَتَشْكُرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ، وَنَخْلَعُ وَتَتَرَكُ مَنْ يَفْجُرُكَ، اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ، وَلَكَ نُصَلِّي وَنَسْجُدُ، وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنَحْفِدُ، وَنَرْجُو رَحْمَتَكَ، وَنَخْشَى عَذَابَكَ، إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكَفَّارِ مُلْحِقٌ.

ترجمه:

خداوندا! همانا از تو کمک و آمرزش می طلبیم و به تو ایمان می آوریم. و بر تو توکل و اعتماد می کنیم. و تو را با خوبی ستایش می کنیم از تو سپاسگزاری نموده، نا سپاسی ات نمی کنیم و تو را می پرستیم و برای تو نماز می خوانیم و سجده می کنیم. و به سوی تو می آییم. و از رحمت امیدوار و از عذابت بیمناکیم. همانا عذاب تو دامنگیر کفار است.

روش وضو:

پرسش ۴۸: چگونه باید وضو گرفت؟

پاسخ: در ظرف پاکی آب برداشته، در جای پاک رو به قبله نشست. آستینها را تا بالای آرنجها بالا زد. بسم الله گفت، و سه بار هر دو دست را تا مفصل شست. سه بار آب در دهان کرد، از مسواک استفاده نمود. آنگاه سه بار آب در بینی کرد با انگشت کوچک دست چپ، بینی را صاف و تمیز کرد. سپس سه بار صورت خویش را شست. آب را بر صورت ریخت. و صورت خویش را خوب مالید. از پیشانی جایی که موها روییده‌اند تا زیر چانه و از این گوش تا آن گوش صورت شسته شود. سپس دستها را با آرنجها به گونه‌ای که نخست دست راست و سپس دست چپ شسته شود. بعداً دستها را با آب خیس کرده، سر را مسح کرد. سپس گوشها و سپس گردن را نیز مسح نمود. مسح فقط یک بار کافی است. سپس سه بار هر دو پا را نخست پای راست و سپس پای چپ را با قوزک پا شست.

روش ادای نماز:

پرسش ۴۹: روش خواندن نماز چگونه است؟

پاسخ: روش نماز خواندن بشرح ذیل است:

نخست وضو کن، لباس تمیز بپوش، در جای پاکی رو به قبله بایست و نیت نماز را بکن. هر دو دستها را تا گوشها بالا برده، الله اکبر بگو. دستها را در زیر ناف ببند. دست راست را بالای دست چپ قرار بده. با ادب و احترام کامل بایست به این طرف و آن طرف نگاه نکن کاملاً به سوی خداوند متوجه باش و نخست ثنأ «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ» اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و سپس بسم الله

الرحمن الرحیم را بخوان. آنگاه الحمد، را تا آخر خوانده آهسته آمین بگو. سپس سوره اخلاص یا دیگر سوره‌ای خوانده، تکبیر بگو و به رکوع برو. در رکوع هر دو زانوی خویش را با هر دو دست محکم بگیر و تسبیح رکوع «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ» را سه یا پنج بار بخوان. سپس «تسمیع» یعنی «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» گفته راست بایست. و تحمید «رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ» بگو، سپس تکبیر گفته به گونه‌ای به سجده برو که نخست هر دو زانو و سپس هر دو دست را بر زمین بگذار. سپس میان هر دو دست، اول بینی و سپس پیشانی را بر زمین بگذار. تسبیح سجده «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى» را سه یا پنج بار بخوان. سپس تکبیر گفته سر را از سجده بردار و راست بنشین باز تکبیر گفته سجده دوم را مانند سجده اول بجا آور. آنگاه تکبیر گفته و به گونه‌ای بلند شو که در حین بلند شدن، دست بر زمین بگذار. تا سجده‌ها یک رکعت کامل شده است. بعد از سجده‌ها رکعت دوم شروع می‌شود. تسمیه خوانده الحمد، را با سوره‌ای بخوان و به رکوع برو. قومه و هر دو سجده را بجای آورده برای تشهد بنشین، اول تشهد و سپس درود و دعا بخوان، آنگاه نخست به سمت راست و سپس به سمت چپ سلام بگو. تا اینجا دو رکعت نماز به پایان رسید. پس از سلام گفتن این دعا را بخوان.

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. دستها را بلند کرده دعا بکن. البته دستها را از شانه‌ها بالاتر نبر، وقتی از دعا فارغ شدی هر دو دست را بر چهره خویش بمال.

پرسش ۵۰: در میان هر دو سجده به هنگام خواندن تشهد چگونه باید نشست؟

پاسخ: پای راست را قایم کند و پای چپ را گسترانده، روی آن بنشیند. باید توجه داشت که انگشتان پای راست به طرف قبله باشند. در حال نشستن هر دو دست را بر زانوها بگذارد.

پرسش ۵۱: در نمازهای امام، منفرد، و مقتدی فرقی وجود دارد یا خیر؟
 پاسخ: آری این تفاوت وجود دارد که امام و منفرد در رکعت اول پس از خواندن ثناء، تعوذ و تسمیه، الحمد، و سوره‌ای می‌خوانند و در رکعت دوم نیز تسمیه و الحمد و سوره می‌خوانند، مقتدی فقط در رکعت اول ثناء، می‌خواند و بعداً خاموش می‌شود. فرق دوم این است که: به هنگام برخاستن از رکوع، امام و منفرد، سمع الله لمن حمده می‌گویند، و منفرد به همراه تسمیع، تحمید نیز می‌گوید. البته مقتدی فقط ربنا لک الحمد می‌گوید.

پرسش ۵۲: اگر نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی باشد چگونه خوانده می‌شود؟
 پاسخ: دو رکعت، همانگونه خوانده می‌شود که قبلاً بیان شد. البته در قعده، پس از تشهد، درود نخواند. بلکه تکبیر گفته برخیزد. اگر نماز واجب یا نفل یا سنت است، دو رکعت آخر را همانند دو رکعت اول بخواند و اگر نماز فرض است، در رکعت سوم و چهارم به همراه الحمد سوره‌ای نخواند، بقیه افعال را همانند دو رکعت اول انجام دهد.

پرسش ۵۳: نماز سنت یا نفل سه رکعت هم خوانده می‌شود یا خیر؟
 پاسخ: خیر؛ نماز نفل یا سنت چهار رکعت یا دو رکعت باید خوانده شود به صورت سه رکعتی درست نیست.

پرسش ۵۴: روش صحیح رکوع چگونه است؟
 پاسخ: رکوع بدین صورت است که: کمر و سر باید در رکوع با هم برابر باشند یعنی سر از کمر نه بالاتر و نه پایین‌تر باشد. زانوها با دستها محکم نگه داشته شوند.

پرسش ۵۵: روش صحیح سجده چگونه است؟
 پاسخ: سجده بدین طریق صورت گیرد که: پنجه دستها بر زمین قرار داشته باشد. و بقیه قسمت دست، از زمین بالا باشد. شکم از رانها و هر دو دست از پهلوها دور باشند.

پرسش ۵۶: پس از اختتام نماز، با انگشتها چه چیزی شمارش و خوانده می شود؟

پاسخ: سی و سه بار «سُبْحَانَ اللَّهِ» سی و سه بار «الْحَمْدُ لِلَّهِ» سی و چهار بار «اللَّهُ أَكْبَرُ» گفتن این تسبیحات ثواب بسیار دارد.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا) (تحریم / ۶).
 «ای آنانیکه ایمان آورده اید، خود و خانواده تان را از آتش جهنم
 برهانید!»

بخش اول

قسمت دوم: عقاید

عقاید:

پرسش ۵۷: اساس و پایه اسلام بر چند چیز استوار است؟

پاسخ: پایه اسلام بر پنج چیز استوار است.

اول: کلمه طیه یا کلمه شهادت. یعنی مفهوم و مطلب آن را با دل پذیرفتن و با زبان اقرار کردن.

دوم: خواندن نماز.

سوم: دادن زکات.

چهارم: گرفتن روزه ماه مبارک رمضان.

پنجم: حج خانه کعبه.

پرسش ۵۸: کلمه طیه چیست و چه مفهومی دارد؟

پاسخ: کلمه طیه این است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ» یعنی بجز خداوند کسی شایسته عبادت نیست. حضرت محمد ﷺ فرستاده و رسول خداست.

پرسش ۵۹: کلمه شهادت چیست و چه مفهومی دارد؟

پاسخ: کلمه شهادت این است: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». «گواهی می‌دهم که بجز الله دیگر معبودی نیست. و گواهی می‌دهم که حضرت محمد ﷺ بنده و رسول الله است».

پرسش ۶۰: آیا بدون از فهمیدن معنی و مفهوم کلمه فوق، فقط از خواندن آن با زبان، آدمی مسلمان می‌شود؟

پاسخ: خیر؟ بلکه مفهومش را فهمیدن و با دل یقین و با زبان اقرار کردن لازم است.

پرسش ۶۱: با دل یقین و با زبان اقرار کردن را چه می گویند؟

پاسخ: ایمان آوردن می گویند.

پرسش ۶۲: کسی که گنگ است و با زبان نمی تواند اقرار کند، چگونه ایمان آوردنش

معلوم می شود؟

پاسخ: در مورد گنگ اینقدر کافی است که با اشاره یگانگی خداوند و پیامبری حضرت

محمد ﷺ را اعلام دارد.

پرسش ۶۳: برای مسلمان ایمان بر چند چیز لازم است؟

پاسخ: بر هفت چیز که بیان آنها در ایمان مفصل بشرح زیر است:

أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ مِنْ اللَّهِ تَعَالَى وَالْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ.

پرسش ۶۴: مسلمانها نسبت به خداوند چه عقیده ای باید داشته باشند؟

پاسخ: باید چنین عقیده داشته باشند که:

۱- خداوند یگانه است.

۲- فقط او شایسته بندگی و عبادت است.. و بجز وی کسی دیگر لایق بندگی نیست.

۳- برای او هیچ شریک و همتایی نیست.

۴- او هر سخن را می داند. هیچ چیزی بر وی پوشیده نیست.

۵- او توانا و با قدرت است.

۶- او زمین، آسمان، خورشید، ماه، فرشتگان، ستارگان، جن و انسان و تمام جهان را آفریده

است. و فقط او مالک جهان است.

۷- او می میراند و زنده می کند یعنی میراندن و زنده کردن مخلوقات طبق دستور او انجام

می گیرد.

- ۸- او تمام مخلوقات را رزق و روزی می دهد.
- ۹- او نه چیزی می خورد و نه می نوشد و نه می خوابد.
- ۱۰- او بخودی خود از همیشه بوده و تا همیشه خواهد بود.
- ۱۱- کسی او را نیافریده است.
- ۱۲- برای او نه پدری هست و نه زن و فرزندی، از تمام این امور پاک و مبرا است.
- ۱۳- همه نیازمند و محتاج او هستند و او به کسی و یا به چیزی محتاج نیست.
- ۱۴- او بی مانند است. هیچ چیزی مانند و مشابه او نیست.
- ۱۵- او از تمام عیبا و نقصها پاک است.
- ۱۶- او از دست و پا و گوش و بینی و شکل و صورت و سایر چیزهایی که برای مخلوقات ثابت اند، پاک و مبرا است.
- ۱۷- او فرشتگان را آفریده و بر نظم و تدبیر امور عالم گمارده است.
- ۱۸- او برای هدایت و راهنمایی مخلوق خویش، پیامبران را فرستاده است، تا دین و مذهب حق را به آنها نشان دهند و آنان را از سخنان زشت و نادرست دور کنند و سخنان خوب به آنها بیاموزند.

فرشتگان:

پرسش ۶۵: فرشتگان چه کاره اند؟

پاسخ: فرشتگان مخلوق خداوند اند که از نور آفریده شده اند. از دیدگان ما پنهان اند. نه مرد هستند و نه زن. نافرمانی خدا و گناه نمی کنند. به کارهایی که خداوند آنها را مقرر کرده مأمور و مشغول اند.

پرسش ۶۶: تعداد فرشتگان چقدر است؟

پاسخ: تعداد فرشتگان را بجز خداوند کسی دیگر نمی‌داند. البته اینقدر معلوم است که بسیار هستند و از میان آنان چهار فرشته مقرب و معروف‌اند.

پرسش ۶۷: چهار فرشته مشهور کدامها هستند؟

پاسخ:

اول: حضرت جبرئیل که پیامها و دستورات و کتابهای الهی را نزد پیامبران آ می‌آورد.

دوم: حضرت اسرافیل که هنگام قیامت در صور می‌دمد.

سوم: حضرت میکائیل که بر امر باران و روزی رساندن به مخلوقات، مقرر است.

چهارم: حضرت عزرائیل که بر گرفتن جان مخلوقات مقرر است.

کتابهای آسمانی:

پرسش ۶۸: کتابهای الهی چند تا هستند؟

پاسخ: تعداد بسیاری از کتابهای بزرگ و کوچک از سوی خداوند بر پیامبران نازل شده

است. به کتابهای بزرگ «کتاب» و به کتابهای کوچک «صحیفه» گفته می‌شود. از میان آنها

چهار کتاب مشهور است.

پرسش ۶۹: چهار کتابی که معروف‌اند چه نام دارند و بر کدام پیامبران نازل شده‌اند؟

پاسخ:

۱- «تورات» بر حضرت موسی علیه السلام

۲- «زبور» بر حضرت داوود علیه السلام

۳- «انجیل» بر حضرت عیسی علیه السلام

۴- «قرآن مجید» بر پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است.

پرسش ۷۰: صحیفه چند تا هستند و بر کدام پیامبران نازل شده‌اند؟
 پاسخ: تعداد صحیفه‌ها معلوم نیست. البته بعضی از صحیفه‌ها بر حضرت آدم علیه السلام و بعضی بر حضرت شیث علیه السلام و بعضی بر ابراهیم علیه السلام نازل شده است. علاوه بر اینها صحیفه‌های دیگری هم بوده که بر بعضی از پیامبران نازل شده است.

پیامبران:

پرسش ۷۱: پیامبران چه کسانی هستند؟
 پاسخ: پیامبران بنده خدا و از جنس بشر هستند که خداوند آنان را برای رساندن پیامهای خویش به بندگان، تعیین نموده است. آنان راستگو هستند. هیچگاه دروغ نمی‌گویند. گناه نمی‌کنند. احکامها و فرامین الهی را کاملاً می‌رسانند و در آنها کمی و بیشی نمی‌کنند. پیام الله را کاملاً می‌رسانند و آن را مخفی نمی‌کنند.

پرسش ۷۲: نبی به چه کسی می‌گویند؟
 پاسخ: نبی نیز بنده خدا و از جنس بشر است که احکام و دستورات الهی را به بندگان ابلاغ می‌کند. راستگو و درستکار است، دروغ نمی‌گوید، گناه نمی‌کند و در دستورات الهی کم و کاستی نمی‌کند. و هیچ دستوری را پنهان نمی‌کند.

پرسش ۷۳: نبی و رسول با هم فرقی دارند یا خیر؟
 پاسخ: اندکی با هم فرق دارند و آن اینکه: رسول به آن پیامبری می‌گویند که: خداوند به او دین و شریعت و کتاب جدیدی داده و به سوی اُمت روانه کرده است. و نبی به هر پیامبری می‌گویند، خواه دین و کتاب جدیدی به وی داده شده و یا اینکه پیرو دین و کتاب پیش از خود باشد.

پرسش ۷۴: آیا هیچ انسانی بر اثر تلاش و عبادت خویش می تواند به مقام پیامبری برسد؟
پاسخ: خیر، نبوت مقامی نیست که با کسب و تلاش حاصل شود، بلکه نعمتی است که خداوند نصیب کسانی می کند که شایستگی و استعداد آن را داشته باشند.

پرسش ۷۵: تعداد انبیا و رسولان چقدر است؟
پاسخ: در دنیا انبیا و رسولان ^۱ زیادی مبعوث شده اند، تعداد دقیق آنها معلوم نیست خداوند تعدادشان را بهتر می داند. و ما اینگونه باید ایمان داشته باشیم که خداوند هر تعداد از پیامبران را که مبعوث نموده، تمام آنان بر حق و رسول او بوده اند.

پرسش ۷۶: اولین پیامبر چه کسی بوده است؟

پاسخ: حضرت آدم علیه السلام

پرسش ۷۷: آخرین پیامبر چه کسی است؟

پاسخ: آخرین پیامبر حضرت محمد صلی الله علیه و آله

پرسش ۷۸: پس از حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبری هم مبعوث می شود یا خیر؟ پاسخ: خیر، چون مقام نبوت بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله ختم گردیده است و تا قیامت، پیامبری مبعوث نخواهد شد. او پیامبر آخرالزمان است هر کس پس از وی ادعای پیامبری کند، ادعایش دروغ است و پذیرفته نخواهد شد.

پرسش ۷۹: از تمام پیامبران چه کسی افضل است؟

پاسخ: از تمام پیامبران، پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله افضل است. بنده خدا و فرمانبردار اوست. و پس از خداوند مقام و مرتبه اش از تمام مخلوقات بالاتر و گرامی تر است.

قیامت:

پرسش ۸۰: به چه روزی، روز قیامت می گویند؟

پاسخ: قیامت به آن روزی گفته می شود که: تمام انسانها و جانداران در آن روز می میرند. و تمام دنیا در کام نیستی فرو می رود. کوهها مانند پشم زده شده، این طرف و آن طرف می روند. ستاره ها منفجر گشته و ساقط می شوند. خلاصه، هر چیزی نابود می شود و از بین می رود.

پرسش ۸۱: تمام انسانها و جانداران چگونه می میرند؟

پاسخ: حضرت اسرافیل علیه السلام در صور می دمدم. صدای دمیده شده، در صور، آنقدر سخت و وحشتناک خواهد بود که از شدت و سختی آن، تمام جانداران می میرند و دیگر چیزها در هم کوبیده شده و نابود می شوند.

پرسش ۸۲: قیامت کی می آید؟

پاسخ: قیامت خواهد آمد ولی تاریخ دقیق آن را بجز خداوند کسی دیگر نمی داند. اینقدر معلوم است که در روز جمعه و در دهم محرم یعنی روز عاشورا قیامت بر پا می شود. البته حضرت رسول اکرم ﷺ علایم و نشانه هایی برای قیامت بیان داشته اند که از مشاهده و وقوع آنها، قیامت نزدیک به نظر می رسد!

پرسش ۸۳: قیامت چه نشانه هایی دارد؟

پاسخ: آن حضرت فرمودند: هنگامی که در دنیا گناه بسیار انجام گیرد، و فرزندان، نافرمان پدر و مادر خویش بشوند و آنان را مورد آزار قرار دهند، و در امانتها خیانت شود. و رقص و سرود و موسیقی روز به روز افزون شود. و آیندگان، از انسانهای صالح و خوب

گذشته بدگویی کنند. آدمهای بی دانش و کم دانش، رهبران جامعه شوند، چوپانها و انسانهای پست و پایین جامعه، کاخها و آپارتمانها بنا کنند و افراد نالایق بر پستها و مقامهای والایی قرار گیرند، پس بدانید که قیامت نزدیک است.

تقدیر:

پرسش ۸۴: تقدیر به چه چیزی می گویند؟

پاسخ: برای هر سخن و هر کار خوب و بد، در علم خداوند، اندازه و مقیاسی مقرر است و خداوند به هر چیزی قبل از آفرینش آن آگاه است. همین علم و اندازه الهی را «تقدیر» می گویند. هیچ سخن خوب و یا بدی از علم و اندازه خداوند خارج نیست.

زندگی پس از مرگ:

پرسش ۸۵: هدف از زندگی پس از مرگ چیست؟

پاسخ: در روز قیامت تمام چیزها فنا و نابود می شوند. آنگاه حضرت اسرافیل دوباره در صور می دمند، و تمام جانداران زنده می شوند. انسانها نیز زنده گشته و به بارگاه الهی در میدان محشر، حاضر می شوند. و مورد حساب و کتاب قرار می گیرند. پاداش و کیفر اعمال خوب و بد، به آنها داده می شود. روزی که این تحولات به وقوع می پیوندد آن را «يَوْمُ الْحَشْرِ» یعنی روز گرد آمدن و «يَوْمُ الْجَزَاءِ» و «يَوْمُ الدِّينِ» یعنی روز پاداش و جزا. و «يَوْمُ الْحِسَابِ» یعنی روز حساب می گویند.

پرسش ۸۶: هفت موردی که در ایمان مفصل مذکور است اگر کسی یکی دو مورد از آن را قبول نداشته باشد آیا به او مسلمان گفته می شود؟

پاسخ: خیر، تا زمانی که به وحدانیت خداوند، رسالت پیامبران، کتابهای آسمانی، فرشتگان، تقدیر، روز قیامت و زندگی پس از مرگ ایمان نداشته باشد، مسلمان نخواهد بود.

پرسش ۸۷: حضرت رسول اکرم ﷺ اساس و پایه اسلام را بر پنج چیز بیان داشتند و در آنها ذکری از فرشتگان، کتابهای آسمانی تقدیر و روز قیامت نیست؟

پاسخ: یکی از آن موارد، ایمان آوردن بر حضرت رسول اکرم می باشد. و چون کسی بر آن حضرت ایمان آورد، لزوماً بر تمام گفته های آن حضرت هم باید ایمان داشته باشد. کتابی را که آن حضرت از سوی خدا آورده اند، بر آن هم باید ایمان آورد. تمام این مواردی که ذکرشان در بحث ایمان مفصل به میان آمد از قرآن مجید و از دستورات حضرت رسول اکرم ﷺ ثابت اند. پس باید به همه آنها ایمان داشت.

پرسش ۸۸: اگر کسی به تمام این موارد ایمان داشته باشد ولی نماز نمی خواند، زکات نمی دهد، روزه نمی گیرد، حج نمی کند آیا مسلمان خواهد بود؟

پاسخ: آری، مسلمان است. ولی شدیداً گنهکار می شود زیرا که نافرمانی خدا و رسول را کرده است، چنین شخصی را در اصطلاح شریعت «فاسق» می گویند. اینگونه انسانها، کیفر و عذاب گناهان خویش را خواهند چشید و در نهایت، بر اثر وجود ایمان، به بهشت برده می شوند.

(يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُلُوبًا أَنفُسُهُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا) (تحریم / ۶).
(ای آنانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌تان را از آتش
جهنم برهانید!)

بخش دوم

قسمت اول: احکام

آموزش احکام اسلامی:

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على رسوله محمد وآله وصحبه أجمعين.

پرسش ۸۹: هدف از احکام اسلامی چیست؟

پاسخ: آن پنج مواردی که پایه و اساس اسلام بر آنها مبتنی است. مورد اول آن را ایمان گویند، که شرح آن در بخش اول بیان شد. چهار مورد باقی مانده یعنی نماز، زکات، روزه رمضان و حج بیت الله را احکام اسلامی می گویند. در این بخش از نماز بحث خواهد شد.

پرسش ۹۰: نماز چیست؟

پاسخ: نماز روش خاصی از عبادت و بندگی است که خداوند و رسول او به بندگان آموزش داده اند.

پرسش ۹۱: پیش از شروع نماز رعایت چه چیزهایی لازمی است؟

پاسخ: پیش از آغاز نماز، رعایت هفت چیز لازم است. که به آنها شرایط و فرائض نماز گفته می شود.

پرسش ۹۲: آن هفت چیز را توضیح دهید؟

پاسخ: اول: پاک بودن بدن.

دوم: پاک بودن لباس.

سوم: پاک بودن جای نماز.

چهارم: پوشیدن عورت.

پنجم: وقت نماز.

ششم: رو به سوی قبله کردن.

هفتم: نیت کردن.

شرط اول نماز:

پرسش ۹۳: هدف از پاک بودن بدن چیست؟

پاسخ: هدف این است که بر بدن نماز گزار هیچگونه پلیدی موجود نباشد.

پرسش ۹۴: نجاست و پلیدی چند قسم دارد؟

پاسخ: پلیدی بر دو قسم است- ۱: حقیقی- ۲: حکمی

پرسش ۹۵: نجاست حقیقی را تعریف کنید؟

پاسخ: پلیدی و نجاستی که ظاهر و نمایان باشد، آنرا نجاست حقیقیه گویند.

پرسش ۹۶: نجاست حکمیه را تعریف کنید؟

پاسخ: پلیدی و نجاستی که با حکم و دستور شریعت ثابت شده و ظاهر و نمایان نیست، آنرا

نجاست حکمیه گویند. مانند بی وضو شدن یا نیاز پیدا کردن به غسل.

پرسش ۹۷: برای نماز، پاک بودن بدن از چه نجاستی لازم است؟

پاسخ: پاک بودن بدن از هر دو نجاست لازمی است.

پرسش ۹۸: نجاست حکمیه بر چند قسم است؟

پاسخ: بر دو قسم است- ۱- نجاست حکمیه کوچک- ۲- نجاست حکمیه بزرگ. اولی را

«حَدَثِ أَصْغَر» و دومی را «حَدَثِ اکْبَر» و جنابت می گویند.

پرسش ۹۹: روش پاک کردن بدن از نجاست کوچک چگونه است؟

پاسخ: بدن از نجاست حکمیه کوچک با وضو گرفتن پاک می شود.

بیان وضو:

پرسش ۱۰۰: وضو به چه چیزی گفته می‌شود؟

پاسخ: وضو این را گویند که هنگامی که انسان قصد خواندن نماز را بکند، نخست، هر دو دست خویش را تا مچ دست با آب پاک و تمیز بشوید، سپس سه بار مضمضه و استنشاق نموده، از مسواک شرعی نیز استفاده کند. آنگاه سه بار صورت خویش را شسته و سپس سه بار هر دو دست را با آرنجها بشوید. بعداً سر و گوشهای خویش را مسح کند آنگاه هر دو پا را تا قوزک پا سه بار بشوید.

پرسش ۱۰۱: آیا در وضو تمام موارد یاد شده ضروری‌اند؟

پاسخ: بعضی چیزها ضروری‌اند که از ترک آنها وضو صحیح نمی‌شود و آنها را «فرضهای وضو» گویند. و بعضی چیزها هستند که از ترک آنها وضو صحیح می‌شود، ولی بطور ناقص. و آنها را «سُنْتهای وضو» می‌نامند و بعضی چیزها هستند که از انجام آن پاداش و ثواب می‌رسد و از ترک آنها نقص و خللی در وضو ایجاد نمی‌شود و آنها را «مُسْتَحَب‌های وضو» می‌گویند.

پرسش ۱۰۲: در وضو چند چیز فرض است؟

پاسخ: در وضو چهار چیز فرض است.

۱- شستن صورت از محل رویدن موی پیشانی تا زیر چانه و از یک گوش تا گوش دیگر.

۲- شستن هر دو دست تا آرنجها.

۳- مسح یک چهارم سر.

- ۴- شستن هر دو پا تا قوزک پا.
- پرسش ۱۰۳: در وضو چند چیز سنت است؟
- پاسخ: در وضو سیزده چیز سنت است:
- ۱- نیت طهارت و پاکی کردن.
 - ۲- بسم الله الرحمن الرحيم گفتن.
 - ۳- شستن هر دو دست تا مچ دست.
 - ۴- استفاده از مسواک شرعی.
 - ۵- سه بار مضمضه کردن.
 - ۶- سه بار استنشاق (آب در بینی) کردن.
 - ۷- خلال کردن ریش.
 - ۸- خلال کردن انگشتان دست و پا.
 - ۹- هر عضو را سه بار شستن.
 - ۱۰- یک بار تمام سر را مسح کردن.
 - ۱۱- هر دو گوش را مسح کردن.
 - ۱۲- با ترتیب وضو گرفتن.
 - ۱۳- پیایی وضو گرفتن به گونه‌ای که پیش از خشکیدن یک عضو، عضو دیگر شسته شود.
- پرسش ۱۰۴: در وضو چند چیز مستحب است؟
- پاسخ: در وضو پنج چیز مستحب است.
- ۱- تیامن (از جانب راست آغاز کردن) البته بعضی از علما این مورد را جزو سنتهای وضو شمرده‌اند و قول راجح هم همین است.
 - ۲- مسح گردن.

- ۳- بدون ضرورت در امر وضو از دیگران کمک نگرفتن.
- ۴- رو به قبله نشستن و وضو گرفتن.
- ۵- بر مکان بلند و پاک نشستن.
- پرسش ۱۰۵: در وضو چند چیز مکروه و ناکردنی است؟
پاسخ: در وضو چهار چیز مکروه است:
- ۱- در محل ناپاک نشستن و وضو گرفتن.
- ۲- تمیز کردن بینی با دست راست.
- ۳- به هنگام وضو از امور دنیوی صحبت کردن.
- ۴- خلاف روش پیامبر اکرم وضو گرفتن.
- پرسش ۱۰۶: وضو از چه چیزهایی باطل می شود؟
پاسخ: وضو از هشت چیز باطل می شود که به آنها «نَوَاقِض وضو» (یعنی باطل کننده وضو) می گویند.
- ۱- خروج باد از مقعد.
- ۲- بیرون آمدن و جاری شدن خون و چرک از بدن.
- ۳- استفراغ به اندازه پر شدن دهان.
- ۴- خواب به صورت دراز کشیده و یا تکیه زده به چیزی.
- ۵- بیهوشی به هر طریقی که باشد.
- ۶- دیوانگی.
- ۷- با صدای بلند در نماز خندیدن.
- ۸- مباشرت فاحشه.

بیان غسل:

پرسش ۱۰۷: روش پاک کردن بدن از حیض، نفاس و احتلام چگونه است؟

پاسخ: بدن آدمی از موارد یاد شده، فقط با غسل پاک می شود.

پرسش ۱۰۸: غسل یعنی چه؟

پاسخ: یعنی تمام بدن را از سر تا پا شستن.

پرسش ۱۰۹: روش غسل کردن چگونه است؟

پاسخ: روش غسل بدین شرح است که: نخست هر دو دست را تا مچ دست بشوید و سپس استنجاء کرده و بدن را از نجاسات پاک کنید. آنگاه وضوی کامل گرفته بر تمام بدن آب بریزید و آن را بمالید. در غسل مضمضه و استنشاق هم فرض است.

پرسش ۱۱۰: در غسل چند چیز فرض است؟

پاسخ: در غسل سه چیز فرض است-۱: مضمضه-۲: استنشاق-۳: یک بار تمام بدن را شستن.

پرسش ۱۱۱: در غسل چند چیز سنت است؟

پاسخ: در غسل پنج چیز سنت است:

- ۱- شستن هر دو دست تا مچ دست.
- ۲- استنجاء و شستن آن قسمت از بدن که نجاست به آنجا رسیده است.
- ۳- نیت پاکی و رفع نجاست کردن.
- ۴- نخست وضو گرفتن همانگونه که برای نماز وضو گرفته می شود.
- ۵- سه بار بر تمام بدن آب ریختن.

بیان مسح بر موزه‌ها:

پرسش ۱۱۲: بر کدام نوع از موزه‌ها مسح کردن جایز است؟

پاسخ: مسح بر سه نوع موزه جایز است:

- ۱- موزه‌ای که از چرم باشد و تا شتالنگ (قوزک) پاها در آن پنهان شوند.
- ۲- جورابی که قسمت زیرین آن از چرم باشد.
- ۳- جورابی که بسیار ضخیم و سفت باشد که بتوان با آن پای پیاده در حدود دو سه کیلومتری راه رفت.

پرسش ۱۱۳: در چه صورتی مسح بر موزه‌ها جایز است؟

پاسخ: هنگامی که موزه‌ها پس از وضوی کامل پوشیده شوند، آنگاه اگر بی وضو شد، از همان لحظه که وضو می‌گیرد، بر موزه‌ها مسح کند.

پرسش ۱۱۴: تا چند روز پیاپی می‌توان بر موزه‌ها مسح کرد؟

پاسخ: برای شخص مقیم تا یک شبانه روز، و برای مسافر تا سه شبانه روز، مسح جایز است.

پرسش ۱۱۵: روش مسح بر موزه‌ها چگونه است؟

پاسخ: قسمت پشت پا بدین صورت مسح شود که با انگشتان دست از سر انگشتان پا به سوی قسمت بالای پا، مسح کند.

پرسش ۱۱۶: آیا در وضو و غسل در هر دو حال مسح بر موزه‌ها جایز است؟

پاسخ: خیر! فقط در حال وضو مسح جایز است و در صورت غسل، مسح جایز نیست.

پرسش ۱۱۷: مسح بر موزه‌هایی که پاره هستند جایز است یا خیر؟

پاسخ: اگر موزه آنقدر پاره شده باشد که در وقت راه رفتن، سه انگشت پا ظاهر می‌شود، مسح جایز نیست و اگر کمتر از آن باشد جایز است.

حکم مسح بر جبیره (باند زخم):

پرسش ۱۱۸: «جَبِرَة» به چه چیزی گفته می شود؟

پاسخ: جبیره در واقع آن چوبی است که بعد از شکسته شدن استخوان برای بهبودی روی زخم بسته می شود. ولی هدف از جبیره عام است، به چوب یا باند یا چسب یا گچ و غیره که روی زخم بسته می شود، «جبیره» هم گفته می شود.

پرسش ۱۱۹: مسح بر باند یا گچ و غیره جایز است یا خیر؟

پاسخ: آری! جایز است در صورتی که باز کردن آن برای زخم ضرر داشته باشد و اگر به راحتی باز شود و شستن زخم ضرری نداشته باشد، شستن آن لازم است.

پرسش ۱۲۰: آیا فقط بالای زخم و برابر آن مسح شود یا مسح کل جبیره الزامی است؟

پاسخ: باید تمام جبیره مسح شود، زخم خواه در زیر قسمتی از جبیره باشد یا تمام آن.

بیان حکم نجاسات حقیقی:

پرسش ۱۲۱: نجاست حقیقی بر چند قسم است؟

پاسخ: بر دو قسم است:

۱- نجاست غلیظه (سنگین)

۲- نجاست خفیفه (سبک)

پرسش ۱۲۲: تعریف نجاست غلیظه و خفیفه چیست؟

پاسخ: آن پلیدی و نجاستی که سخت و سفت باشد و پلیدی اش غلیظ باشد، آن را «غلیظه» می گویند. و آن را که چنین نباشد، «خفیفه» می گویند.

پرسش ۱۲۳: نجاست غلیظه بر چند نوع است؟

پاسخ: نجاست غلیظه عبارت است از: بول و غایط انسانها، ادرار و مدفوع جانوران حرام گوشت، خون جاری آدمیان و جانوران، مشروب، مدفوع مرغ آبی و مرغ خانگی.

پرسش ۱۲۴: نجاست خفیفه بر چند نوع است؟

پاسخ: بول جانوران حلال گوشت و مدفوع پرندگان حرام گوشت.

پرسش ۱۲۵: چه مقدار از نجاست غلیظه، اگر روی پارچه و یا بدن باشد، معاف است و چه مقدار آن، مانع از نماز است؟

پاسخ: غلیظه به اندازه کف دست معاف است، و اگر جرم دار نباشد، مانند: ادرار، مشروب و غیره به اندازه سکه یک درهمی معاف است، و اگر بیش از آن باشد مانع از نماز خواهد بود.

پرسش ۱۲۶: چه مقدار از نجاست خفیفه معاف است؟

پاسخ: اگر کمتر از مقدار یک چهارم از هر قسمت پیراهن باشد، معاف است.

پرسش ۱۲۷: پارچه یا بدن را چگونه از نجاست غلیظه باید پاک و تمیز کرد؟

پاسخ: باید سه بار با آب شسته شود و پارچه در ضمن شستن، هر بار باید فشرده شود آنگاه پاک و تمیز می شود.

پرسش ۱۲۸: علاوه بر آب، با چیز دیگری هم شیئی نجس و پلید، پاک می شود یا خیر؟

پاسخ: آری، علاوه بر آب با مایعاتی که روان و رقیق باشند دور کردن نجاست، صحیح است. مانند: چای، نوشابه، آب گلاب، انواع آب میوه و غیره.

بیان استنجا:

پرسش ۱۲۹: استنجا چیست؟

پاسخ: پس از اینکه آدمی برای قضای حاجت (توالت) برود، آن مقدار از پلیدی را که بر بدن باقی می ماند، با آب و یا سنگ، کلوخ و غیره پاک و تمیز کند، چنین پاکیزگی را در اصطلاح شرع «استنجا» می گویند.

پرسش ۱۳۰: روش استنجا، پس از ادرار کردن چگونه است؟

پاسخ: پس از ادرار کردن با کلوخ یا خاک (اگر موجود باشد) استنجا گرفته و سپس با آب بشوید.

پرسش ۱۳۱: روش استنجا پس از غایط و رفتن به توالت چگونه است؟

پاسخ: پس از رفتن به توالت و قضای حاجت، مقعد را باید با سه سنگ یا کلوخ (در صورتی که موجود باشد و یا با دستمال کاغذی) تمیز کرد، آنگاه با آب آن را شست.

پرسش ۱۳۲: حکم شرعی استنجا چیست؟

پاسخ: در صورتی که بول و غایط از محل بیرون آمدن خویش به اطراف تجاوز نکرده باشد، استنجا مستحب است. و اگر نجاست به اطراف تجاوز کرده باشد و به اندازه مساحت (یک درهم) یا کمتر از آن باشد، استنجا سنت است. و اگر از مساحت (یک درهم) اضافه شود، آنگاه استنجا فرض است^(۱).

۱- مساحت یک درهم مساوی با شش سانتیمتر مربع - مترجم

پرسش ۱۳۳: استنجاء با چه چیزهایی جایز است؟

پاسخ: با سنگ، کلوخ، (دستمال کاغذی) و غیره.

پرسش ۱۳۴: استنجاء با چه چیزهایی مکروه است؟

پاسخ: با استخوان، مدفوع حیوانات، چیزهای خوردنی، زغال، شیشه، کاغذ معمولی، انواع سبزیجات.

پرسش ۱۳۵: استنجاء با کدام دست باید انجام گیرد؟

پاسخ: استنجاء با دست چپ باید انجام گیرد با دست راست مکروه و نادرست است.

بیان حکم آبها:

پرسش ۱۳۶: با چه آبی وضو گرفتن جایز است؟

پاسخ: با آبهای زیر وضو و طهارت جایز است:

۱- آب باران.

۲- آب چشمه ها و رودخانه ها.

۳- آب چاهها.

۴- آب دریا.

۵- آب برف، ژاله و یخ.

۶- آب حوضها و برکه های بزرگ.

پرسش ۱۳۷: با چه آبی وضو گرفتن جایز نیست؟

پاسخ:

۱- با انواع آب میوه ها.

۲- آب گوشت.

- ۳- آبی که از درخت و یا برگ آن گرفته شده باشد.
- ۴- آبی که در آن چیز پاکی مخلوط شده و مزه و بوی آن تغییر کرده است.
- ۵- آبی که چیز نجس و ناپاکی در آن افتاده است.
- ۶- آبی که حیوان و یا انسانی در آن افتاده و مرده است.
- ۷- آبی که یک بار با آن وضو و یا غسل شده است.
- ۸- آبی که اثر نجاست در آن ظاهر و نمایان است.
- ۹- آبی که پس خورده حیوان نجس باشد.
- ۱۰- آب گلاب یا عرق سایر گلها و گیاهان.
- پرسش ۱۳۸: آبی که با آن وضو و یا غسل شده است، حکم آن چیست و آن را چه می گویند؟
- پاسخ: چنین آبی را «آبِ مُسْتَعْمَل» گویند و حکمش این است که پاک هست ولی پاک کننده نیست، یعنی قدرت و توانایی پاک کردن را ندارد و وضو و غسل با آن، جایز نیست ولی خودش پاک است.
- پرسش ۱۳۹: آب پس خورده چه جانورانی پاک نیست؟
- پاسخ: آبی که پس خورده سگ، خوک، گرگ، روباه و سایر درندگان باشد، نجس است. نیز گربه ای که موش را خورد و بلافاصله از آب نوشید، آن آب نیز نجس است.
- پرسش ۱۴۰: پس خورده چه جانورانی مکروه است؟
- پاسخ: پس خورده گربه، موش، مرغهای خانگی و لگردد و نجاست خور، گاو یا حیوان حلال گوشتی که به خوردن نجاست عادت کرده است و پس خورده تمام جانوران حرام گوشت مکروه است.

پرسش ۱۴۱: پس خورده کدام جانوران پاک است؟

پاسخ: پس خورده آدمیان و جانوران حلال گوشت مانند: گاو، گوسفند و غیره.

پرسش ۱۴۲: چه آبی با افتادن نجاست در آن، پلید نمی شود؟

پاسخ: آب نهرها و جویها و آبی که روان باشد، یا آب راکد و ایستاده‌ای که بسیار باشد، با افتادن نجاست در آن، نجس نمی شود، سایر آبها نجس می شوند.

پرسش ۱۴۳: چگونه می توان معلوم کرد که چه آبی بسیار و چه آبی اندک است؟

پاسخ: آبی که محل جمع شدن آن به مساحت (۲۱) متر مربع باشد، بسیار و کمتر از آن، اندک است. و حوضی که به این اندازه باشد آن را، حوض بزرگ و کمتر از آن را، حوض کوچک می گویند.

پرسش ۱۴۴: اگر در آب اندک، حیوان کوچکی مانند موش، گربه، مرغ و غیره افتاد و مرد

آیا آن آب نجس است؟

پاسخ: آری! چنین آبی نجس است.

پرسش ۱۴۵: آب حوضها و برکه‌های بزرگ در چه وقتی نجس می شود؟

پاسخ: هنگامی که پس از افتادن پلیدی در آن، مزه و یا رنگ و بوی آن تغییر کند.

پرسش ۱۴۶: از مردن چه جانورانی در آب، آب نجس نمی شود؟

پاسخ: از جانوران آبی. یعنی آنهایی که در آب زندگی می کنند مانند ماهی، قورباغه آبی و یا جانورانی که خون روان ندارند مانند مگس، پشه و غیره.

حکم آب چاه‌ها:

پرسش ۱۴۷: آب چاه‌ها با چه نجاستی پلید می‌شود؟

پاسخ: اگر نجاست غلیظه یا خفیفه‌ای در چاه افتاد و یا جانوری که خون روان دارد، افتاد و مرد. آب چاه نجس می‌شود.

پرسش ۱۴۸: اگر در چاه حیوانی افتاد و زنده زنده از چاه بیرون کشیده شد، آیا آب چاه نجس شده یا پاک است؟

پاسخ: اگر حیوانی باشد که پس خورده آن نجس است یا بر بدنش پلیدی وجود داشته باشد، آب آن چاه، ناپاک است و اگر جانوری بود که پس خورده آن نجس نبود و یا بر بدنش نجاستی چسبیده نبود در آن صورت آب چاه، پاک است. مشروط بر اینکه در چاه ادرار و مدفوع نکرده باشد، و اگر ادرار و مدفوع کرده است آب نجس است.

پرسش ۱۴۹: روش پاک کردن چاهی که پلید شده است چگونه است؟

پاسخ: برای پاک کردن چاه پنج روش وجود دارد:

- ۱- هنگامی که در چاه نجاستی افتاد با کشیدن تمام آب آن، پاک می‌شود.
- ۲- اگر در چاه، انسان یا گاو یا سگ و یا دیگر جانور بزرگی افتاد و مرد، کشیدن تمام آب چاه الزامی است.
- ۳- اگر جانوری کوچک و یا بزرگی در چاه افتاد و مرد و پوسید و یا تکه تکه شد باز هم، کشیدن تمام آب چاه، الزامی است.

۴- اگر حیوان کوچکی مانند گربه، کبوتر، مرغ، یا به اندازه آن در چاه افتاد و مرد، ولی ورم نکرد و متلاشی نشد، چهل دلو آب از چاه کشیده شود. آنگاه پاک می شود.

۵- اگر موش و یا گنجشک و یا جانوری به اندازه آن در چاه افتاد و مرد، بیست دلو آب کشیده شود. البته بجای بیست دلو. سی دلو و بجای چهل دلو، شصت دلو کشیدن مستحب است.

پرسش ۱۵۰: اگر جاندار مرده‌ای در چاه افتاد، حکم آن چیست؟

پاسخ: حکمش مانند حکم جاندار زنده است که بیفتد و بمیرد. یعنی اگر گوسفند مرده افتاد، تمام آب چاه باید کشیده شود. و اگر گربه مرده‌ای سقوط کرد، چهل یا شصت دلو و اگر موش مرده‌ای افتاد بیست تا سی دلو کشیده شود.

پرسش ۱۵۱: اگر جانور مرده‌ای در حالی که ورم کرده یا قطعه قطعه شده بود، در چاه افتاد، حکم آن چیست؟

پاسخ: کشیدن تمام آب چاه الزامی است.

پرسش ۱۵۲: اگر حیوانی در چاه افتاد و مرد و معلوم نیست کی افتاده است، حکم آن چیست؟

پاسخ: از وقتی که در چاه دیده شده است از آن لحظه به بعد، آب چاه ناپاک شمرده می شود و اگر با آن آب طهارت شده یا چیزی شسته شده باید برگردانده شود.

پرسش ۱۵۳: آب چاه با چه نوع دلو باید کشیده شود؟

پاسخ: هر دلو که در هر چاهی قرار دارد، همان دلو معتبر است.

پرسش ۱۵۴: آیا کشیدن آب در یک وقت الزامی است؟

پاسخ: خیر! اگر بیست دلو صبح کشیده شود، بیست دلو ظهر و یا وقت غروب هم کشیده شود جایز است.

پرسش ۱۵۵: دلو و ریسمانی که با آن آب چاه کشیده شده است پاک است یا نجس؟
پاسخ: اگر مقدار آبی که کشیدن آن لازم بوده، کشیده شده است، آنگاه چاه، دلو و ریسمان همگی پاک شده‌اند.

(يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُلُوبًا أَنفُسُهُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا) (تحریم / ۶).

«ای آنانیکه ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌تان را از آتش جهنم
برهانید!»

بخش سوم

قسمت اول: عقاید اسلامی

عقاید اسلامی:

۱ - توحید

پرسش ۱۵۶: «توحید» یعنی چه؟

پاسخ: اعتراف کردن به زبان به یگانگی خداوند و باور داشتن با قلب به یکتایی او.

پرسش ۱۵۷: ما چگونه بدانیم که «الله» یگانه و موجود است؟

پاسخ:

۱- کسانی که عقل کامل و فطرت سالمی داشته باشند، باور و یقین می کنند که «الله» یکتا و موجود است. چنانکه همه دانشمندان واقعی جهان به یگانگی و توحید او باور داشته اند.

۲- تمام پیامبرانی که خداوند برای هدایت و راهنمایی بشر فرستاده است، به یگانگی او دعوت داده و اعلام داشته اند که: «الله» یکی است و شریک و همتایی ندارد.

پرسش ۱۵۸: آیا قرآن مجید به توحید و یگانگی «الله» دعوت داده است؟

پاسخ: آری! در قرآن بطور کامل و واضح از توحید بحث شده است. و با دلایلی قاطع و روشن، یگانگی خداوند اثبات گردیده است. قرآن در جهان، یگانه کتابی است که توحید خالص را به ما آموخته و می آموزد. گرچه در کتابهای آسمانی پیشین از توحید هم صحبت شده است ولی پیروان مذاهب پیشین در آنها تحریف و دستبرد کرده اند و سخنان حق را تغییر داده اند، توحید را با مسائل خرافی و عقیده های باطل در هم آمیخته اند. خداوند برای راهنمایی بشریت، بنده خاص خود، حضرت محمد ﷺ را برگزید و به عنوان پیامبر مبعوث فرمود و کتاب خاص خود، «قرآن» را بر وی نازل کرد و به او دستور داد تا توحید واقعی و خالص را به گوش همه جهانیان برساند و آنان را به سوی «رَبِّ واحد» فرا خواند.

پرسش ۱۵۹: توحید از کدام آیه‌های قرآن ثابت می‌شود؟

پاسخ: قرآن مجید از آغاز تا پایان مملو و پر از تعالیم توحید است. آیاتی چند بطور نمونه در این موضوع به قرار ذیل ملاحظه شود:

(وَاللَّهُ كُفُّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ) (بقره / ۱۶۳).

ترجمه: «و معبود شما خدای یکتا و یگانه است. به جز او دیگر معبودی نیست. او بسیار بخشاینده و مهربان است».

(شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (آل عمران / ۱۸).

ترجمه: «خداوند به این گواهی داده است که بجز وی دیگر معبودی نیست و فرشتگان و دانشمندان هم بر این گواهی دهنده‌اند. بر پای دارنده عدالت تنها اوست و بجز وی دیگر معبودی وجود ندارد و او غالب و با حکمت است».

(قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ) (اخلاص).

ترجمه: «بگو (ای پیامبر) که «الله» یگانه است «الله» بی نیاز است، کسی را نزاییده است و از کسی زاییده نشده است و نه کسی همتای اوست».

پرسش ۱۶۰: نام ذاتی خداوند چیست؟

پاسخ: نام ذاتی وی «الله» است، که آن را اسم ذات و اسم ذاتی هم، می‌گویند.

پرسش ۱۶۱: علاوه بر لفظ «الله» نامهای دیگر خداوند را مانند رزاق، خالق، مالک و غیره چه می گویند؟

پاسخ: نامهای یاد شده را اسمای صفاتی می گویند.

پرسش ۱۶۲: نامهای صفاتی چه معنی و مفهومی دارند؟

پاسخ: خداوند نامهای بسیار دارد، از قبیل: قدیم (همیشه بودن)، عالم (آگاه به هر چیز)، قادر (توانا به هر چیز)، حی (همیشه زنده) و... که هر نامی از این صفتها، نوعی وصف و حال را ظاهر می کند و بیان می دارد، بدین جهت به آنها «نام صفاتی» می گویند. به طور مثال اگر نام کسی «خالد» گذاشته شود، این نامی است که فقط برای شناخت آن شخص بر وی گذاشته شده و هیچ حالتی از او را بیان نمی کند. البته اگر آن شخص، علم بیاموزد و قرآن را حفظ کند با کفار، با جرأت و شهامت، بجنگد، از این لحاظ وی را «عالم»، «حافظ»، «شجاع» هم می نامند که این نوع نامها را، نامهای صفاتی می گویند، و نام نخستین او، یعنی «خالد» را نام ذاتی می گویند. بدین گونه است، لفظ «الله» که نام ذاتی خداوند است و «خَالِق»، «قَادِر»، «عَالِم»، «سَمِیع»، «بَصِیر» و غیره، نامهای صفاتی او هستند.

پرسش ۱۶۳: حال که نام ذاتی خداوند، فقط یک لفظ «الله» است، نامهای صفاتی او چند تا هستند؟

پاسخ: خداوند در قرآن مجید فرموده است: (وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا) (اعراف/ ۱۸۰).

ترجمه: «نامهای خوب و زیبا مخصوص خداوند هستند پس با همان نامها او را بخوانید. و در حدیثی، پیامبر اکرم «فرموده است:

«لِلَّهِ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ اسْمًا مِائَةٌ إِلَّا وَاحِدًا» (بخاری).

یعنی خداوند دارای نود و نه نام می باشد.

۲- فرشتگان

پرسش ۱۶۴: آیا همه فرشتگان دارای یک مقام هستند یا مقامشان متفاوت است؟
پاسخ: چهار فرشته مقرب که نامشان در «تعلیم الاسلام» قسمت دوم ذکر شد، از سایر فرشته‌ها مقام شان والاتر است. سایر فرشته‌ها مقام و درجات شان متفاوت است، بعضی بسیار مقرب بارگاه خداوند هستند و بعضی کمتر!

پرسش ۱۶۵: فرشتگان چه کاری انجام می‌دهند؟
پاسخ: فرشتگان بی‌شماری در آسمانها و زمین مشغول انجام کارها و وظایف خاصی هستند. خداوند نظم و انضباط همه جهان را به فرشتگان سپرده است. و آنان موافق دستور و امر خداوند، به کارها و برنامه‌هایی که به آنان سپرده شده است، کاملاً مشغول و فرمانبردار هستند.

پرسش ۱۶۶: بخشی از کارها و وظایف فرشتگان را شرح دهید؟
پاسخ: حضرت جبرئیل علیه السلام، دستورات خداوند و کتابهای آسمانی را نزد پیامبران می‌آورد.

گاهی برای کمک و مدد پیامبران در جنگیدن با دشمنان خدا، فرستاده میشود. گاهی خداوند توسط وی انسانهای متمرّد و مغرور را تنبیه می‌کند و عذاب می‌دهد.
حضرت میکائیل علیه السلام، مسؤول روزی رساندن به مخلوق خدا، و مأمور نظم و انتظام باران و غیره می‌باشد. فرشتگان بسیاری تحت امر وی قرار دارند. که بعضی را مأمور دریاها، رودخانه‌ها و دیگر آبهای موجود در طبیعت، مقرر کرده است. و همگی این برنامه‌ها را موافق دستور خداوند متعال با نظم خاصی انجام می‌دهند و به پیش می‌برند.
حضرت عزرائیل علیه السلام مأمور گرفتن جان و روان مخلوقات است و در زیر فرمان وی، فرشتگان بسیاری قرار دارند، که بر وظایف خویش عمل کرده و آماده دستور هستند.

فرشتگانی که جان بندگان صالح و نیک عمل را می گیرند، با فرشتگان که مأمور گرفتن جان بندگان نا صالح و بد عمل هستند، فرق و تفاوت دارند. علاوه بر اینها، پاره‌ای از وظایف دیگر فرشتگان به شرح زیر می باشد:

۱- با هر انسانی دو فرشته به عنوان مأمور مقرر اند: که یکی اعمال نیک و خوب آدمی را ثبت کرده و می نویسد. و دیگری اعمال بد او را یاد داشت می کند. و آن دو فرشته را «کِرامِ الکاتبین» (نویسندگان گرامی و نیکو) می نامند.

۲- بعضی از فرشتگان مأمور حفاظت و پاسبانی انسان از آفات و بلاها هستند. از کودکان، سالخورده‌گان، ناتوانان و کسانی که خداوند دستور حفاظت آنان را داده است، نگهبانی و حفاظت می کنند.

۳- بعضی از فرشتگان مأمور باز پرسى آدمی پس از مرگ وی در قبر هستند و در قبر هر آدمی، دو فرشته برای باز پرسى حاضر می شوند، که آنان را «مُنْکَر و نَکیر» می نامند.

۴- بعضی از فرشتگان مسؤول سیر و سیاحت در زمین هستند. تا ببینند چه کسانی مشغول یاد خدا، و وعظ و نصیحت، تلاوت قرآن، خواندن و فرستادن صلوٰه و سلام بر پیامبر هستند، و در کجا تعلیم و تعلم مسایل دینی، برقرار است تا در آن جلسات شرکت کنند و برای شرکت کنندگان، به پیشگاه خداوند، گواهی دهند.

فرشتگانی که در دنیا مشغول انجام وظیفه هستند، شیفت کاری شان در صبح و شام عوض می شود.

فرشتگان شبانه که در شب انجام وظیفه کرده اند، در وقت نماز صبح به سوی آسمانها می روند و به جای آنها فرشتگان دیگری برای انجام کارهای روزانه به زمین می آیند. فرشتگان روزانه بعد از نماز عصر مرخص می شوند و به جای آنها فرشتگان شبانه فرستاده می شوند!

- ۵- بعضی از فرشتگان دربان بهشت و مأمور انجام کارهای آنجا هستند.
- ۶- بعضی از فرشتگان نگهبان دوزخ و مأمور انجام کارهای مربوط به آن می‌باشند.
- ۷- بعضی از فرشتگان همواره مشغول تسبیح و عبادت خداوند متعال‌اند.
- پرسش ۱۶۷: این تقسیم و برنامه کاری فرشتگان از کجا معلوم شده است؟
- پاسخ: همه اینها از قرآن مجید ثابت شده‌اند.
- ۳- کتابهای آسمانی
- پرسش ۱۶۸: از کجا معلوم شده است که تورات، انجیل و زبور، کتابهای آسمانی هستند و از جانب خداوند فرستاده شده‌اند؟
- پاسخ: آسمانی بودن این کتابها از قرآن کریم ثابت است:
- در مورد تورات فرموده است: **(إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ)** (مائده / ۴۴). «همانا ما تورات را فرود آوردیم که در آن هدایت و نور قرار دارد». (رکوع ۷).
- در مورد زبور فرموده است: **(وَأَتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا)** (نساء / ۱۶۳). «و ما زبور را به داود داده بودیم». (رکوع ۲۳).
- در مورد انجیل می‌فرماید: **(وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ)** (حدید / ۲۷). «ما عیسی فرزند مریم را فرستادیم و به وی انجیل را دادیم».
- پس از طریق قرآن عظیم الشان به مسلمانان اطلاع داده شده که این سه کتاب، کتابهای آسمانی بوده‌اند و هر کدام بر پیامبری نازل شده است.
- پرسش ۱۶۹: اگر کسی نپذیرد که تورات، انجیل و زبور کتابهای آسمانی هستند و از سوی خداوند فرستاده شده‌اند حکمش چیست؟

پاسخ: چنین فردی کافر است. زیرا آسمانی بودن این کتابها از قرآن مجید ثابت شده است و هر کس اینها را قبول نکند، در واقع، قرآن را قبول ندارد و کسی که گفتارهای قرآن را نپذیرد، کافر است.

پرسش ۱۷۰: آیا تورات، انجیل و زبور که در حال حاضر در دست یهودیها و مسیحیان هستند، همان تورات، انجیل و زبور اصلی و واقعی اند؟

پاسخ: خیر، زیرا از قرآن مجید ثابت می شود که پیروان این کتابها، در طول تاریخ، در آنها دستبرد داشته اند و بسیاری از احکام و مسائل را بر حسب میل و هوای نفسانی خویش اضافه و یا کم کرده اند. لذا تورات، انجیل و زبور که در حال حاضر در دست یهود و نصارا هستند، تحریف شده اند و نسبت به آنان باید چنین معتقد بود: که آنها به صورتهای اصلی خویش باقی نمانده اند.

پرسش ۱۷۱: چگونه معلوم شده است که بر بعضی از پیامبران صحیفه هایی (جزوه های مختصر) نازل شده است؟

پاسخ: از قرآن مجید چنین ثابت شده است که بر بعضی از پیامبران، صحیفه هایی نازل شده است. بیان صحیفه های حضرت ابراهیم علیه السلام در سوره «سَبَّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» موجود است.

پرسش ۱۷۲: قرآن مجید کتاب الهی است یا کلام و سخن وی؟

پاسخ: قرآن مجید هم کتاب خداوند است و هم کلام وی. چنانکه در قرآن هم به عنوان کتاب و هم به عنوان کلام از آن یاد شده است.

پرسش ۱۷۳: از میان تورات، انجیل، زبور، قرآن و سایر کتابهای آسمانی کدام یک از مقام والاتری برخوردار است؟

پاسخ: مقام و عظمت قرآن مجید از همه کتابهای آسمانی بالاتر است.

پرسش ۱۷۴: دلیل افضلیت و برتری قرآن مجید بر سایر کتابهای آسمانی چیست؟
پاسخ: فضیلتها و برتریهای متعددی وجود دارد که باعث برتری مقام قرآن بر سایر کتب آسمانی است از آن جمله:

۱- هر لفظ و هر حرف قرآن مجید تضمین شده است و هیچ کس نمی تواند در آن هیچ گونه کم و کاستی به وجود آورد و تا روز قیامت از طرف خداوند این تضمین و تعهد وجود دارد. برخلاف کتب پیشین که از تحریف محفوظ نبوده و مردم در آنها دستبرد و تغییر به وجود آورده اند.

۲- عبارت قرآن در فصاحت و بلاغت و سلاست در حدی است که احدی نمی تواند مانند یک سوره کوچک قرآن، از طرف خویش کلامی بیاورد.

۳- قرآن مجید حامل احکام و دستورهای آخرین دین و شریعت الهی است و بدین لحاظ است که بسیاری از دستورهای قرآن، احکام کتب پیشین را منسوخ کرده است.

۴- کتابهای پیشین در یک مرحله بر پیامبران نازل می شد، برخلاف قرآن که در ظرف بیست و سه سال بر حسب نیاز و ضرورت های مردم، به تدریج نازل شده است و به لحاظ نزول تدریجی و رفع نیازهای زمانی، به طور فوق العاده در قلوب مردم جای گرفت. و هزاران افراد دستورهای آن را پذیرفته و مسلمان شدند.

۵- قرآن مجید در سینه مسلمان ثبت و محفوظ شده است و از زمان پیامبر اکرم ﷺ تا عصر حاضر، از قلوب و سینه های بدون کم و کاست به قلوب و سینه های دیگر انتقال یافته و از همین لحاظ هیچگاه برای دشمنان اسلام و قرآن، فرصتی دست پیدا نشد تا در آن، کمی و بیشی کنند یا اینکه آن را از صفحه روزگار دور سازند. و تا قیامت هم به چنین امری توفیق پیدا نخواهند کرد.

۶- دستورها و دستاوردهای قرآن از چنان کمال و اعتدالی برخوردار است که برای مردم هر زمان قابل عمل و اجرا است. و در هر زمان می تواند، نیازمندیهای مختلف بشر را جبران نموده، به عنوان پیشرفته ترین و کامل ترین قانون اساسی جهان، فرا راه انسانها قرار گیرد. کمال احکام قرآنی در حدی است که در جهان، هیچ ملتی یافت نمی شود که از عمل بر دستورهای آن، احساس خستگی و یا اظهار ضعف و ناتوانی کند. زیرا قوانین قرآن به مقتضای حکمت لایزال الهی مناسب با حال هر دوره و وضعیت مردم هر زمان، تدوین و نازل شده است و بدین جهت پس از نزول قرآن کریم، دیگر نیازی به کتاب آسمانی یا آیین جدیدی باقی نمانده و بعثت رسول اکرم ﷺ به وسیله قرآن برای همه جهانیان عمومیت یافت.

۴- رسالت

پرسش ۱۷۵: اسامی مشهورترین پیامبران چیست؟

پاسخ: اسامی تمام پیامبران، معلوم و مشخص نیست ولی نامهای مشهورترین آنان به شرح زیر است:

- ۱- حضرت آدم علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۲- حضرت شیث علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۳- حضرت ادريس علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۴- حضرت نوح علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۵- حضرت ابراهيم علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۶- حضرت اسماعیل علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۷- حضرت اسحق علیه الصلوٰۃ والسلام

- ۸- حضرت یعقوب علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۹- حضرت یوسف علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۱۰- حضرت داوود علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۱۱- حضرت سلیمان علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۱۲- حضرت موسیٰ علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۱۳- حضرت هارون علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۱۴- حضرت یحییٰ علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۱۵- حضرت زکریا علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۱۶- حضرت إلیاس علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۱۷- حضرت یونس علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۱۸- حضرت لوط علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۱۹- حضرت صالح علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۲۰- حضرت هود علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۲۱- حضرت شعیب علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۲۲- حضرت عیسیٰ علیه الصلوٰۃ والسلام
- ۲۳- حضرت خاتم النبیین محمد بن عبدالله ﷺ

پرسش ۱۷۶: پیامبر اکرم ﷺ از کدام خاندان عرب بودند؟

پاسخ: پیامبر ما از خاندان «قریش» بودند. قریش در میان قبایل عرب، مشهورترین و ارجمندترین قبیله بود. مردم قریش سردار و بزرگ سایر قبیله‌های عرب شناخته می‌شدند. یکی از تیره‌های قریش «بنی هاشم» است که از میان سایر تیره‌های قریش از امتیاز و ویژگی

خاصی برخوردار است. پیامبر اکرم ﷺ از همین تیره بوده‌اند و به همین سبب وی را «هاشمی» می‌نامند.

پرسش ۱۷۷: «هاشم» که بوده که فرزندان را «هاشمی» می‌گویند؟

پاسخ: نام جد پدر پیامبر اکرم، «هاشم» بوده و سلسله نسب آن حضرت بدین شرح است:

محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف.

پرسش ۱۷۸: در پدران و نیاکان پدری آن حضرت، علاوه بر حضرت آدم ﷺ دیگر

پیامبری هم هست یا خیر؟

پاسخ: آری! آن حضرت از نسل حضرت اسماعیل هستند و حضرت اسماعیل فرزند

حضرت ابراهیم خلیل الله علیهما السلام است.

پرسش ۱۷۹: پیامبر اکرم ﷺ در چند سالگی به پیامبری مبعوث شدند.

پاسخ: در سن چهل سالگی آن حضرت به نبوت رسیدند و بر وی «وَحی» نازل شد.

پرسش ۱۸۰: «وَحی» چیست؟

پاسخ: «وَحی» این است که خداوند احکام و دستورهای و کلام خویش را بر آن حضرت نازل

فرمود.

پرسش ۱۸۱: پیامبر اکرم بعد از نزول وحی تا چند سال در قید حیات بودند؟

پاسخ: بیست و سه سال، سیزده سال در مکه معظمه و ده سال در مدینه منوره.

پرسش ۱۸۲: چرا آن حضرت به مدینه منوره تشریف بردند؟

پاسخ: هنگامی که آن حضرت مردم مکه را به سوی توحید و یگانگی خداوند فرا خواند و

به آنها اعلام کرد که شرک و بت پرستی را ترک کنند، و بر خدای یکتا و یگانه ایمان

بیاورند، آنگاه مردم با پیامبر به دشمنی و کینه توزی پرداختند. چون آنها بتها را پرستیده و

معبود خویش می‌دانستند. لذا به روشهای مختلف شروع به اذیت و آزار پیامبر کردند.

پیامبر اکرم ﷺ اذیت و آزار آنان را متحمل می‌شد، و توحید را به آنان تعلیم می‌داد و دستورهای خداوند را ابلاغ می‌کرد تا اینکه سران مشرکین مکه دور هم گرد آمده و تصمیم به قتل آن حضرت گرفتند. آن حضرت به دستور خداوند مکه را رها کرده و همراه یار با صفا و صمیمی خویش، حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه، روانه مدینه شدند.

مردم مدینه که از پیش مسلمان شده بودند، شدیداً مشتاق و علاقه‌مند به تشریف فرمایی آن حضرت بودند. هنگامی که پیامبر به مدینه وارد شدند، مسلمانان مدینه از ایشان و یاران شان با جان و دل استقبال کردند و از هر نوع کمک و مددی دریغ نورزیدند.

مسلمانانی که تحت شکنجه و آزار کفار مکه قرار داشتند، هنگامی از تشریف بردن آن حضرت به مدینه آگاه شدند، آنان نیز آهسته، آهسته، مکه را به قصد مدینه منوره ترک گفتند.

رفتن آن حضرت را از مکه به مدینه «هِجْرَت» می‌گویند و به مسلمانانی که خانه و کاشانه خویش را ترک کرده و به مدینه رفتند «مُهَاجِرین» می‌گویند.

و به مسلمانانی که در مدینه با مال و جان خویش از پیامبر و مهاجرین حمایت و میزبانی کردند «انصار» گفته می‌شود.

پرسش ۱۸۳: پیش از آنکه آن حضرت ادعای پیامبری کند، مردم عرب نسبت به ایشان چه عقیده‌ای داشتند؟

پاسخ: مردم مکه پیش از ادعای نبوت، آن حضرت را شخصیتی راستگو، درستکار و امانتدار می‌دانستند و ایشان را «مُحَمَّدِ اَمِين» می‌خواندند. آن حضرت نزد آنان از مقام و موقعیت اجتماعی خاصی برخوردار بود، و همه مردم از وی ستایش و تمجید می‌کردند و برای او ارزش و احترام زیادی قایل بودند.

پرسش ۱۸۴: چه دلیلی وجود دارد که آن حضرت آخرین پیامبر است و پس از مرگ ایشان دیگر پیامبری مبعوث نخواهد شد؟

پاسخ: دلایل متعددی وجود دارد.

نخست اینکه خداوند در قرآن مجید ایشان را «خَاتَمَ النَّبِيِّينَ» فرموده است، و مطلبش این است که آن حضرت آخرین پیامبر است.

دوم اینکه: آن حضرت فرمودند: «أَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ لَا نَبِيَّ بَعْدِي». «من آخرین پیامبر هستم و بعد از من، پیامبر دیگری نخواهد آمد».

سوم اینکه: خداوند در قرآن می‌فرماید: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) (مائده/۳).

ترجمه: «امروز برای شما دین شما را کامل کردم و نعمتهایم را بر شما به اتمام رساندم و دین اسلام را برای شما برگزیدم».

از این آیه ثابت می‌شود که بواسطه آن حضرت، خداوند دین خویش را به پایه تکمیل رساند و اسلام از هر نظر مکمل شد لذا بعد از پیامبر، دیگر نیازی برای پیامبر جدیدی باقی نماند.

پرسش ۱۸۵: چه دلیلی وجود دارد که مقام آن حضرت از تمام پیامبران برتر و بالاتر است؟
پاسخ: برتری آن حضرت از سایر پیامبران از چندین آیه قرآنی ثابت شده است. خود آن حضرت هم فرموده‌اند: «أنا سيد ولد آدم يوم القيامة» «من در روز قیامت سردار فرزندان آدم خواهم بود».

پس آن حضرت ﷺ از تمام پیامبران برتر و سردار آنان می‌باشد.

۵- اصحاب کرام- رضوان الله علیهم اجمعین:

پرسش ۱۸۶: «صحابی» به چه کسی گفته می‌شود؟

پاسخ: «صحابی» به کسی گفته می‌شود که: در حالی که با ایمان بوده پیامبر را ملاقات و در محضر ایشان حضور پیدا کرده است. و با ایمان هم وفات نموده است.

پرسش ۱۸۷: تعداد صحابه چقدر است؟

پاسخ: هزاران نفر در محضر رسول الله ﷺ بودند و برایشان ایمان آورده‌اند و با اسلام هم از این جهان رحلت کردند.

پرسش ۱۸۸: تمام صحابه از نظر مقام و مرتبه با هم برابر اند یا خیر؟

پاسخ: مقام و مرتبه صحابه میان یکدیگر تفاوت دارد ولی تمام اصحاب از بقیه امت اولی و برتر هستند.

پرسش ۱۸۹: چه کسی از میان اصحاب از همه افضل و بهتر است.

پاسخ: از میان تمام صحابه چهار نفر مقام و مرتبه شان از دیگران بالاتر است.

۱- حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه که از تمام امت افضل است.

۲- حضرت عمر فاروق رضی الله عنه که بعد از ابوبکر از تمام امت برتر است.

۳- حضرت عثمان غنی رضی الله عنه که بعد از حضرت ابوبکر و عمر از همه امت افضل است.

۴- حضرت علی مرتضی رضی الله عنه که بعد از سه بزرگوار قبلی از تمام امت برتری و افضلیت دارد. همین چهار یار پیامبر پس از وفات آن حضرت رضی الله عنه به ترتیب، جانشین و خلیفه ایشان مقرر شدند.

پرسش ۱۹۰: مفهوم و مطلب خلیفه شدن چیست؟

پاسخ: پس از وفات آن حضرت کسی که نظم و ترتیب کارهای دین و اسلام را بر عهده داشت و اهداف و خط مشی آن حضرت را دنبال می کرد، به وی خلیفه می گویند: «خَلِیفَه» یعنی قایم مقام و جانشین.

چنانکه پس از وفات پیامبر معظم ﷺ به اتفاق تمام اصحاب و مسلمانان، حضرت ابوبکر صدیق ﷺ به عنوان اولین خلیفه و جانشین آن حضرت انتخاب شد. پس از وی حضرت عمر ﷺ دومین خلیفه، پس از وی حضرت عثمان ﷺ سومین خلیفه، و پس از شهادت وی حضرت علی ﷺ به عنوان چهارمین خلیفه، تعیین و انتخاب شدند. این چهار بزرگوار را «خلفای اربعه»، «خلفای راشدین» و «چهار یار» می نامند.

۶- ولایت و اولیای خدا:

پرسش ۱۹۱: «ولی» به چه کسی می گویند؟

پاسخ: هر مسلمانی که از دستورهای خداوند متعال و رسول اکرم ﷺ پیروی و خدا را بسیار عبادت و بندگی کند و از گناهان دوری جوید و محبت خدا و رسول او را از محبت همه چیزهای دنیا مقدم داشته و ترجیح دهد، چنین فردی مقرب بارگاه الهی و محبوب خداوند خواهد بود و او را در اصطلاح شریعت «ولی» می گویند.

پرسش ۱۹۲: نشانه‌های شناختن «ولی» چه هستند؟

پاسخ: نشانه‌های «ولی» از این است که: وی مسلمانی با تقوا و پرهیزگار باشد. بسیار عبادت کند. محبت خدا و رسول بر او غالب باشد، حریص و آزمند دنیا و چیزهای آن نباشد. همیشه فکر آخرت را مد نظر داشته، برای آن آمادگی کند.

پرسش ۱۹۳: آیا به صحابی «ولی» هم گفته می شود؟

پاسخ: آری! تمام اصحاب، اولیا و دوستان خدا بوده اند. زیرا به برکت حضور در مجلس و محضر آن حضرت، محبت خدا و رسول در قلوب آنها جای گرفته بود. به دنیا اصلاً محبت و توجه نداشتند، خدا را بسیار بندگی و عبادت می کردند، از گناهان دوری می جستند، و از دستورهای خدا و رسول اتباع و پیروی می کردند.

پرسش ۱۹۴: آیا «صحابی» و «ولی» یا ولی به مقام هیچ پیامبری می رسند؟

پاسخ: خیر! «صحابی» و «ولی» هر چند مقام و مرتبه والایی داشته باشند و هر چند مقرب بارگاه خداوند قرار گیرند، باز هم به مقام هیچ پیامبری نخواهند رسید.

پرسش ۱۹۵: آیا «ولی ای» که صحابی نباشد، می تواند بر اثر عبادات و زحمات خویش به مقام «صحابی» برسد؟

پاسخ: خیر! مقام صحابی بودن بسیار ارجمند و گرامی است! چرا که آنها به مجالست و مصاحبت رسول الله ﷺ مشرف شده. لذا احدی نمی تواند بر اثر ولایت خویش آن مقام را کسب کند یا از آن بالاتر رود.

پرسش ۱۹۶: بعضی از مردم کارهای خلاف شرع انجام می دهند، مثلاً نماز نمی خوانند، ریش می تراشند، گناه می کنند باز هم مردم آنان را پیر و ولی می پندارند آیا چنین افرادی را «ولی» دانستن درست است؟

پاسخ: قطعاً غلط است! باید بدانیم هر آن شخصی که کارهای خلاف شرع انجام می دهد و پیرو سنت رسول اکرم ﷺ نیست هرگز نمی تواند ولی خدا باشد.

پرسش ۱۹۷: آیا چنان اولیایی هم هستند که از احکام شریعت مانند نماز، روزه و غیره معاف باشند؟

پاسخ: تا هنگامی که آدمی از هوش و حواس سالم برخوردار باشد و قدرت و توانایی وی هم در حد انجام احکام الهی باشد، هیچ حکمی از احکام شریعت از وی معاف نخواهد شد و ارتکاب جرم و گناه برایش مجاز نخواهد بود.

کسانی که از هوش و حواس سالم برخوردارند و قدرت و توانایی هم دارند، ولی با چنین حالی هم عبادت خدا را به جای نمی آورند، کارهای خلاف شرع انجام می دهند، و ادعا می کنند که این کارها برای ما جایز است. آنها بی دین و لا مذهب بوده و هرگز ولی خدا نخواهند بود بلکه ولی شیطان هستند (۳).

۷- معجزه و کرامت:

پرسش ۱۹۸: «مُعْجَزَه» به چه چیزی گفته می شود؟

پاسخ: گاهی خداوند متعال چنان کارها و چیزهای فوق العاده و خارق العاده ای بر دست پیامبران خویش ظاهر می کند که دیگران از انجام آنها عاجز و ناتوانند، و هدف این است که مردم، این نوع کارها و چیزها را مشاهده کرده، به حقانیت پیامبران پی برند و به آن اعتراف کنند. چنین چیزها و کارها را «معجزه» می گویند.

پرسش ۱۹۹: پیامبران چه معجزه هایی به مردم نشان داده اند؟

پاسخ: پیامبران معجزه های متعددی نشان داده اند، چند معجزه مشهور بشرح زیر می باشد:

۱- عصای حضرت موسی علیه السلام که به شکل مار بزرگی ظاهر شد و مارهای ظاهری جادوگران را بلعید.

۲- «ید بیضای موسی» خداوند در دست حضرت موسی علیه السلام چنان نور و درخشندگی قرار داده بود که روشنایی آن بر نور و روشنایی آفتاب غلبه می کرد.

۳- خشکیدن دریای نیل برای موسی علیه السلام و همراهان وی - هنگامی که فرعون و لشکریان او، موسی و همراهانش را تعقیب کردند، موسی و همراهانش به محض اینکه به دریای نیل رسیدند، دریا خشکید و چندین راه عبور در آن پدید آمد. چون فرعون و لشکریان به قصد عبور از دریا، به وسط دریا رسیدند، به دستور خداوند دریا از هر طرف موج آورد. و با امواج سهمگین خود، فرعون و فرعونیان را در کام نیستی فرو برد و غرق ساخت.

۴ - حضرت عیسی علیه السلام به دستور خداوند متعال مرده‌ها را زنده می‌کرد. کورهای مادرزاد را بینایی می‌بخشید. گنجشک‌هایی از خاک و گل درست می‌کرد و در آنها می‌دمید، آنها پرواز می‌کردند.

۵ - بزرگ‌ترین معجزه پیامبر ما، قرآن کریم است که در حدود چهارده قرن گذشته است، ولی تا به امروز، ادیان و لغت دانان بزرگ زبان عرب، نتوانستند مانند یک سوره کوچک از قرآن، درست کرده و بیاورند. و هر چند بکوشند، تا قیامت هم نخواهند توانست.

۶- دومین معجزه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رفتن به معراج است.

۷- سومین معجزه ایشان شَقُّ الْقَمَر (دو نیم شدن ماه) است.

۸ - چهارمین معجزه آن حضرت صلی الله علیه و آله اطلاع از امور آینده جهان است که بر اثر اطلاع و آگاهی خداوند، بسیاری از امور آینده جهان را، به اُمت اطلاع داد. و همه آنها موافق پیش‌بینی و اطلاع آن حضرت به وقوع پیوستند.

۹- معجزه پنجم آن حضرت این است که غذای دو نفر را هزاران نفر خوردند و سیر شدند. علاوه بر این، چند معجزه دیگر هم هست که در قسمتهای بعدی تعلیم الاسلام بیان خواهد شد. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ**

پرسش ۲۰۰: «مِعْرَاج» چه چیزی را گویند؟

پاسخ: به دستور خداوند متعال حضرت رسول اکرم ﷺ در حالی که پاسی از شب گذشته بود پس از بیداری، از مکه سوار بر «بُراق» شده، به بیت المقدس رفتند، و از آنجا به آسمان هفتم تشریف بردند، و از آنجا تا جایی که خدا می خواست عروج کردند و در همان شب، به ملاقات رب العالمین مشرف شدند، و نیز از مراحل مختلف بهشت و دوزخ بازدید فرموده و سپس به مقام اول خویش باز گشتند. این سفر را «مِعْرَاج» گویند.

پرسش ۲۰۱: مراد از «شَقُّ الْقَمَر» چیست؟

پاسخ: شبی کفار مکه از رسول اکرم ﷺ خواستند که به آنها معجزه‌ای نشان دهد، آن حضرت ﷺ به سوی ماه اشاره کردند، ماه دو نیم شد و تمام حاضران مجلس هر دو قطعه ماه را مشاهده کردند. پس از آن هر دو نیم ماه بهم پیوسته شد و به حالت اول خویش باز گشت. این را «شق القمر» می نامند.

پرسش ۲۰۲: «کَرَامَت» چیست؟

پاسخ: خداوند برای احترام و اعزاز بندگان خاص و نیک خود و بالا بردن مقام و مرتبه آنان گاهی بواسطه آنان کارها و چیزهایی ظاهر می کند که خلاف عادت و بسیار مشکل به نظر می رسند و دیگران نمی توانند چنان بکنند. این نوع کارها را «کرامت» می گویند. ظاهر شدن کرامات به دست اولیاء الله و بندگان صالح و نیک خداوند، ثابت و حق است.

پرسش ۲۰۳: «معجزه» و «کرامت» چه فرقی با هم دارند؟

پاسخ: «معجزه» بر دست پیامبران ظاهر می شود و «کرامت» بر دست مؤمنان با تقوایی که سراسر زندگی شان مطابق با شریعت محمدیه علی صاحبها الصلوٰۃ والتسلیم است. و اگر از دست افراد بی دین و لأبالی و کسانی که هیچگونه تعهد و پای بند به شریعت ندارند، چنین کارهایی ظاهر شود، آنرا «استِدْرَاج» می گویند، و دلیل بر حقانیت چنان افرادی نخواهد بود.

پرسش ۲۰۴: آیا ظاهر شدن کرامت از دست اولیا و دوستان خدا لازم و ضروری است؟
 پاسخ: خیر، لازم نیست که هر کس ولی باشد، صاحب کرامت هم باشد. ممکن است شخصی ولی و دوست خدا باشد ولی در طول عمر وی یک کرامتی هم از او ظاهر نشود.
 پرسش ۲۰۵: از دست بعضی فقرا و دراویش چنان چیزهایی ظاهر می شود که دیگران از آنگونه کارها عاجز هستند نسبت به اینها باید چه بگوییم؟
 پاسخ: کسانی که اعمال، رفتار ظاهر و باطن شان مغایر با کتاب و سنت بوده و به عبارتی طریقت شان بر خلاف شریعت باشد اگر از دستشان چنان اموری سر بزند و ظاهر شود، آن را باید «جادو و استدراج» دانست هرگز کرامت نیست! چنین افرادی را ولی پنداشتن و کارهای خلاف عادت آنان را، کرامت دانستن، تلقین و حيله شیطانی بیش نیست. لذا باید از آنان دوری جست و برای هیچ کاری نزد آنها نباید رفت.

(يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا) (تحریم / ۶).

«ای آنانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌تان را از آتش جهنم برهانید!»

بخش سوم

قسمت دوم: ارکان و اعمال اسلامی

باقیمانده مسایل وضو:

پرسش ۲۰۶: بدون وضو، خواندن نماز چگونه است؟

پاسخ: گناه بسیار بزرگی است. تا حدی که بعضی از علما چنین فردی را که بدون وضو ایستاده و می‌خواهد نماز بخواند، کافر دانسته‌اند.

پرسش ۲۰۷: دلیل شرط بودن وضو برای نماز چیست؟

پاسخ: این آیه قرآنی که می‌فرماید: (يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ

فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى

الكَعْبَيْنِ) (مائده / ۲۰).

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید: هنگامی که قصد خواندن نماز را بکنید، نخست چهره هایتان را بشوید و دست‌هایتان را تا آرنج شسته بر سر مسح کنید و پاها را تا «قوزک پا» بشوید».

پیامبر اکرم ﷺ نیز فرموده‌اند: «مِفْتَاحُ الصَّلَاةِ الطُّهُورُ».

کلید نماز و شرط آن طهارت و پاکی است.

مسایل باقیمانده از فرائض وضو:

پرسش ۲۰۸: تعریف مشخص «شستن» چیست؟

پاسخ: به قدری روی عضو بدن آب ریختن که حداقل یکی دو قطره از آن بچکد این کمترین مقدار شستن است و کمتر از این عمل را «شستن» نمی‌گویند. مثلاً اگر کسی دست خویش را خیس کرد بر چهره مالید، یا آنقدر آب کمی برداشت و روی چهره ریخت که

آب بر چهره باقی ماند و قطره‌هایی از آن چکید در چنین صورتی گفته نمی‌شود که: وی چهره‌اش را شسته است. پس در این حال وضو صحیح نخواهد شد.

پرسش ۲۰۹: عضوهایی که در وضو، شستن آنها فرض است چند بار باید شسته شوند؟ پاسخ: یک بار شستن فرض است، و بیش از این «سه بار» سنت است، و از سه بار بیشتر مکروه است و جایز نیست.

پرسش ۲۱۰: شستن صورت از کجا تا کجا فرض است؟ پاسخ: از بالای پیشانی جایی که موی سر بر می‌آید تا زیر چانه و از این نرمة گوش تا نرمة دیگر شستن، فرض است.

پرسش ۲۱۱: عضوهایی که شستن آنها فرض است، اگر مقدار کمی از آنها خشک بماند، وضو صحیح است یا خیر؟

پاسخ: اگر به اندازه یک موی سر از عضوی خشک بماند وضو صحیح نمی‌شود.

پرسش ۲۱۲: اگر کسی شش انگشت داشت، شستن انگشت ششم الزامی است یا خیر؟ پاسخ: آری، الزامی است.

پرسش ۲۱۳: مسح چه معنی و چه مفهومی دارد؟

پاسخ: دست را با آب خیس کرده و بر عضوی مالیدن، این عمل را «مسح» گویند.

پرسش ۲۱۴: آیا برای مسح سر، آب تازه برداشتن ضروری است یا با همان تری که از شستن دستها باقی مانده است، مسح کردن، کافی است؟

پاسخ: آب تازه برداشتن بهتر است ولی اگر با همان تری قبلی، مسح شد باز هم جایز است. اما اگر با دست، یک عضوی مسح گردید بار دوم متصل با آن، مسح دیگر عضوی جایز نیست.

نیز اگر بر روی دست، تری و رطوبتی وجود نداشت مسح جایز نیست. و اگر دست با دیگر عضو شسته شده یا مسح شده، تر و مرطوب شد در این صورت هم، مسح صحیح نخواهد شد.

پرسش ۲۱۵: اگر کسی در مقابل باران قرار داشت و آب باران روی موه‌های سرش می‌ریخت، در چنین حالی اگر دست خشک خویش را روی سرش مالید و آبها را بر سرش پخش کرد آیا مسح جایز شده یا خیر؟

پاسخ: آری، مسح اداء شده است.

پرسش ۲۱۶: در وضو شستن قسمت داخل چشم هم فرض است. یا خیر؟

پاسخ: شستن قسمت داخلی چشم و بینی و دهان فرض نیست.

پرسش ۲۱۷: اگر کسی پس از وضو سرش را تراشید، یا ناخن‌ها را چید، آیا دوباره باید سرش را مسح کند و ناخن‌ها را بشوید؟

پاسخ: خیر، لازم نیست.

پرسش ۲۱۸: اگر کسی دستش مقداری پایین‌تر از آرنج قطع شده بود، شستن قسمت باقی مانده تا آرنج الزامی است یا خیر؟

پاسخ: آری! تا زمانی که قسمتی از آرنج یا پایین‌تر از آن باقی باشد، شستن آن الزامی است.

مسایل باقی مانده از ستهای وضو:

پرسش ۲۱۹: اگر شخصی قصد و نیت وضو نکرد وضویش صحیح است یا خیر؟

پاسخ: اگر نیت و اراده وضو را نکرد، مانند: اینکه کسی در دریا افتاد یا در زیر باران ایستاد و تمام اعضای وضویش خیس شدند، وضویش صحیح است و با آن وضو، می‌تواند نماز بخواند ولی ثواب و پاداش وضو به وی نمی‌رسد.

پرسش ۲۲۰: برای وضو چگونه نیت کند؟

پاسخ: معنای «نیت» اراده کردن است. هنگامی که می‌خواهد وضو کند، این چنین قصد و اراده داشته باشد که: برای دور کردن ناپاکی و پاک شدن و جایز بودن نماز، وضو می‌کنم. فقط همین اراده و خیال کافی است و نیت وضو قرار می‌گیرد.

پرسش ۲۲۱: گفتن «نیت» با زبان ضروری است یا خیر؟

پاسخ: خیر، گفتن نیت با زبان ضروری نیست ولی اگر گفت اشکالی ندارد.

پرسش ۲۲۲: کسی که با وضو است و می‌خواهد وضوی تازه بگیرد، چگونه نیت کند؟

پاسخ: فقط نیت کند که برای کسب ثواب و فضیلت وضو می‌کنم.

پرسش ۲۲۳: در وضو، تمام بسم الله باید خوانده شود یا نه؟

پاسخ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را کامل خواندن، یا «بِسْمِ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» و «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى دِينِ الْإِسْلَامِ»، یا «بِسْمِ اللَّهِ» و «الْحَمْدُ لِلَّهِ» هر کدام خوانده شود، جایز است.

پرسش ۲۲۴: مسواک زدن چه حکمی دارد و چگونه مسواک زده شود؟

پاسخ: استفاده از مسواک، سنت مؤکده است. و اجر و ثواب فراوان و منافع و خاصیت‌های بی‌شماری دارد. مسواک باید از ریشه یا چوب درخت تلخ و به اندازه یک وجب باشد. پیش از مسواک زدن و بعد از مسواک زدن آن را باید خوب شست. نخست دندانهای سمت راست و سپس دندانهای سمت چپ را سه بار مسواک زد و هر بار از آب جدید استفاده شود.

پرسش ۲۲۵: مضمضه چه حکمی دارد؟

پاسخ: مضمضه در وضو، سنت است ولی در حال روزه نباید غرغره کرد. در وقت مضمضه با دست راست آب در دهان شود.

پرسش ۲۲۶: روش آب در بینی کردن چگونه است؟

پاسخ: با دست چپ، آب برداشته، داخل بینی کند و با تنفس عمیق آب را به سوی بالای بینی بکشد ولی نباید چنان تنفس شدید کند که آب به دماغ وی برسد و ضررهای جانی ایجاد کند.

کسی که در حال روزه است، فقط آب در بینی کند و به سمت بالا نکشد. آب در دهان و بینی کردن، سنت مؤکده است.

پرسش ۲۲۷: خلال کدام قسمت از ریش، سنت است؟

پاسخ: خلال قسمت داخلی ریش سنت است و موهایی که در اطراف چهره قرار دارند شستن آنها فرض است.

پرسش ۲۲۸: انگشتان چگونه خلال شوند؟

پاسخ: انگشتان یک دست را در میان انگشتان دست دیگر داخل کند و حرکت دهد. و انگشتان پاها را با انگشت کوچک دست چپ خلال کند. از انگشتان پای راست شروع کرده به انگشتان پای چپ ختم کند.

پرسش ۲۲۹: تمام سر، چگونه مسح شود؟

پاسخ: هر دو دست را تر کرده، بر قسمت جلو سر که انتهای پیشانی باشد، بگذارد و کف دست را با انگشتان به طرف قسمت پشت سر بکشد و سپس به طرف جلو سر باز گرداند و مواظب باشد که تمام سرش مسح شود.

پرسش ۲۳۰: برای مسح گوشها از آب تازه استفاده شود یا نه؟

پاسخ: خیر، با همان تری که از مسح سر باقی مانده است گوشها را مسح کند و داخل گوشها را با انگشت شهادت مسح کند.

مسایل باقی مانده از مستحبات وضو:

- پرسش ۲۳۱: شستن اعضا در وضو از سمت راست «سنت» است یا «مستحب»؟
 پاسخ: بعضی از فقها آن را «سنت» و بعضی «مستحب» دانسته‌اند.
- پرسش ۲۳۲: گردن چگونه باید مسح شود؟
 پاسخ: با پشت انگشتان هر دو دست، گردن مسح شود، مسح گلو، بدعت است.
- پرسش ۲۳۳: وضو علاوه بر مسایل یاد شده دارای چه آدابی است؟
 پاسخ: برای وضو آداب زیادی وجود دارد، بطور مثال نمونه‌های زیر ملاحظه شود:
- ۱- سر انگشت کوچک دست را خیس کرده داخل سوراخ گوش قرار داده آنرا حرکت دهید.
 - ۲- پیش از فرا رسیدن وقت نماز وضو کرده و آماده شوید.
 - ۳- زمانی که اعضای وضو را می‌شوید با دست آنها را خوب بمالید.
 - ۴- ساعت و انگشت را بیرون کرده و یا حرکت دهید تا آب در زیر آن برسد.
 - ۵- در حین وضو حرفهای دنیوی نگویید.
 - ۶- آب را با تندی به صورت نزنید.
 - ۷- از اسراف در آب، خودداری کنید.
 - ۸- در وقت شستن هر عضو «بسم الله» بگویید.
 - ۹- پس از وضو، درود شریف بخوانید.
 - ۱۰- در پایان وضو، این دعا را همراه با کلمه شهادت، بخوانید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ»^۱.

۱۱- مقداری از آب باقی مانده از وضو را در حالت ایستادن بنوشید.

۱۲- بعد از وضو دو رکعت نماز به عنوان «تَحِيََّةُ الْوُضُوءِ» بخوانید.

مسایل باقی مانده از شکننده‌های وضو:

پرسش ۲۳۴: خون یا چرکی که از بدن خارج شده تا چه حدی جریان پیدا کند، وضو را باطل می‌کند؟

پاسخ: به جایی برسد که در وضو یا غسل، شستن آن محل فرض باشد. یعنی، از موضع خروج خویش به اطراف روان شود، خواه اندک باشد و خواه بسیار، در هر صورت وضو را باطل می‌کند.

پرسش ۲۳۵: اگر از داخل چشم، خون بیرون آمد و در داخل چشم جریان پیدا کرد و خارج نشد آیا وضو باطل می‌شود؟

پاسخ: خیر، وضو باطل نمی‌شود زیرا که شستن داخل چشم نه در وضو فرض است و نه در غسل.

پرسش ۲۳۶: اگر از زخمی خون نمودار گشت و با انگشت یا پارچه‌ای جذب شد، باز نمودار و باز جذب شد و چند بار این عمل تکرار گشت، آیا وضو باطل شده است؟

پاسخ: این نکته را باید در نظر گرفت که: اگر خون با انگشت یا پارچه‌ای جذب نمی‌شد، جریان پیدا می‌کرد یا نه، بلکه در همانجا متوقف می‌شد، اگر به قدری بود که روان می‌شد، وضو باطل می‌شود و اگر آنقدر نبود، باطل نمی‌شود.

۱ - ترجمه: پروردگارا! مرا از توبه‌کنندگان بگردان و جزو کسانی قرار ده که کاملاً طهارت می‌کنند و پاکیزه‌اند.

- پرسش ۲۳۷: استفراغ چه چیزهایی وضو را باطل می کند؟
 پاسخ: اگر کسی خون، چرک، آب، غذا، استفراغ کند و به اندازه پری دهان برسد، آنگاه وضو باطل می شود. از استفراغ بلغم خالص وضو باطل نمی شود.
- پرسش ۲۳۸: اگر کسی چندین بار اندک اندک استفراغ کرد وضویش باطل شده یا خیر؟
 پاسخ: اگر تهوع یکی بود و بر اثر آن استفراغ کرد باز از همان تهوع مقداری دیگر استفراغ کرد به طوری که مجموع آن به اندازه پری دهان نرسید، وضو باطل نشده است.
- پرسش ۲۳۹: اگر بر بدن کسی دانه یا زخمی بود که از آنجا مقداری خون یا چرک به لباسهای وی اصابت کرده بود، لباسهایش نجس می شوند یا خیر؟
 پاسخ: اگر خون و چرک به قدری نیست که جاری و روان شود و به لباس اصابت کرد لکه های آن بر لباس نمودار گشت، لباس نجس نمی شود ولی باز هم شستن لباس بهتر است.
- پرسش ۲۴۰: اگر استفراغ به مقداری پری دهان نباشد، پلید است یا خیر؟
 پاسخ: شیئی استفراغ شده اگر در حد پری دهان نباشد پلید نیست.
- پرسش ۲۴۱: اگر زالویی به بدن کسی چسبید و از بدنش خون مکید، آیا وضویش باطل شده است؟
 پاسخ: آری، وضویش باطل شده چون زالو خونی را مکیده که اگر در شکم زالو نمی رفت، جریان پیدا می کرد.
- پرسش ۲۴۲: اگر پشه و کیک از بدن کسی خون مکیدند وضو باطل می شود یا خیر؟
 پاسخ: خیر، وضو باطل نمی شود، چون خون مکیده شده غالباً در حدی نیست که اگر مکیده نمی شد روان و جاری می گشت.

پرسش ۲۴۳: وضو از چه نوع خوابی باطل نمی‌شود؟

پاسخ: خواب اگر در حالت ایستاده یا بدون تکیه یا در حالت نشستن یا در رکوع و سجده باشد وضو را باطل نمی‌کند.

پرسش ۲۴۴: آیا کسانی هم بوده‌اند که از خوابیدن، وضوی آنان باطل نمی‌شده؟

پاسخ: آری! وضوی پیامبران از خواب باطل نمی‌شده و این از خصوصیات و ویژگی آنان بوده است.

پرسش ۲۴۵: قهقهه به چه چیزی گفته می‌شود، و در چه شرایطی وضو را باطل می‌کند؟

پاسخ: قهقهه، یعنی خندیدن با صدای بلند، که دیگران هم صدای خنده وی را بشنوند و برای اینکه قهقهه وضو را باطل کند، شرایط زیر وجود دارد.

۱- شخص خندان مرد بالغ یا زن بالغه‌ای باشد - خنده نابالغ وضویش را باطل نمی‌کند.

۲- خنده در حال بیداری باشد، اگر کسی در نماز بخواب رفت و خندید وضویش باطل نمی‌شود.

۳- نمازی که در آن خندیده است، دارای رکوع و سجده باشد. پس اگر کسی در نماز جنازه قهقهه کرد وضویش باطل نشده است.

پرسش ۲۴۶: اگر نگاه آدمی بر عورت دیگران یا بر عورت خودش افتاد، وضو باطل می‌شود یا خیر؟

پاسخ: خیر؟ وضو باطل نمی‌شود.

مسائل باقی مانده از غسل:

پرسش ۲۴۷: غسل بر چند نوع است؟

پاسخ: غسل بر سه نوع است:

۱- غسل فرض

۲- غسل سنت

۳- غسل مستحب

پرسش ۲۴۸: غسل فرض، بر چند قسم است؟

پاسخ: غسل فرض بر شش قسم است که توضیح آن در قسمتهای بعدی تعلیم الاسلام خواهد آمد.

پرسش ۲۴۹: غسل سنت بر چند قسم است، آنها را بیان نمائید؟

پاسخ: غسل سنت بر چهار قسم است:

۱- غسل برای نماز جمعه.

۲- غسل برای نماز هر دو عید.

۳- پیش از احرام حج غسل کردن.

۴- برای وقوف و رفتن به عرفات غسل کردن.

پرسش ۲۵۰: غسل مستحب بر چند نوع است، توضیح دهید؟

پاسخ: غسل مستحب را اقسامی هست که برخی به شرح زیر است:

۱- غسل نیمه شعبان یعنی شب پانزدهم که آن را شب «برأت» می نامند.

- ۲- غسل «شب عَرَفَه» یعنی شب پیش از روز نهم ذی الحجه.
 - ۳- غسل در وقت خسوف و کسوف (ماه و خورشید گرفتگی)
 - ۴- غسل برای نماز استسقاء (طلب باران).
 - ۵- غسل برای دخول در مکه مکرمه یا مدینه منوره.
 - ۶- پس از غسل میت، غسل کردن.
 - ۷- غسل کافر، پس از اینکه مشرف به اسلام بشود.
- پرسش ۲۵۱: اگر بر کسی غسل واجب شد، و وی در آب دریا، رودخانه یا حوض بزرگ غوطه خورد یا در زیر آب باران ایستاد، بطوری که تمام بدنش تر و خیس شد و بر بدنش آب روان گشت آیا غسل صحیح شده یا خیر؟
- پاسخ: آری! غسلش صحیح شده، به شرط اینکه مضمضه و استنشاق هم بکند.
- پرسش ۲۵۲: در حال غسل رو به طرف قبله کردن جایز است یا نه؟
- پاسخ: اگر برهنه باشد جایز نیست و اگر برهنه نباشد، اشکالی ندارد.
- پرسش ۲۵۳: برهنه غسل کردن جایز است یا خیر؟
- پاسخ: اگر داخل حمام یا در محلی است که کسی او را نمی بیند اشکالی ندارد.
- پرسش ۲۵۴: چه چیزهایی در غسل مکروه هستند؟
- پاسخ: آنچه در غسل مکروه است عبارت است از:
- ۱- اسراف در مصرف آب.
 - ۲- در حال برهنگی حرف زدن و یا به طرف قبله رو کردن.
 - ۳- خلاف سنت غسل کردن.

پرسش ۲۵۵: اگر پیش از غسل وضو نکرده بود، پس از غسل برای نماز، وضو گرفتن، الزامی است یا خیر؟

پاسخ: وضو در حین غسل انجام گرفته، نیازی به وضوی مجدد نیست.

مسایل باقی مانده از مسح بر موزه‌ها:

پرسش ۲۵۶: مدت مسح از چه زمانی آغاز می‌شود؟

پاسخ: از وقتی که بی وضو شده است برای مقیم یک شبانه روز، و برای مسافر سه شبانه روز مسح جایز است. مثلاً اگر کسی برای نماز فجر جمعه وضو گرفت و موزه پوشید و تا وقت عصر با وضو بود، آنگاه بی وضو شد از همان وقت به مدت یک یا سه شبانه روز بر موزه‌ها مسح کند.

پرسش ۲۵۷: مسح از چه چیزی باطل می‌شود؟

پاسخ: هر آنچه وضو را باطل می‌کند، مسح را نیز، باطل می‌کند. علاوه بر آن، مسح از این موارد هم باطل می‌شود:

۱- مدت مسح به پایان رسید.

۲- موزه‌ها را از پا بیرون کشید.

۳- به اندازه سه انگشت پا، موزه پاره شده باشد.

پرسش ۲۵۸: اگر در حال وضو موزه را از پا بیرون کشید یا مدت مسح به پایان رسید چه کار بکند؟

پاسخ: در هر دو صورت فقط پاهایش را شسته موزه‌ها را بپوشد. برگرداندن تمام وضو مستحب است، لازم نیست.

پرسش ۲۵۹: اگر مسافری پس از اینکه مدت یک شبانه روز بر موزه‌ها مسح کرده بود، به خانه بازگشت و مقیم شد حکمش چیست؟

پاسخ: موزه‌ها را از پا بیرون بکشد و مجدداً بر آنها مسح کند.

پرسش ۲۶۰: اگر مقیمی مسح را شروع کرد و سپس مسافر شد، حکمش چیست؟

پاسخ: اگر پیش از تمام شدن یک شبانه روز مسافر شد، تا سه شبانه روز بر موزه‌ها مسح کند و اگر بعد از تمام شدن یک شبانه روز سفر کرد، موزه‌ها را از پا بیرون کشیده، مجدداً، مسح کند.

پرسش ۲۶۱: اگر موزه از جاهای مختلف پاره شده بود، مسح بر آن جایز است یا خیر؟

پاسخ: اگر یک موزه از جاهای مختلف پاره شده بود و مجموع پارگیهای آن، به اندازه سه انگشت پا می‌شد، مسح جایز نیست، ولی اگر جاهای پاره شده هر دو موزه، برابر با سه انگشت پا باشد، در چنین حالی مسح جایز است.

مسایل باقی مانده از نجاست حقیقه:

پرسش ۲۶۲: چیزهایی که از چرم و لاستیک ساخته شده‌اند، مانند: کفش، موزه، کیف، دستکش، کیسه‌های پلاستیکی و غیره اگر نجاست جرم داری به آنها اصابت کند، چگونه پاک می‌شوند؟

پاسخ: از مالیدن بر روی خاک و غیره پاک می‌شوند، به شرط آنکه عین نجاست و اثر آن، از بین برود.

پرسش ۲۶۳: اگر به وسایل یاد شده نجاستی، مانند: ادرار، مشروب و مانند آن، اصابت کند، چگونه پاک می شوند؟

پاسخ: با آب یا مایعات (چیزهای آبکی) که اثر پلیدی را دور می کنند، شسته شوند، پاک می گردند.

یعنی اگر نجاست غیر مرئی که پس از خشکیدن، رویت نمی شود به چیزهای یاد شده و امثال آنها برسد، فقط با آب یا مایع باید شسته شوند. از مالیدن بر خاک، پاک نمی شوند.

پرسش ۲۶۴: اگر نجاست به چاقو، کارد، وسایل فلزی و امثال اینها اصابت کرد چگونه پاک می شوند؟

پاسخ: وسایل فلزی، ظرفهای استیلی، آلومینیومی، شیشه‌ای و غیره در صورتی که زنگ زده و ناهموار نباشند، اگر نجس شوند و روی چیزی مالیده شوند، به گونه‌ای که اثر پلیدی از بین برود، پاک می شوند.

پرسش ۲۶۵: اگر نجاست به زمین اصابت کرد، زمین چگونه پاک می شود؟
پاسخ: پس از اینکه زمین خشک شد و اثر پلیدی (رنگ، بو، مزه) روی آن باقی نماند، پاک می شود.

پرسش ۲۶۶: دیوار، آجر و سنگ فرش شده منزل یا مسجد اگر نجس شود، چگونه باید آن را پاک کرد؟

پاسخ: از خشک شدن آنها و دور شدن اثر نجاست پاک می شود.

پرسش ۲۶۷: روش پاک کردن چیزهایی که در حین شستن قابل فشردن نیستند مانند: ظرفها، فرش ضخیم و غیره چگونه است؟

پاسخ: چیزهایی که فشردن آنها مشکل یا غیر ممکن است، نخست، شسته و گذاشته شوند تا چکیدن آب متوقف شود باز، شسته و گذاشته شوند. بار سوم هم شسته و گذاشته شوند پس

از سه بار شستن به روشی که بیان شد، پاک می شوند. البته در موقع شستن هر اندازه که مالیدن ممکن باشد، مالیده شوند تا پلیدی بطور کامل برطرف گردد.

پرسش ۲۶۸: ظرفهای سفالی و خاکی اگر پلید شوند، چگونه پاک می شوند؟

پاسخ: ظرفهای سفالی هم با شستن پاک می شوند. روش پاک کردن آنها در پرسش قبلی بیان گردید.

پرسش ۲۶۹: شیء نجس مانند مدفوع اگر سوخته و خاکستر شود، آن خاکسترها پاک اند یا خیر؟

پاسخ: آری، پاک هستند.

پرسش ۲۷۰: اگر موشی در روغن افتاد و مُرد، حکم آن چیست؟

پاسخ: در صورتی که روغن منجمد باشد موش و روغنهای اطراف آن را بردارند، روغن باقی مانده پاک می شود و اگر روغن مایع بود تمام روغن پلید است.

مسایل باقی مانده از استنجاء:

پرسش ۲۷۱: چه چیزهایی در استنجاء مکروه است؟

پاسخ:

۱- در حال استنجاء پشت یا رو به طرف قبله کردن.

۲- در جایی استنجاء کردن که نگاه دیگران بر عورت وی بیفتد.

پرسش ۲۷۲: کسی که برای قضای حاجت می رود در آنجا از چه چیزهایی باید اجتناب کند؟

پاسخ:

۱- پشت یا رو به طرف قبله نکند.

- ۲- در حال ایستادن ادرار نکند.
 - ۳- داخل نهر یا جوی آب یا در کنار آن، بول و غایط نکند.
 - ۴- نزدیک دیوار مسجد بول و غایط نکند.
 - ۵- در قبرستان بول و غایط نکند.
 - ۶- در سوراخ موش یا دیگر چیزی بول نکند.
 - ۷- در حین بول و غایط صحبت نکند.
 - ۸- در قسمت پایین نشیند و به سمت بالا ادرار نکند.
 - ۹- در نشستگاه و یا گذرگاه مردم بول و غایط نکند.
 - ۱۰- در محلی که وضو می گیرد، بول و غایط نکند.
- همه این موارد که ذکر شدند مکروه هستند.

مسایل باقی مانده از آنها:

- پرسش ۲۷۳: آبی که با گرمی آفتاب گرم شده است، با آن وضو جایز است یا نه؟
- پاسخ: جایز است، ولی بهتر آن است که با چنین آبی وضو گرفته نشود.
- پرسش ۲۷۴: در وقت وضو اگر قطره‌هایی از بدن، در ظرف آبی بچکد، با این آبها وضو جایز است یا خیر؟
- پاسخ: در حین وضو اگر بر بدن، نجاست حقیقی نباشد آبی که از بدن می‌ریزد، آب مستعمل است و آب مستعمل اگر با غیر مستعمل مخلوط شود، حکمش چنین است که اگر آب مستعمل بیشتر باشد یا در مقدار، با غیر مستعمل برابر باشد، وضو و غسل با چنین آبی صحیح نیست و اگر کمتر باشد وضو و غسل جایز است.

پرسش ۲۷۵: اگر با آب، چیز پاکی مانند زعفران، صابون و غیره مخلوط شود با آن، وضو جایز است یا خیر؟

پاسخ: اگر یکی دو صفت از اوصاف آب تغییر کرد وضو جایز است ولی اگر هر سه صفت آب تغییر پیدا کرد و آب غلیظ شد وضو جایز نیست.

پرسش ۲۷۶: اگر حوض و برکه‌ای به عرض دو ذراع شرعی (یک متر) و طول پنجاه ذراع شرعی (۲۵ متر) باشد یا به عرض پنج و طول بیست ذراع، چنین آبی حکم آب جاری را دارد یا خیر؟

پاسخ: آری! این آب، حکم آب جاری را دارد.

مسایل باقی مانده از آب چاهها:

پرسش ۲۷۷: اگر مدفوع کبوتر یا گنجشک در چاه افتاد، حکمش چیست؟

پاسخ: از افتادن مدفوع کبوتر، گنجشک یا از افتادن سه چهار مدفوع شتر و گوسفند، در چاه، آب آن نجس نمی‌شود.

پرسش ۲۷۸: اگر انسان کافری به قصد بیرون آوردن دلو در چاه رفت و در آب غوطه ور شد، حکم چنین آبی چیست؟

پاسخ: اگر بدن و لباس وی قبل از ورود به چاه از نجاست حقیقی و جنابت پاک باشد، آب چاه هم پاک است و اگر نجس باشد، آب چاه نجس است و تمام آب باید کشیده شود.

پرسش ۲۷۹: اگر دلو خاصی روی چاه قرار نداشت و مردم گاهی از دلو بزرگ و گاهی از دلوهای کوچک برای کشیدن آب استفاده می‌کردند، در صورتی که نجاستی در چاه افتاد و نیاز به کشیدن مقداری معین از آب باشد، برای کشیدن آب از چه نوع دلو استفاده شود؟

پاسخ: اگر چنانچه روی چاه دلو خاصی قرار نداشت یا دلو بسیار بزرگ و یا کوچکی وجود داشت، در این صورت برای پاک کردن آب چاه، از دلو متوسط استفاده شود. تا اینجا مسایل اضافه شده بر مسایل قسمت دوم تعلیم الاسلام به پایان رسید اینک به بیان دنباله مباحث قبلی می‌پردازیم.

تیمم و احکام آن

پرسش ۲۸۰: تیمم به چه چیزی گفته می‌شود؟

پاسخ: تیمم یعنی دور کردن نجاست حکمیه از بدن به وسیله خاک پاک یا آنچه در حکم خاک است.

پرسش ۲۸۱: تیمم در چه زمانی جایز است؟

پاسخ:

۱- در وقت میسر نشدن آب

۲- در صورت وجود خطر و اندیشه بروز بیماری یا ازدیاد آن، بر اثر استفاده از آب.

پرسش ۲۸۲: حالتهای عدم دسترسی به آب را توضیح دهید؟

پاسخ:

۱- هنگامی که آب به اندازه یک میل شرعی از آدمی دور باشد.

۲- عدم دسترسی بر آب به واسطه وجود دشمن. مثلاً خارج از منزل آب وجود دارد، ولی خطر حمله دشمن یا درنده یا چیزی دیگر، او را تهدید می‌کند.

۳- آب در حد کمی وجود دارد، ولی این خطر هست که اگر از آن مقدار آب برای وضو استفاده شود، ممکن است از تشنگی از بین رفته و تلف شود.

۴- آب داخل چاه موجود است، ولی دلو و ریسمان برای کشیدن آن، میسر نیست.

۵- آب وجود دارد، ولی بنا بر دلایل مختلفی به آن دسترسی ندارد و کسی دیگر هم نیست که از وی استمداد کند.

تمام این موارد در حکم عدم وجود آب است و می تواند تیمم کند.

پرسش ۲۸۳: اندیشه بیمار شدن در چه زمانی معتبر است؟

پاسخ: در صورتی که با تجربه خویش از استفاده آب، به بیمار شدن یقین داشته باشد یا پزشک و طبیب ماهر چنین نظری بدهد آنگاه می تواند تیمم کند.

پرسش ۲۸۴: غرض از این که به اندازه یک میل شرعی از آب فاصله داشته باشد چیست؟

پاسخ: وقتی آدمی در محلی هست که آنجا آب وجود ندارد، ولی به گمان خویش یا بر اثر اطلاع کسی، متوجه شد که در فاصله کمتر از یک میل (حدود ۱۷۰۰ متر) آب وجود است در چنین حالی تیمم جایز نیست بلکه باید به سراغ آب برود.

اما در صورتی که اطلاع دهنده ای هم نباشد و به هیچ وجه نتواند خبری از وجود آب در آن حوالی بدست آورد و یا اینکه آب به فاصله یک مایل (حدود ۱۷۰۰ متر) یا بیش از آن موجود است، در چنین صورتی تیمم برایش جایز می شود.

پرسش ۲۸۵: در تیمم چند چیز فرض است؟

پاسخ: در تیمم سه چیز فرض است:

۱- نیت کردن.

۲- هر دو دست را بر خاک زدن و بر صورت مالیدن.

۳- هر دو دست را بر خاک زدن و دستها را تا آرنج مالیدن.

پرسش ۲۸۶: روش کامل تیمم چگونه است؟

پاسخ: نخست نیت کند که به قصد و اراده دور کردن پلیدی و پاک شدن، برای خواندن نماز و یا انجام عبادتی دیگر تیمم می کند. سپس هر دو دست را بر خاک زده آنها را

بیفشاند و به نحوی بر چهره بمالد که هیچ جایی از آن باقی نماند. (اگر به اندازه یک سر مو جایی باقی بماند، که دست روی آن مالیده نشده است، تیمم صحیح نخواهد شد).
 بار دوم، دستها را بر خاک زده آنها را بیفشاند و چهار انگشت دست چپ را در زیر انگشتان دست راست قرار داده قسمت زیرین دست را تا آرنج مسح کند و با کف دست چپ قسمت بالایی دست راست را تا سر انگشتان خلال کند.
 اگر ساعت و انگشت در دست داشته باشد، آنها را قبل از شروع تیمم بیرون آورد. خلال کردن ریش در تیمم سنت است.

پرسش ۲۸۷: روی چه چیزهایی تیمم جایز است؟

پاسخ: تیمم روی خاک، ریگ، سنگ، گچ، آهک، سیمان، آجر، خشت، دیوار (در صورتی که رنگ خورده نباشد) جایز است به شرطی که پاک باشند.

پرسش ۲۸۸: تیمم روی چه چیزهایی جایز نیست؟

پاسخ: تیمم روی چوب، انواع فلز، شیشه، گندم، جو، پارچه و خلاصه هر چیزی که در آتش عموماً ذوب و یا سوخته و خاکستر می شود و گرد و غبار بر آن نباشد، جایز نیست.

پرسش ۲۸۹: اگر روی سنگ، آهک، موزائیک و دیوار، گرد و غبار نباشد، تیمم بر آنها جایز است یا خیر؟

پاسخ: چیزهایی که بر آنها تیمم جایز است وجود گرد و غبار بر آنها الزامی نیست. بدون وجود غبار هم تیمم جایز است.

پرسش ۲۹۰: چیزهایی که روی آنها تیمم جایز نیست اگر غبار داشته باشند تیمم جایز است یا خیر؟

پاسخ: آری! در صورتی که غبار به حدی داشته باشند که از دست زدن، غبارها منتشر شود و یا اثر دست، روی آنها بماند جایز است.

پرسش ۲۹۱: اگر کسی به قصد تلاوت قرآن یا دست زدن به آن یا به قصد دخول در مسجد، تیمم کرد، با همان تیمم می‌تواند نماز بخواند؟

پاسخ: آری! با یک تیمم اداء و انجام چندین نوع عبادت جایز است.

پرسش ۲۹۲: اگر کسی برای نماز جنازه یا سجده تلاوت تیمم کرد، با آن تیمم می‌تواند نماز بخواند؟

پاسخ: آری، جایز است.

پرسش ۲۹۳: اگر بخاطر میسر نشدن آب، تیمم کرد و نماز خواند و پس از نماز خواندن، آب برایش میسر شد بر گرداندن نماز ضروری است یا خیر؟

پاسخ: خیر، برگرداندن نماز ضروری نیست.

پرسش ۲۹۴: تیمم از چه چیزهایی باطل می‌شود؟

پاسخ: از همان چیزهایی که وضو باطل می‌شود تیمم هم باطل می‌شود. و اگر بر اثر عدم دسترسی به آب تیمم کرده بود، سپس آب برایش میسر شد و توانست که از آن استفاده کند، تیممش باطل می‌شود. و اگر بر اثر عذری تیمم کرده بود، از دور شدن آن عذر هم تیممش باطل می‌شود.

پرسش ۲۹۵: اگر برای نماز ظهر تیمم کرده بود، نماز عصر را هم با آن تیمم می‌تواند، بخواند یا خیر؟

پاسخ: آری! با تیمم واحد خواندن نمازهای متعدد در اوقات متعدد جایز است. و تا زمانی که تیممش باطل نشده می‌تواند هر نوع نمازی را بخواند و هر نوع عبادتی را انجام دهد. مثلاً اگر برای نماز فرض ظهر تیمم کرده بود با همان تیمم نوافل، فرایض، تلاوت قرآن، نماز جنازه، سجده تلاوت و هر نوع عبادتی را می‌تواند انجام دهد.

پرسش ۲۹۶: تیمم تا چه مدتی جایز است؟

پاسخ: تا زمانی که آب برایش میسر نشود و یا عذر باقی باشد. و اگر چند سال به همین منوال گذشت و تیمم کرد، اشکالی ندارد.

شرط دوم نماز، پاک بودن لباس:

پرسش ۲۹۷: هدف از پاک بودن لباس چیست؟

پاسخ: پاک بودن لباسی که شخص نماز گزار می پوشد، از قبیل: پیراهن، شلوار، عمامه، جوراب، کت و غیره الزامی است. یعنی روی آنها نباید به اندازه بیش از مساحت یک سکه یک درهمی نجاست غلیظه باشد و یا در حد یک چهارم، لباس با نجاست خفیفه آلوده باشد. این یکی از شرایط صحت نماز است. پس اگر نجاست غلیظه به اندازه یک درهم یا کمتر از آن و نجاست خفیفه از یک چهارم لباس کمتر باشد، مانع نماز نمی شود، ولی گزاردن نماز با چنین لباسی مکروه است.

پرسش ۲۹۸: اگر یک طرف عمامه نجس باشد و نماز گزار آن را کنار بگذارد و آن قسمتی را که نجس نیست بپوشد و نماز بخواند، نمازش صحیح است یا خیر؟

پاسخ: هر لباس نجسی که با نماز گزار چنان مربوط و متصل باشد که از حرکت وی، لباس هم متحرک شود، با چنین لباسی نماز صحیح نیست، و اگر بر اثر حرکت نماز گزار لباس متحرک نشود، نماز درست و صحیح است. در مسئله یاد شده همین ظابطه باید لحاظ شود.

شرط سوم نماز، پاک بودن جای نماز:

پرسش ۲۹۹: مکان نماز چگونه باید پاک باشد؟

پاسخ: پاک بودن جای هر دو قدم نماز گزار و جایی که هر دو زانو گذاشته می شوند و جای سجده ضروری و الزامی است.

پرسش ۳۰۰: اگر قسمت زیرین چیزی که روی آن نماز خوانده می‌شود، نجس و قسمت بالایی آن پاک باشد، گزاردن نماز روی آن جایز است یا خیر؟

پاسخ: اگر شیئی یاد شده ضخیم، سخت و محکم باشد مانند: سنگ، موزائیک، چادر ضخیم و غیره نماز جایز است و اگر نازک و باریک باشد نماز جایز نمی‌شود.

پرسش ۳۰۱: گزاردن نماز روی پارچه دو لایه‌ای که لایه زیرین آن پلید و لایه بالایی آن پاک باشد، جایز است یا خیر؟

پاسخ: در صورتی که هر دو لایه پارچه با هم دوخته و متصل نباشد و لایه بالایی به قدری ضخیم باشد که بو یا رنگ نجاستی که در لایه زیرین قرار دارد، در آن نمودار نشود، نماز جایز است. و اگر چنین نباشد. احتیاط در این است که روی چنین پارچه‌ای نماز خوانده نشود.

پرسش ۳۰۲: اگر روی زمین و یا چیز نجسی پارچه پاکی پهن شود و نماز خوانده شود، جایز است یا خیر؟

پاسخ: در صورتی که رنگ یا بوی پلیدی به پارچه بالایی نرسد جایز است در غیر این صورت جایز نیست

پرسش ۳۰۳: آیا در جایی که پاک است ولی در اطراف آن، نجاستی وجود دارد که بوی آن را، نماز گزار احساس می‌کند، خواندن نماز در آنجا جایز است یا خیر؟

پاسخ: جایز است ولی بهتر آن است که در چنین جایی نماز خوانده نشود.

شرط چهارم نماز، پوشیدن عورت:

پرسش ۳۰۴: عورت چگونه پوشیده شود؟

پاسخ: برای مرد از ناف تا زانو پوشیدن این مقدار از بدن فرض است و بستگی به نماز ندارد، چه در حال نماز و چه در سایر اوقات بر تمام مردها فرض است که این قسمت از بدن خویش را بپوشانند. و برای زن علاوه بر هر دو دست تا مچ دست و هر دو پا و چهره، پوشاندن سایر بدن در هر حال فرض است. گرچه برای زن در حال نماز، پوشیدن چهره فرض نیست، ولی در مقابل مردان غیر محرم در چنین حالی قرار گرفتن جایز نیست.

پرسش ۳۰۵: اگر مقداری از عورت بدون قصد، ظاهر و نمایان شود، حکمش چیست؟

پاسخ: اگر یک چهارم عضو ظاهر شود و تا مدتی ظاهر باشد که سه بار سبحان ربی العظیم گفتن ممکن باشد، در این صورت نماز فاسد می‌شود. اگر به محض اینکه ظاهر شد، آن را پوشید نماز صحیح می‌شود.

پرسش ۳۰۶: اگر کسی در تاریکی برهنه نماز بخواند نمازش صحیح است یا خیر؟

پاسخ: با بودن لباس چه در تاریکی و چه در روشنائی برهنه نماز خواندن جایز نیست.

پرسش ۳۰۷: اگر کسی در نماز عمداً یک چهارم عورت خویش را برهنه کرد، حکمش

چیست؟

پاسخ: نمازش باطل می‌شود.

پرسش ۳۰۸: اگر کسی اصلاً لباسی نداشت، چگونه نماز بخواند؟
 پاسخ: با برگ درخت یا به هر نحوی که ممکن باشد عورتش را پوشانده، نماز بخواند و اگر هیچ چیزی برایش میسر نشود، بنشیند و برهنه نماز بخواند و برای رکوع و سجده اشاره کند.

شرط پنجم، وقت نماز:

پرسش ۳۰۹: منظور از وقت نماز چیست؟
 پاسخ: برای ادای نماز شرط است که هر وقتی که برای آن مقرر گردیده، در همان وقت نماز خوانده شود، پیش از وقت، خواندن آن صحیح نیست. و بعد از وقت اگر خوانده شود اداء نمی‌شود، بلکه قضاء گفته می‌شود.

پرسش ۳۱۰: در چند وقت نماز خواندن فرض است؟
 پاسخ: ادای پنج نماز در پنج وقت از شبانه روز فرض است. علاوه بر آن، نماز وتر نیز واجب است.

پرسش ۳۱۱: فرض، واجب، سنت، و نفل به چه چیزی گفته می‌شود و با هم چه فرقی دارند؟

پاسخ: «فرض» آن است که با دلیل قطعی ثابت شده است و در ثبوت آن هیچ گونه شک و تردیدی وجود ندارد. منکر فرضیت آن کافر و تارک بدون عذر آن فاسق و مستحق عذاب الهی محسوب می‌شود.

واجب آن است که با دلیل ظنی ثابت شده باشد. منکر آن کافر نمی‌شود. البته تارک بلا عذر آن فاسق و مستحق عذاب می‌شود.

«سنت» به عملی گفته می‌شود که: پیامبر اکرم ﷺ یا اصحاب کرام رضوان الله علیهم آن را انجام داده و یا به انجام آن امر کرده‌اند.

«نفل» به عملی گفته می‌شود که: ارزش و فضیلت آن در شریعت ثابت شده است. از انجام آن اجر و پاداش می‌رسد و از ترک آن عذاب و عتابی تعلق نمی‌گیرد. «نفل» را مستحب، «مَنْدُوب و تَطَوُّع» نیز می‌گویند.

پرسش ۳۱۲: فرض دارای چند قسم می‌باشد؟

پاسخ: فرض دو قسم دارد:

۱- فرض عین

۲- فرض کفایه.

«فرض عین» آن است که انجام آن بر هر شخصی لازم و ضروری است، و اگر کسی بدون عذر شرعی آن را ترک کند، فاسق و گناهکار می‌شود. «فرض کفایه» آن است که اگر یکی دو نفر آن را انجام دهند، از عهده دیگران ساقط می‌شود و اگر هیچ کس آن را انجام نداد، همه مسئول و گناهکار می‌شوند.

پرسش ۳۱۳: سنت دارای چند قسم است؟

پاسخ: سنت بر دو قسم است:

۱- سنت مؤکده.

۲- سنت غیر مؤکده.

«سنت مؤکده» آن است که پیامبر گرامی اسلام ﷺ همیشه آن را انجام داده و یا به آن دستور داده است. هیچ گاه بدون عذر ترک نفرموده‌اند. ترک چنین سنتهایی و عادی شدن به ترک آنها شدیداً گناه و موجب ملامت است. سنت غیر مؤکده عملی را گویند که: آن حضرت ﷺ غالباً آن را انجام می‌داده‌اند و گاهی هم بدون عذر ترک می‌کردند. بجای

آوردن همیشگی این نوع سنتها، از انجام مستحبات ثواب بیشتری دارد. و از ترک آن گناهی لازم نمی‌شود. چنین سنتهایی را «سنن زواید» می‌گویند.

پرسش ۳۱۴: فرق بین «حرام»، «مکروه تحریمی» و «تنزیهی» چیست؟
پاسخ: «حرام» به عملی گفته می‌شود که: ممانعت آن با دلیل قطعی ثابت گردیده است. مرتکب چنین عملی فاسق و مستحق عذاب و منکر آن کافر است.
«مکروه تحریمی» به فعلی گفته می‌شود که: ممانعت آن با دلیل ظنی ثابت شده است. منکر آن کافر نمی‌شود ولی مرتکب آن گناهکار می‌شود.

«مکروه تنزیهی» آن است که از ترک آن ثواب می‌رسد و از انجام آن گناهکار نمی‌شود، اما سزاوار و شایسته نیست که یک فرد مسلمان آن را انجام دهد.

پرسش ۳۱۵: «مُبَاح» به چه چیزی گفته می‌شود؟
پاسخ: «مباح» به فعلی گفته می‌شود که: کردن و نکردن آن برابر است یعنی از کردن آن، ثوابی و از نکردن آن، گناهی نمی‌رسد.

پرسش ۳۱۶: وقت نماز فجر از چه زمانی شروع می‌شود و تا چه وقتی ادامه دارد؟
پاسخ: در حدود یک ساعت و نیم پیش از طلوع آفتاب، در سمت مشرق در افق آسمان، نوعی سفیدی و روشنایی محسوس می‌شود که همانند ستونی از زمین بالا رفته و به طرف آسمان سر بر می‌آورد این روشنایی را «صبح کاذب» می‌گویند و تا اندک مدتی باقی مانده و سپس غایب می‌شود.

روشنایی دیگری نمایان می‌شود که تمام افق مشرق را فرا می‌گیرد و به صورت شکل مستطیلی بر تمام افق نمودار گشته و لحظه به لحظه بر روشنایی آن افزوده می‌شود. این روشنایی را «صَبْح صَادِق» گویند. ابتدای وقت نماز فجر از ظاهر شدن صبح صادق آغاز

می شود و تا پیش از طلوع آفتاب ادامه دارد. و به محض اینکه کناره خورشید از افق مشرق ظاهر شود، وقت نماز فجر به پایان می رسد.

پرسش ۳۱۷: وقت مستحب نماز فجر چه زمانی است؟

پاسخ: هنگامی که هوا خوب روشن شود و در حدی وقت باقی باشد که نماز موافق با سنت به خوبی اداء شود. از اختتام نماز تا طلوع آفتاب هم باید در همان حد وقت باقی باشد. تا اگر به دلیلی نماز خوانده شده، فاسد شود باز در همان وقت مطابق سنت خوانده شود. خواندن نماز فجر در چنین وقتی مستحب و افضل است.

پرسش ۳۱۸: وقت نماز ظهر را بیان کنید؟

پاسخ: پس از زوال آفتاب از خط نصف النهار هر منطقه وقت نماز ظهر شروع می شود و تا زمانی که سایه هر شیء بدون از سایه اصلی آن، دو برابر شود، ادامه دارد آنگاه وقت نماز ظهر به پایان می رسد.

پرسش ۳۱۹: وقت مستحب نماز ظهر چه زمانی است؟

پاسخ: در فصل تابستان تا حدی نماز ظهر با تأخیر خوانده شود که شدت گرما از بین برود. و در فصل زمستان در اول وقت خواندن نماز مستحب است. ولی باید توجه داشت که نماز ظهر در هر حال در زمانی خوانده شود که سایه هر چیز بدون سایه اصلی آن به یک برابر برسد.

پرسش ۳۲۰: وقت نماز عصر را بیان کنید؟

پاسخ: هنگامی که سایه هر چیز، علاوه از سایه اصلی آن، به اندازه دو برابر آن برسد، وقت نماز عصر شروع می شود و تا غروب آفتاب ادامه دارد. ولی چون آفتاب به افق نزدیک شود و شعاع آن زرد و ضعیف گردد؛ در چنین وقتی نماز مکروه است. بلکه باید پیش از آن، نماز عصر خوانده شود.

پرسش ۳۲۱: وقت نماز مغرب چه زمانی است؟

پاسخ: پس از غروب آفتاب، وقت نماز مغرب، شروع می شود و تا غروب شفق ادامه دارد.

پرسش ۳۲۲: «شَفَق» به چه چیزی گفته می شود؟

پاسخ: پس از غروب آفتاب در جانب مغرب در افق آسمان یک گونه سرخی نمایان می شود که آن را «شَفَقِ أَحْمَر» (شفق سرخ رنگ) می گویند. سپس آن سرخی زایل گشته و یک گونه سفیدی در افق ظاهر می شود که آن را «شَفَقِ أَبْيَض» (شفق سفید رنگ) گویند. سپس آن سفیدی هم زایل می شود و تمام آسمان یک رنگ و یک نواخت به نظر می رسد. وقت نماز مغرب تا پیش از زایل شدن شفق ابیض، باقی است.

پرسش ۳۲۳: وقت مستحب نماز مغرب چه زمانی است؟

پاسخ: خواندن نماز مغرب در اول وقت مستحب است و تأخیر بدون عذر مکروه است.

پرسش ۳۲۴: وقت نماز عشاء را بیان کنید؟

پاسخ: پس از زایل شدن شفق سفید رنگ، وقت نماز عشاء شروع می شود و تا پیش از طلوع صبح صادق، ادامه دارد.

پرسش ۳۲۵: وقت مستحب نماز عشاء را بیان کنید؟

پاسخ: تأخیر نماز عشاء تا قبل از اینکه یک سوم شب بگذرد، مستحب است و تا نصف شب مباح و تا پس از آن مکروه است.

پرسش ۳۲۶: وقت نماز وتر را بیان کنید؟

پاسخ: وقت نماز وتر همان وقت نماز عشاء است، لیکن خواندن وتر پیش از عشاء صحیح نیست. گویا وقت وتر پس از نماز عشاء است.

پرسش ۳۲۷: تأخیر نماز وتر تا چه زمانی مستحب است؟
 پاسخ: اگر کسی بر بیدار شدن خویش در آخر شب، اعتماد داشته باشد، برای وی مستحب است که نماز وتر را در آخر شب بخواند. لیکن اگر بر بیدار شدن خویش اطمینان ندارد، پیش از خوابیدن، خواندن نماز وتر بهتر است.

شرط ششم نماز، استقبال قبله:

پرسش ۳۲۸: معنای استقبال قبله چیست؟
 پاسخ: در حین نماز خواندن شرط و ضروری است که روی نمازگزار به سمت قبله باشد.
 پرسش ۳۲۹: قبله ما مسلمانان کجاست؟
 پاسخ: قبله مسلمانان، خانه کعبه است. خانه کعبه به شکل اطاقی در سرزمین حجاز در شهر مکه مکرمه واقع است. خانه کعبه را «کعبه الله»، «بیت الله» و «بیت الحرام» نیز می گویند.
 پرسش ۳۳۰: قبله در کدام طرف واقع است؟
 پاسخ: در کشورهای هندوستان، پاکستان، بنگلادش، ایران و افغانستان و بسیاری از کشورهای دیگر از کشورهای شرقی، قبله در جانب غرب آنها قرار دارد. چون این کشورها در جانب شرقی مکه مکرمه واقع شده‌اند.
 پرسش ۳۳۱: اگر روی شخص بیمار به طرف قبله نباشد و بیمار نتواند رویش را به سوی قبله کند، حکمش چیست؟
 پاسخ: اگر کسی دیگر آنجا نبود که روی بیمار را به سوی قبله بگرداند و یا خطر شدت بیماری و ناراحتی برای وی وجود داشته باشد، به هر سو که برایش ممکن و مقدور باشد، نماز بخواند، جایز است.

شرط هفتم نماز «نیت»:

پرسش ۳۳۲: هدف از نیت چیست؟

پاسخ: به قصد و اراده قلبی «نیت» گفته می‌شود.

پرسش ۳۳۳: به هنگام نیت چه چیزی را قصد کند؟

پاسخ: به هنگام نیت نماز، همان نمازی را که می‌خواهد بخواند، قصد و اراده کند، مثلاً اگر

نماز فجر را می‌خواهد بخواند چنین اراده کند که نماز فجر امروز را می‌خواهم بخوانم.

و اگر نماز قضاء باشد اراده کند که فلان نماز قضاء شده را قضاء می‌کنم. و اگر پشت سر

امام ایستاده و نماز می‌خواند نیت اقتداً به امام هم الزامی است.

پرسش ۳۳۴: گفتن نیت با زبان چگونه است؟

پاسخ: مستحب است، لیکن اگر با زبان هم نگفت اشکالی ندارد.

پرسش ۳۳۵: برای نفل چگونه نیت کند؟

پاسخ: اینقدر کافی است که اراده کند، نماز نفل می‌خواند و برای سنت و تراویح هم همین

مقدار نیت، کافی است.

بیان اذان:

پرسش ۳۳۶: «أَذَان» به چه چیزی گفته می‌شود؟

پاسخ: «اذان» یعنی اعلام کردن و در اصطلاح شرع عبارت است از آن اعلام و آگاهی‌ای

که با الفاظی مخصوص برای نمازهای خاصی انجام پذیرد.

چنان که کلمات و الفاظ اذان در تعلیم الإسلام قسمت اول بیان گردید.

پرسش ۳۳۷: گفتن «اذان» فرض است یا سنت؟

پاسخ: «اذان» سنت است ولی چون «اذان» یکی از شعائر بزرگ اسلام است لذا روی آن بسیار تأکید شده است.

پرسش ۳۳۸: «اذان» برای چه نمازهایی سنت است؟

پاسخ: «اذان» برای نمازهای پنجگانه و نماز جمعه سنت است. علاوه بر آن، برای هیچ نمازی سنت نیست.

پرسش ۳۳۹: «اذان» در چه وقتی باید گفته شود؟

پاسخ: «اذان» هر نماز را در وقت همان نماز باید گفت، اگر پیش از وقت اذان گفته شود، پس از دخول وقت دوباره اذان گفته شود.

پرسش ۳۴۰: روش مستحب «اذان» چگونه است؟

پاسخ: در «اذان» هفت چیز مستحب است:

۱- ایستادن و رو به قبله کردن.

۲- کلمات اذان را آهسته و جدا از همدیگر گفتن یعنی شتاب و عجله نکردن.

۳- در وقت اذان هر دو انگشت شهادت را داخل گوش گذاشتن.

۴- در محل مرتفع و بلندی اذان گفتن.

۵- با صدای بلند اذان گفتن.

۶- در حین گفتن «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» به طرف راست و در حین گفتن «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» به طرف چپ رو کردن.

۷- در اذان فجر، بعد از «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» «الْصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» را دوبار گفتن.

پرسش ۳۴۱: «إِقَامَةُ» به چه چیزی گفته می‌شود؟

پاسخ: در حین شروع نمازهای فرض، کلمات اذان را با این تفاوت گفتن که پس از حی علی الفلاح دوبار «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» گفته شود. این را «إِقَامَةُ» می‌گویند.

پرسش ۳۴۲: «إِقَامَةُ» چه حکمی دارد؟

پاسخ: «إِقَامَةُ» فقط برای نمازهای «فرضی» سنت است. علاوه بر آن، برای سایر نمازها، سنت نیست.

پرسش ۳۴۳: آیا اذان و اقامت برای مردان و زنان سنت است؟

پاسخ: خیر! فقط برای مردان سنت است.

پرسش ۳۴۴: بدون وضو اذان و اقامت گفتن چطور است؟

پاسخ: اذان بدون وضو جایز است، اما همیشه چنین عادت کردن، زشت و نادرست است. اقامت بدون وضو نیز مکروه است.

پرسش ۳۴۵: اگر کسی در خانه‌اش نماز می‌خواند، اذان و اقامت بگوید یا خیر؟

پاسخ: اذان و اقامت مسجد محله کافی است ولی اگر بگوید خوب است.

پرسش ۳۴۶: مسافر در حالت سفر، اذان و اقامت بگوید یا خیر؟

پاسخ: آری! اذان و اقامت در حالی که از آبادی و محیط شهر دور باشد بگوید. لکن اگر اذان نگفت، فقط اقامت گفت. اشکالی ندارد. ولی ترک هر دوی آن، مکروه است.

پرسش ۳۴۷: اگر یکی اذان و دیگری اقامت گوید، جایز است؟

پاسخ: چون اقامت، حق اذان گوینده است، لذا اگر اذان گوینده حاضر نباشد و یا حاضر باشد و از اقامت دیگران ناراحت نشود، اشکالی ندارد، ولی اگر به اقامت دیگران راضی نباشد، مکروه است.

پرسش ۳۴۸: بین اذان و قامت چقدر فاصله باید باشد؟

پاسخ: به جز نماز مغرب، در بقیه نمازها فاصله باید در حدی باشد که مردم بتوانند برای نماز آماده شوند و در جماعت شرکت کنند. ولی در نماز مغرب پس از اذان با فاصله‌ای به مدت خواندن سه آیه، اقامه شود.

پرسش ۳۴۹: جواب اذان و اقامت چگونه است و حکم آن چیست؟

پاسخ: جواب اذان و اقامه مستحب است و طریقه‌اش اینگونه است که شنونده، همان کلماتی را بگوید که مؤذن و اقامت کننده می‌گویند. البته وقتی که «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» و «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» را بشنود. «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» گوید و در اذان فجر وقتی «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِّنَ النَّوْمِ» را شنید «صَدَقَتْ وَبَرَرَتْ» گوید و در حین «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» «أَقَامَهَا اللَّهُ وَأَدَامَهَا» گوید.

پرسش ۳۵۰: پس از اذان چه دعایی خوانده شود؟

پاسخ: بعد از اذان این دعا خوانده شود: اَللّٰهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيْلَةَ وَالْفَضِيْلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَّحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ!.

پرسش ۳۵۱: «رُكْن» به چه چیزی گفته می‌شود؟

پاسخ: «أركان» جمع «رکن» و رکن به معنای فرض و به اعمالی گفته می‌شود که: در نماز فرض‌اند.

۱ - «بار الها! ای پروردگار این ندای کامل و نماز بر پا شونده، به محمد -صلی الله علیه وسلم- وسیله «مقامی والا در بهشت» و فضیلت عنایت بفرما، و او را به «مقام شایسته‌ای» که وعده فرموده‌ای نایل بگردان».

پرسش ۳۵۲: در نماز چند فرض وجود دارد؟

پاسخ: در نماز شش چیز فرض است:

۱- تکبیر تحریمه.

۲- قیام.

۳- قرائت.

۴- رکوع.

۵- هر دو سجده.

۶- قعده اخیره (یعنی در آخر نماز به مقدار خواندن التحیات نشستن) البته تکبیر تحریمه رکن نیست بلکه برای نماز شرط است.

پرسش ۳۵۳: اگر تکبیر تحریمه شرط است پس با شرایط هفتگانه‌ای که بیان شد چرا ذکر نشد؟

پاسخ: چون میان تکبیر تحریمه و سایر ارکان نماز فاصله‌ای وجود ندارد. لذا مناسب است که با ارکان بیان شود.

تکبیر تحریمه:

پرسش ۳۵۴: منظور از تکبیر تحریمه چیست؟

پاسخ: در وقت نیت نماز «الله أكبر» گفته می‌شود که با گفتن آن، نماز آغاز می‌شود و حرکات و حرفها و اعمالی که مخالف نمازاند، حرام می‌شوند. بدین جهت آن را «تکبیر تحریمه» می‌گویند.

پرسش ۳۵۵: تکبیر تحریمه نمازهای فرضی را در حال خم شدن گفتن چطور است؟
 پاسخ: صحیح نیست. زیرا که در وقت تحریمه در نمازهای فرض و واجب اگر عذری
 برایش نباشد باید بایستد و تکبیر بگوید.

رکن اول نماز، قیام:

پرسش ۳۵۶: هدف از قیام چیست؟
 پاسخ: قیام یعنی ایستادن و مراد از ایستادن، ایستادنی است که دستهای آدمی در آن صورت
 به زانوهای نرسند.

پرسش ۳۵۷: قیام در چه نمازهایی و تا چه حدی فرض است؟
 پاسخ: در نمازهای فرضی و واجب به حدی ایستادن فرض است که به اندازه فرض قرائت،
 قرائت خوانده شود.

پرسش ۳۵۸: اگر کسی توانایی ایستادن نداشت چه کار کند؟
 پاسخ: اگر بر اثر بیماری یا به دلیل وجود زخم و یا از خوف دشمن، توانایی ایستادن را
 نداشت یا بنا به عذر موجهی نمی توانست بایستد، جایز است که بنشیند و نمازهای فرض و
 واجب را بخواند.

پرسش ۳۵۹: حکم ایستادن در نمازهای نفلی چیست؟
 پاسخ: در نمازهای نفلی ایستادن فرض نیست، بدون عذر هم می تواند بنشیند و نفل بخواند،
 ولی ثواب نفل در حالت نشسته نصف ثواب نفل در حالت ایستاده می باشد.

رکن دوم نماز، قرائت:

پرسش ۳۶۰: منظور از قرائت چیست؟
 پاسخ: قرائت یعنی خواندن قرآن مجید در نماز.

پرسش ۳۶۱: خواندن چه مقداری از قرآن در نماز، فرض است؟

پاسخ: حداقل خواندن یک آیه فرض است و خواندن سوره فاتحه واجب است. و در دو رکعت اول فرض و در تمام رکعات نماز وتر و سنتها و نوافل بعد از سوره فاتحه خواندن دیگر سوره‌ای یا یک آیه بزرگ یا سه آیه کوچک، واجب است.

پرسش ۳۶۲: آیا خواندن فاتحه، در تمام رکعات هر نماز واجب است؟

پاسخ: بجز رکعت سوم و چهارم نمازهای فرضی، خواندن فاتحه در تمام رکعات هر نماز واجب است.

پرسش ۳۶۳: اگر شخصی خواندن یک آیه را هم یاد نداشت، چه کار بکند؟

پاسخ: بجای قرائت، سبحان الله یا الحمد لله بخواند، و یاد گرفتن و خواندن قرآن برایش لازم می‌شود. زیرا یاد گرفتن قرآن در حد قرائت فرضی فرض، و در حد واجب، واجب است. و کسی که اصلاً از قرآن چیزی یاد نداشت و در صدد یاد گرفتن آن هم نباشد شدیداً گناهکار می‌شود.

پرسش ۳۶۴: در چه نمازهایی قرائت با صدای بلند خوانده می‌شود؟

پاسخ: بر امام واجب است که در دو رکعت اول نماز مغرب و نماز عشاء و در نماز جمعه، عیدین، نماز فجر، نماز وتر و تراویح در ماه مبارک رمضان با صدای بلند قرائت بخواند.

پرسش ۳۶۵: در چه نمازهایی قرائت، آهسته خوانده می‌شود؟

پاسخ: در نماز عصر و نماز ظهر، امام و منفرد هر دو و در نماز وتر منفرد قرائت آهسته بخوانند.

پرسش ۳۶۶: خواندن با صدای بلند تا چه حدی لازم است؟

پاسخ: حداقل باید چنین بخواند که صدایش را شخصی که در کنارش ایستاده بشنود و مقدار آهسته خواندن نیز چنان است که باید خود انسان صدایش را بشنود.

پرسش ۳۶۷: به نمازهایی که با صدای بلند، در آنها قرائت خوانده می شود چه می گویند؟
 پاسخ: به آنها نمازهای «جَهْری» گفته می شود چون «جهر» به معنای صدای بلند است.
 پرسش ۳۶۸: اگر کسی الفاظ قرآن را با زبان نخواند فقط در خیال و تصور خویش به یاد آورد آیا فرض قرائتش اداء گردیده؟
 پاسخ: خیر! فرض قرائت اداء نشده و نمازش هم صحیح نیست، زیرا قرائت حتماً باید با زبان خوانده شود.

رکن سوم و چهارم نماز، رکوع و سجده:

پرسش ۳۶۹: کمترین مقدار رکوع چقدر است؟
 پاسخ: کمترین مقدار رکوع آن است که تا حدی خم شود که دستهایش به زانوهایش برسند.
 پرسش ۳۷۰: روش مسنون رکوع چگونه است؟
 پاسخ: چنان خم شود که سرش با کمرش برابر و مساوی باشد و دستها را از پهلوها دور نگه داشته، هر دو زانو را با هر دو دست محکم نگه دارد.
 پرسش ۳۷۱: اگر بر اثر پیری و ضعف جسمی، کمر خمیده ای باشد که بدون رکوع، همیشه در حال رکوع است، چنین کسی چگونه رکوع کند؟
 پاسخ: با سر خویش اشاره کند. یعنی فقط سر خویش را مقداری پایین آورد رکوعش صحیح خواهد شد.

پرسش ۳۷۲: «سجده» چیست؟

پاسخ: «سجده» به معنای گذاشتن پیشانی خویش بر زمین است. و در اصطلاح، عملی را گویند که: آدمی به منظور فروتنی و تواضع، پیشانی‌اش را به پیشگاه پروردگار عالمیان بر زمین می‌گذارد.

پرسش ۳۷۳: اگر فقط با پیشانی یا بینی خویش سجده کرد، آیا سجده‌اش اداء می‌شود؟
پاسخ: اگر به واسطه عذری چنین کرد، جایز است و بدون عذر اگر بر پیشانی خویش بسنده کرد سجده‌اش اداء شده ولی مکروه است. و بدون عذر اگر بر بینی در سجده بسنده کرد، سجده اداء نخواهد شد.

پرسش ۳۷۴: در هر رکعت، یک سجده فرض است یا دو سجده؟

پاسخ: هر دو سجده فرض هستند.

پرسش ۳۷۵: اگر پیشانی و بینی، هر دو زخمی بودند چگونه سجده کند؟

پاسخ: در صورتی که توانایی سجده نداشته باشد، فقط با سرش اشاره کند کافی است.

پرسش ۳۷۶: پس از سجده اول چقدر درنگ کند و آنگاه به سجده دوم برود؟

پاسخ: کاملاً بنشیند و سپس به سجده دوم برود.

پرسش ۳۷۷: اگر در نماز عیدین یا جمعه یا به علتی دیگر، ازدحام و تجمع مردم زیاد بود، بطوری که برای سجده جای کافی وجود نداشت و هر شخص بر پشت نفری که در جلوی او قرار داشت، سجده می‌کرد، جایز است یا خیر؟

پاسخ: آری! جایز است.

پرسش ۳۷۸: چه مقدار نشستن در قعده اخیره فرض است؟

پاسخ: به مقداری که «التَّحِيَّات» کاملاً خوانده شود، یعنی تا «عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» نشستن فرض است.

پرسش ۳۷۹: «قعه اخیره» در چه نمازهایی فرض است؟

پاسخ: قعه اخیره، در تمام نمازهای فرض، سنت و نفل، فرض می‌باشد.

پرسش ۳۸۰: «واجبات نماز» به چه چیزهایی گفته می‌شود؟

پاسخ: «واجبات نماز» به اعمالی گفته می‌شود که: انجام آنها در نماز لازم و ضروری است. اگر یکی از آنها بر اثر فراموشی، در نماز ترک شود، برای جبران نماز باید سجده سهو بجا آورده شود و چنانچه سجده سهو بجا آورده نشد، یا این که عمداً واجبی ترک گردید، برگرداندن آن نماز، واجب است.

پرسش ۳۸۱: در نماز چند چیز واجب است؟

پاسخ: در نماز چهارده چیز واجب است:

۱- خواندن قرائت در دو رکعت اول از نمازهای فرض.

۲- خواندن سوره فاتحه در تمام رکعات نمازها به استثنای رکعت سوم و چهارم نمازهای فرضی.

۳- خواندن سوره با یک آیه بزرگ یا سه آیه کوچک پس از سوره فاتحه در دو رکعت اول نمازهای فرضی و در تمام رکعات نمازهای واجب، سنت و نفل.

۴- خواندن سوره فاتحه پیش از سوره.

۵- رعایت ترتیب میان قرائت، رکوع، سجده‌ها و رکعات نماز.

۶- «قومه» یعنی برخاستن از رکوع و کاملاً ایستادن.

۷- «جلسه» یعنی نشستن کامل در میان هر دو سجده.

۸- «تعديل ارکان» یعنی بجا آوردن رکوع، سجده و غیره با آرامش خاطر و اطمینان کامل.

۹- «قعه اولی» یعنی به مقدار تشهد پس از ادای دو رکعت از نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی نشستن.

- ۱۰- خواندن تشهد در هر دو قعه.
- ۱۱- خواندن قرائت با صدای بلند برای امام در نمازهای فجر، مغرب، عشاء، جمعه، عیدین، تراویح و وتر در رمضان. و خواندن آهسته در نمازهای ظهر، عصر و غیره.
- ۱۲- به پایان رسانیدن نماز با جمله «السلام علیکم».
- ۱۳- گفتن تکبیر در نماز وتر برای قنوت و خواندن قنوت.
- ۱۴- گفتن تکبیر زواید در نماز هر دو عید.

سنتهای نماز:

- پرسش ۳۸۲: «سنتهای نماز» به چه اعمالی گفته می‌شود؟
- پاسخ: آنچه از رسول گرامی اسلام ﷺ در نماز ثابت شده است که اهمیت آنها در حد فرض و واجب نیست به آن، سنت گویند.
- اگر از سنتهای نماز یکی فراموش شد، سجده سهو لازم نمی‌شود و در نماز هم خللی وارد نمی‌شود. و اگر عمداً ترک شود، باز هم خللی در نماز ایجاد نمی‌شود، ولی تارک آن، مستحق سرزنش و ملامت خواهد بود.
- پرسش ۳۸۳: در نماز چند سنت وجود دارد؟
- پاسخ: در نماز بیست و یک سنت وجود دارد:
- ۱- بالا بردن هر دو دست تا گوشها پیش از گفتن تکبیر تحریمه.
 - ۲- انگشتان هر دو دست را به حال خود گذاشتن و به جانب قبله قرار دادن.
 - ۳- به هنگام گفتن تکبیر تحریمه سر را تکان ندادن.
 - ۴- گفتن تکبیر تحریمه و سایر تکبیرهای انتقالی برای امام با صدای بلند بطوری که همه مقتدیها متوجه شوند.

- ۵- دست راست را بر دست چپ، در زیر ناف قرار دادن.
- ۶- خواندن سبحانک اللهم تا آخر.
- ۷- خواندن أعوذ بالله من الشیطن الرجیم.
- ۸- خواندن بسم الله الرحمن الرحیم.
- ۹- خواندن سوره فاتحه در رکعت سوم و چهارم نمازهای فرضی.
- ۱۰- آمین گفتن.
- ۱۱- آهسته خواندن ثنا، تعوذ، تسمیه (سبحانک اللهم، أعوذ بالله، بسم الله).
- ۱۲- خواندن قرائت مسنون در نمازها به گونه‌ای که از سنت ثابت شده است.
- ۱۳- خواندن تسبیح سه بار در رکوع و سجده.
- ۱۴- در حال رکوع سر را با پشت مساوی و یک نواخت قرار دادن و گرفتن هر دو زانو با انگشتان هر دو دست.
- ۱۵- گفتن «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» برای امام در «قَوْمَهُ» و «رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ» برای مقتدی و هر دو برای کسی که تنها نماز می‌خواند.
- ۱۶- در موقع رفتن به سجده نخست هر دو زانو را، سپس هر دو دست و سپس پیشانی را بر زمین گذاشتن
- ۱۷- پای چپ را در «قَعْدَهُ» و «جَلْسَهُ» گستردن و بر آن نشستن و پای راست را طوری گذاشتن که انگشتان آن به سوی قبله متوجه باشند و گذاشتن هر دو دست بر رانها.
- ۱۸- بلند کردن انگشت شهادت در تشهد در وقت خواندن «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ».
- ۱۹- خواندن درود در قعده اخیر پس از تشهد.
- ۲۰- خواندن دعا پس از درود.
- ۲۱- نخست به سمت راست و سپس به سمت چپ سلام گفتن.

مستحبات نماز:

پرسش ۳۸۴: در نماز چند چیز مستحب است؟

پاسخ: در نماز پنج چیز مستحب است:

- ۱- بیرون کردن هر دو دست از آستینها در وقت گفتن تکبیر تحریمه.
- ۲- تکبیر گفتن بیش از سه بار برای منفرد در رکوع و سجده.
- ۳- قرار دادن نگاه خویش در قیام بر محل سجده و در رکوع بر پشت قدمها و در جلسات و قعده بر سینه و در وقت سلام گفتن بر شانه‌های خویش.
- ۴- دفع سرفه حتی الامکان در نماز.
- ۵- دهان را بسته نگه داشتن به هنگام خمیازه و اگر باعث ناراحتی و اضطراب خاطر شد، در حال قیام دست راست را و در بقیه اوقات پشت دست چپ را بر دهان قرار دادن.

روش کامل خواندن نماز:

کسی که اراده خواندن نماز را می‌کند، نخست بدن خویش را از «حدث اکبر» و «أصغر» و از نجاستهای ظاهری پاک کرده، لباسهای پاکیزه بپوشد و در جای پاکی رو به قبله به گونه‌ای بایستد که میان هر دو قدم او به اندازه چهار انگشت یا نزدیک به آن فاصله باشد، آنگاه نیت نمازی را که می‌خواهد بخواند، در دل خویش بکند و اگر با زبان هم نیت کرد، خوب است. مثلاً چنین نیت کند که: این نماز ظهر را برای خدا می‌خوانم. آنگاه هر دو دست را تا برابر گوشها بلند کند بطوری که کف دستها و انگشتان به طرف قبله قرار گیرند و انگشتان را گشاده نگه دارد و تکبیر گوید و دست راست را بر دست چپ در زیر ناف قرار دهد.

کف دست راست را بر پشت دست چپ بگذارد و انگشت کوچک ابهام را حلقه کرده میچ دست چپ را نگه دارد به گونه‌ای که سه انگشت دیگر دست راست بر پشت دست چپ مقداری بالاتر از میچ دست قرار گرفته باشد، نگاهش را بر محل سجده قرار داده، بطور آهسته شروع به خواندن ثناء بکند. پس از ثناء، تعوذ و تسمیه خوانده سوره فاتحه را بخواند. چون سوره فاتحه به پایان رسید، آهسته آمین گوید. آنگاه یک سوره یا یک آیه بزرگ یا سه آیه کوچک بخواند. این در صورتی است که تنها نماز می‌خواند. و اگر پشت سر امام نماز بخواند. فقط سبحانک اللهم را خوانده خاموش بایستد. تعوذ، تسمیه، سوره فاتحه و دیگر سوره‌ای نخواند. سپس الله اکبر گفته به رکوع رود، و در رکوع سعی کند سر را با پشت خویش مساوی و برابر نگه دارد و هر دو زانو را با انگشتان هر دو دست محکم بگیرد. در رکوع به گونه‌ای مساوی قرار گیرد که اگر یک لیوان آب بر پشتش گذاشته شود، نیفتد. دستها را از پهلوها دور نگه داشته سه یا پنج بار تسبیح بخواند، آنگاه سر از رکوع بلند کرده، تسمیع و تمجید گوید (امام فقط تسمیع گوید و مقتدی فقط تمجید، منفرد هر دو را گوید). باز تکبیر گفته به سجده رود. نخست هر دو زانو سپس دستها، سپس بینی و سپس پیشانی را بر زمین بگذارد. صورتش را در میان هر دو دست گذاشته، بطوری که دو انگشت ابهام با گوشها مساوی باشند. انگشتان را به هم بچسباند تا سر آنها به طرف قبله قرار گیرد. بازوها را از پهلوی و شکم را از رانها دور نگه دارد و بازوها را بر زمین نگستراند.

سه یا پنج بار در سجده تسبیح گوید. آنگاه نخست پیشانی سپس بینی و سپس دستها را بلند کرده تکبیر گوید و کاملاً بنشیند. باز تکبیر گوید و به سجده دوم برود. دوباره تکبیر گفته نخست پیشانی و سپس بینی و پس از آن، دستها و همچنین زانوها را بلند کرده، روی پنجه‌های پاها مستقیماً بلند شده بایستد و دوباره دستها را ببندد و بسم الله گفته سوره فاتحه را به همراه سوره‌ای دیگر بخواند. اگر پشت سر امام باشد، خاموش بایستد و قرائت نخواند باز

همانند رکعت قبل به همان صورت، رکوع، قومه، سجده، جلسه و سجده کند. هنگامی که از سجده دوم بلند شود، پای چپ را بگستراند و بر آن بنشیند و پای راست را نصب کند به گونه‌ای که سر انگشتان به طرف قبله متوجه باشند و هر دو دست را روی رانها بگذارد و التحیات را بخواند، هنگامی که به «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» برسد، ابهام دست راست را با انگشت دیگر ببندد و چون «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» گوید، انگشت شهادت را بالا برد و به هنگام «إِلَّا اللَّهُ» پایین آورد و تا آخر نماز دو انگشت مزبور را بصورت گره کرده، نگه دارد.

پس از اختتام تشهد اگر نماز دو رکعتی باشد، درود و دعا بخواند، آنگاه نخست به طرف راست و سپس به طرف چپ سلام گوید. در حین سلام گفتن به سمت راست، افرادی که در سمت راست وی قرار دارند و فرشتگان سمت چپ را نیت کند و امام در هر سمتی که قرار دارد، امام را هم در همان سمت نیت کند و امام در هر دو سلام خویش مقتدیها را نیت کند.

اگر نماز سه یا چهار رکعتی باشد، پس از تشهد درود بخواند، بلکه فوراً تکبیر گفته به طرف قیام بلند شود و رکعت سوم و چهارم را اگر نماز فرض یا واجب یا سنت و نفل باشد، طبق ضابطه هر یک به پایان رسانده، سلام بدهد. پس از سلام دعای ذیل را بخواند: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»^۱، «اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ، وَشُكْرِكَ، وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ»^۲. خواندن این دعا هم مسنون است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا

۱ - ترجمه: «الهی تو سلامی، و سلامتی از جانب تو است، تو بسیار بابرکتی، ای صاحب عظمت و بزرگی».

۲ - ترجمه: «بار الها! به من توفیق بده تا تو را یاد کنم، و سپاس گویم، و به بهترین روش، بندگی نمایم».

شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ! آمين.

۱ - ترجمه: «معبودی «بحق» بجز الله، وجود ندارد. شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، ستایش شایسته‌ی اوست، و او بر هر چیزی توانا است، الهی! آن چه تو بدهی، هیچ کس مانع آن نمی‌گردد، و آنچه تو منع کنی، هیچ کس نمی‌تواند آنرا بدهد. توانگر، او را ثروتش از عذاب تو نجات نمی‌دهد، و «تمامی شکوه و» ثروت از آن تو است».

(يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُتِلَ أَنْفُسُكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا) (تحریم / ۶).

«ای آنانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌تان را از آتش جهنم برهانید!»

بخش چهارم

قسمت اول: عقاید اسلامی

توحید:

پرسش ۳۸۵: معنای لفظ «الله» چیست؟

پاسخ: «الله» نام آن ذات یکتایی است که واجب الوجود و دارای تمام صفات کمالیه است.

پرسش ۳۸۶: «واجب الوجود» چه معنایی دارد؟

پاسخ: «واجب الوجود» به موجودی گفته می‌شود که: وجودش واجب و ضروری و عدم وجودش محال باشد.

موجودی که واجب الوجود باشد از قدیم موجود بوده و برای همیشه موجود خواهد بود. برای او نه آغازی و نه انتهایی می‌توان تصور کرد. در هیچ زمانی نیست و نابود نمی‌شود. به ذات و خودی خود موجود بوده است و در وجود خویش به دیگر موجودی، نیازمند و محتاج نیست.

چون کسی که در وجود و بقای خویش نیازمند به دیگری بوده برایش به وجود آورنده‌ای باشد، نمی‌تواند واجب الوجود باشد. پس بر اساس تعالیم عالیه اسلام، «واجب الوجود» فقط ذات یگانه و بی‌همتای خداوند متعال است و موجودی دیگر در عالم، واجب الوجود نبوده و نخواهد بود.

پرسش ۳۸۷: صفات کمالیه به چه صفاتی گفته می‌شود؟

پاسخ: خداوند متعال واجب الوجود است و برای واجب الوجود کمال ذاتی ضروری است. لذا تمام صفاتی را که برای کمال ذاتی لازم و ضروری است، صفات کمالیه می‌نامند.

پرسش ۳۸۸: به موجودی که همواره وجود داشته و برای همیشه وجود خواهد داشت، چه می‌گویند؟

پاسخ: چنین موجودی را «قدیم» می‌نامند.

پرسش ۳۸۹: بجز خداوند چه چیزهایی قدیم هستند؟

پاسخ: بجز از ذات خداوند و تمام صفات او دیگر هیچ چیزی قدیم نیست.

پرسش ۳۹۰: هنگامی که بجز خداوند هیچ موجودی از ازل وجود نداشته، پس خداوند زمین و آسمان را چگونه آفریده است؟

پاسخ: خداوند تمام جهان را با حکم و قدرت خویش آفریده است، او برای آفرینش جهان و زمین و آسمان نیازی به چیزی نداشته و نخواهد داشت. زیرا اگر خداوند برای آفرینش جهان به کسی یا به چیزی نیازمند می‌بود، دیگر واجب الوجود نبود.

مسلم است که خداوند واجب الوجود است. و واجب الوجود در هر امری از امور و کارهای خویش نیازمند شخصی یا چیزی نیست.

پرسش ۳۹۱: صفات کمالیه خداوند را نام ببرید؟

پاسخ: صفات کمالیه او عبارتند از: «وحدت»، «قدیم»، «وجوب وجود»، «حیات»، «قدرت»، «علم»، «اراده»، «سمع»، «بصر»، «کلام»، «خلق»، «تکوین» و....

پرسش ۳۹۲: «وحدت» چه معنی و مفهومی دارد؟

پاسخ: «وحدت» یعنی - یکتا بودن، یکتایی، یکی از صفات خداوند است و او در ذات و صفات خویش یکتا است. توحید هم همین معنی را دارد. یعنی خدا را به یگانگی شناختن و به آن یقین و اعتراف کردن.

پرسش ۳۹۳: مفهوم «قدیم» و «وجوب وجود» چیست؟

پاسخ: قدیم یعنی از ازل تا به ابد موجود بودن. و وجوب وجود یعنی واجب الوجود بودن که معنی و مفهوم آن قبلاً بیان گردید.

پرسش ۳۹۴: مفهوم ازلی و ابدی چیست؟

پاسخ: «ازلی» یعنی اینکه ابتدا و آغازی نداشته، و ابدی یعنی انتها و پایانی ندارد. به عبارت دیگر: موجودی است که همواره بوده و برای همیشه نیز خواهد بود. پس خداوند متعال، ازلی و ابدی است و «قدیم» بر همین معنی اطلاق می‌شود.

پرسش ۳۹۵: «حیات» چه مفهومی دارد؟

پاسخ: «حیات» یعنی زندگی، خداوند همیشه زنده بوده و زندگی همیشه برای او ثابت است.

پرسش ۳۹۶: «قدرت» چه معنایی دارد؟

پاسخ: قدرت به معنای توان. خداوند بر آفرینش عالم و ایجاد نظم آن توانا بوده و بر نابود کردن و دوباره به وجود آوردن آن هم قادر و تواناست.

پرسش ۳۹۷: صفت «علم» چگونه برای خداوند ثابت است؟

پاسخ: «علم» به معنای دانستن است. و خداوند بر همه چیز دانا است و هیچ چیزی از احاطه علمی وی خارج نیست، خواه بزرگ و خواه کوچک باشد. به هر شیئی قبل از وجود آن و بعد از نابودی آن علم کامل دارد.

از حرکت کوچک‌ترین مورچه، در قلب شب تاریک به خوبی آگاه است. هر نوع تصور و خیالی که در ذهن آدمی پدیدار شود، به آن آگاه و از آن با خبر است، پس علم غیب مختص ذات خداوند متعال است و بس!

پرسش ۳۹۸: «اراده» چه معنایی دارد؟

پاسخ: «اراده» یعنی با اختیار خویش عملی را انجام دادن. خداوند هر چیزی را که بخواهد انجام دهد، با اختیار و مشیت خویش انجام می‌دهد. و اگر بخواهد آن را نابود کند، با اختیار و اراده خویش نابود می‌کند.

تمام تحولات و مسایل جهان مطابق اختیار و اراده او به وقوع می‌پیوندد، هیچ امری از امور جهان از حیطه اختیار و اراده او خارج نیست و نیز در انجام هیچ امری هم مجبور نمی‌باشد.

پرسش ۳۹۹: صفت «سمع» و «بصر» چه معنا و مفهومی دارد؟

پاسخ: سمع به معنای «شنیدن» و بصر به معنای «دیدن» یعنی خداوند هر حرفی را می‌شنود و هر چیزی را می‌بیند، ولی همانند مخلوقات نیست که، دارای گوش و چشم باشد و نمی‌توان برای شنیدن و دیدن وی، چشم و گوشی تصور نمود. همچنین شنوایی‌اش در حدی است که صدای بسیار ضعیف را می‌شنود و بینایی‌اش در حدی است که اشیاء بسیار ریزه و کوچک را هم می‌بیند. برای شنیدن و دیدن وی دوری و نزدیکی، تاریکی و روشنایی هیچ فرق ندارد.

پرسش ۴۰۰: صفت «کلام» چه معنایی دارد؟

پاسخ: کلام به معنای «سخن و حرف زدن» است. یعنی خداوند متعال سخن گوینده است و این صفت برایش ثابت است. اما همانند مخلوقات نیست که دارای زبانی باشد.

پرسش ۴۰۱: وقتی خداوند متعال دارای زبانی نیست، پس چگونه سخن می‌گوید؟

پاسخ: مخلوقات بدون زبان نمی‌توانند حرف بزنند، چون مخلوقات در تمام کارهای خویش نیازمند اسباب و وسایل هستند. ولی خداوند متعال همانگونه که در هیچ کاری نیازی به اسباب و وسایل ندارد، برای تکلم و حرف زدن هم نیازی به زبان ندارد، اگر او هم برای صحبت کردن به زبانی نیاز می‌داشت، پس واجب الوجود نمی‌بود.

پرسش ۴۰۲: صفت «خلق» و «تکوین» چه مفهومی دارند؟

پاسخ: «خلق» یعنی «آفریدن» و «تکوین» یعنی «به وجود آوردن» این دو صفت نیز، برای خداوند متعال ثابت‌اند. زیرا فقط او خالق و مُکَوِّن (به وجود آورنده) تمام جهان است.

پرسش ۴۰۳: آیا علاوه از صفتهای مزبور، صفتهای دیگری هم برای خداوند ثابت است یا خیر؟

پاسخ: آری! برای خداوند صفات دیگری هم وجود دارد، از قبیل میراندن، زنده کردن، رزق دادن، عزت دادن، خوار کردن و غیره. تمام صفات خداوند همانند ذات او ازلی، ابدی و قدیم اند و در آنها هیچگونه تغییر و تبدیل و کمی و بیشی امکان ندارد.

کتابهای آسمانی:

پرسش ۴۰۴: در تعلیمات اسلامی چنین گفته شده است که: قرآن در مدت بیست و سه سال نازل شده، در صورتی که خداوند در قرآن می فرماید: (شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ) (بقره / ۲۳). یعنی: «ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل گردیده است». از این آیه معلوم می شود که قرآن در ماه رمضان نازل شده است. و در جای دیگر فرموده: (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) (قدر / ۱). «ما قرآن را در شب قدر فرود آوردیم». از این معلوم می شود که قرآن در شب قدر نازل شده است. حالا سؤال اینجا است که این سه گفتار با هم متضادند. کدام یک از آنها صحیح است؟

پاسخ: این هر سه گفتار صحیح اند و هیچگونه تضادی وجود ندارد. به دلیل این که: قرآن در دو مرحله نازل شده است. نخست از لوح محفوظ به آسمان دنیا دوم از آسمان دنیا بر حضرت رسول اکرم ﷺ بطور تدریجی و آهسته بر حسب نیازها. در دو آیه قرآن مراد از نزول، نزول اول است یعنی قرآن در یک دفعه از لوح محفوظ بر آسمان دنیا در ماه مبارک رمضان و در شب قدر نازل شده است.

و مراد از نزول آن در مدت بیست و سه سال، این است که: از آسمان دنیا بر حسب ضرورت و نیازها بر پیامبر گرامی ﷺ نازل شده، لذا هیچگونه تضاد و تناقضی در میان آیه‌های فوق وجود ندارد.

پرسش ۴۰۵: نزول قرآن در کجا آغاز شد؟

پاسخ: در مکه مکرمه کوهی است به نام «جرأ» که در آن غاری وجود دارد. پیامبر اکرم ﷺ برای عبادت و راز و نیاز با پروردگار خویش بدانجا می‌رفت و تا چند روز در همانجا مشغول عبادت الهی می‌شد. آذوقه چند روز را با خود می‌برد و هنگامی که آذوقه‌اش تمام می‌شد، به خانه باز گشته، مقداری آذوقه برداشته و دوباره به آنجا مراجعت می‌کرد و مشغول عبادت می‌شد. در تنهایی خدا را عبادت می‌کرد. در همان غار نزول قرآن مجید بر پیامبر ﷺ آغاز گشت.

پرسش ۴۰۶: نزول قرآن مجید چگونه آغاز شد؟

پاسخ: پیامبر بزرگوار در همان غار تشریف داشتند تا این که حضرت جبرئیل نزد ایشان آمد و در مقابل آن حضرت نمودار شد و به آن حضرت گفت: «اقْرَأْ» این اولین کلمه سوره علق است که معنایش هست «بخوان».

آن حضرت فرمودند: من خواننده نیستم. بار دوم و سوم این عمل تکرار شد. تا اینکه در پایان، جبرئیل شروع به خواندن این آیه‌ها کرد:

(اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾)

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (علق / ۱-۵). «پیامبر هنگامی که این آیه‌ها را از جبرئیل شنید، شروع به خواندن آنها نمود. و این اولین آیه‌هایی از قرآن هستند که به شرح مذکور بر پیامبر نازل شدند».

پرسش ۴۰۷: آیا قرآن مجید با همین ترتیب خاصی که اکنون دارد، نازل شده است؟
 پاسخ: خیر! ترتیب فعلی بر اساس ترتیب نازل شدن آن نیست زیرا که نزول قرآن بر حسب نیاز و ضرورتها انجام یافته است. البته هنگامی که سوره یا آیه‌ای نازل می‌شد، پیامبر اکرم ﷺ به نویسندگان وحی دستور می‌داد که این سوره را پس از فلان سوره قرار دهید، و این آیه را فلان جای پس از فلان آیه بگذارید. پس این وضع و ترتیب فعلی قرآن، گرچه به صورت ترتیب نزول آن نیست، اما طبق دستور و راهنمایی حضرت رسول اکرم ﷺ این چنین ترتیب داده شده است.

پرسش ۴۰۸: دستورها و راهنمایی‌هایی را که آن حضرت در مورد ترتیب و نوشتن قرآن مجید صادر می‌کرد، از طرف خودش بود یا به دستور و حکم خداوند متعال؟
 پاسخ: تعداد سوره‌ها، آغاز و پایان آنها و تعداد آیه‌های هر سوره و آغاز و پایان آیه، خلاصه، ترتیب کلی قرآن مجید را خداوند متعال به واسطه حضرت جبرئیل علیه السلام، به آگاهی و اطلاع پیامبر اکرم ﷺ رسانده است و به واسطه آن حضرت، این ترتیب خاص به ما رسیده و ما از آن آگاه گشته‌ایم.

پرسش ۴۰۹: بیش از سیزده قرن است (این مدت به اعتبار زمان مؤلف است - مترجم) که قرآن مجید نازل شده است، لذا چه دلیلی وجود دارد که قرآنی که در حال حاضر در دست ما مسلمانان است، عیناً همان قرآنی است که بر پیامبر اکرم نازل شده است؟
 پاسخ: برای این موضوع دلایل زیادی وجود دارد که ما ذیلاً به چند دلیل ساده و آسان اشاره می‌کنیم:

دلیل اول:

تواتر قرآن که از زمان پیامبر اکرم تا زمان حاضر عصر به عصر نقل گردیده، بزرگترین دلیل بر قطعیت و دست نخوردگی قرآن است. و آنچه از طریق تواتر ثابت شود چنان قطعی و یقینی است که جای هیچگونه شک و تردیدی در آن وجود ندارد.

پرسش ۴۱۰: «متواتر» و «تواتر» چه معنا و مفهومی دارند؟

پاسخ: به هر شیئی که نقل کنندگان آن چنان زیاد باشند که توهم نشود آنچه بیان می کنند دروغ و خلاف واقع باشد، «متواتر» و نقل به روش مذکور را «تواتر» می گویند. پس گروهها و انسانهای بی شماری قرآن مجید را از زمان پیامبر نقل کرده و به آیندگان رسانده اند و به همان طریق، دوره به دوره منتقل شده و اکنون به دست ما رسیده است و هیچ فرد عاقلی تصور و باور نمی کند که در طول تاریخ، انسانهای بی شماری مسئله ای را نقل کنند که واقعیت نداشته باشد.

دلیل دوم:

از زمان حضرت رسول اکرم ﷺ تا امروز میلیونها انسان در قرنهای مختلف حافظ قرآن بوده اند.

جامعه اسلامی امروز هم مفتخر به این است که قرآن مجید در سینه میلیونها اطفال معصوم و سربازان بزرگسال اسلام جایگزین گشته و محفوظ مانده است. کتابی که از زمان نزولش تا به حال، اینقدر انسان حافظ آن باشند، این بزرگترین دلیل بر حقانیت و اصالت آن خواهد بود.

دلیل سوم:

خداوند در قرآن مجید فرموده است: (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) (حجر / ۹). ترجمه: «همانا قرآن را فرود آورده ایم و از آن پاسبانی خواهیم کرد».

پس هنگامی که خداوند متعال حفاظت قرآن را متعهد شده است و وعده فرموده، بطور قطع و یقین ثابت می‌شود که قرآنی که در حال حاضر در میان مسلمین وجود دارد، همان قرآنی است که بر پیامبر اکرم از لوح محفوظ توسط جبرئیل نازل گردیده است و هیچگونه کم و کاستی در آن وجود ندارد و تا قیامت محفوظ خواهد ماند.

دلیل چهارم:

قرآن مجید در حین نزولش همه دانشمندان و روشنفکران جهان را به مبارزه طلبید و به آنها تحدی کرد بطوری که نه در عصرهای بعدی کسی توانست که همانند قرآن کتابی بیاورد و تا قیامت هم احدی نخواهد توانست. این خود بزرگترین دلیل بر حقانیت و اصالت و عدم تغییر در آن کتاب جاودانه انسان ساز است.

رسالت:

پرسش ۴۱۱: در قرآن مجید مذکور است: (وَإِنَّ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ) (فاطر / ۲۴).

«ترجمه: «هیچ اُمتی نیست مگر در آن بیم دهنده‌ای (پیامبری) مبعوث شده است». و در جای دیگر می‌فرماید: (وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) (رعد / ۷).

ترجمه: «برای هر قومی راهنمایی فرستاده شده است».

از این آیه‌ها به خوبی واضح و روشن می‌شود که در هر منطقه و کشوری از طرف خداوند پیامبری فرستاده شده است.

پرسش ۴۱۲: آیا مثلاً به هندوستان هم پیامبری مبعوث شده است؟

پاسخ: بدون تردید از آیه‌های فوق چنین معلوم می‌شود که خداوند برای هر اُمت و گروه، پیامبری فرستاده و بعید نیست که در روزگاران گذشته به خطه هندوستان هم پیامبری فرستاده شده باشد. والله أعلم.

پرسش ۴۱۳: آیا ممکن است که پیشوا و رهبر هندوها «کرشن جی» (رام چندر جی) در واقع پیامبرانی باشند که به سوی هندوها فرستاده شده‌اند؟

پاسخ: خیر، چنین پنداری صحیح نیست زیرا نبوت یک وظیفه و تکلیفی است که خداوند به بندگان خاص خود عنایت می‌کند. و تا زمانی که از طریق شرع مقدس اسلام برای ما معلوم نشود که چه کسانی پیامبر بوده‌اند، برای ما جایز و صحیح نیست که بر حسب پندار و تخمین افرادی را به پیامبری منسوب کنیم در حالی که آنها پیامبر نبوده‌اند. اگر ما بدون دلیل شرع از طرف خویش در این مورد اظهار نظر کنیم و افرادی را پیامبر بدانیم که در واقع پیامبر نبوده‌اند، مرتکب اشتباه بزرگی در عقیده خویش گشته‌ایم که در روز قیامت بر اثر ارتکاب آن، محاسبه و مؤاخذه خواهیم شد. پس از گذشتگان کسانی را می‌توانیم پیامبر بنامیم که نبوت آنها فقط از طریق شریعت مقدس اسلام برای ما ثابت شده باشد. و در قرآن یا احادیث صحیح به آنان پیامبر گفته شده است. در مورد پیشوایان هندوها و یا پیشوایان سایر ادیان و مذاهب، این قدر می‌توان اظهار نظر کرد که اگر عقاید و اعمال آنان صحیح بوده است و تعلیمات آنان بر خلاف تعلیمات آسمانی نبوده و انسانها را رهبری و راهنمایی کرده‌اند، ممکن است که پیامبر بوده باشند. ولی این سخن فقط در حد امکان و تخمین قابل قبول است و گرنه هیچ مدرک و دلیلی ندارد.

پرسش ۴۱۴: در مورد آن حضرت ﷺ چه عقیده‌ای باید داشت؟

پاسخ: در مورد ایشان به امور زیر باید معتقد بود:

۱- ایشان بنده خدا و بشر بوده‌اند.

- ۲- پس از خداوند متعال، از تمام مخلوقات افضل و برتر هستند.
- ۳- از تمام گناهان معصوم و پاک اند.
- ۴- خداوند قرآن مجید را بر ایشان نازل فرموده است.
- ۵- خداوند ایشان را در شب معراج به حضور و بارگاه خویش پذیرفت و در همان شب از بهشت و دوزخ بازدید فرمودند.
- ۶- آن حضرت به دستور و امر خداوند معجزه‌های متعددی به مردم نشان دادند.
- ۷- بیش از حد، خداوند را عبادت و پرستش می‌کردند.
- ۸- دارای اخلاق و عاداتی بس والا و پسندیده بودند.
- ۹- خداوند به وی علم و آگاهی بسیاری از احوال گذشتگان و آیندگان داده بود که ایشان اُمت خویش را از آنها آگاه ساختند.
- ۱۰- خداوند به ایشان بیش از تمام مخلوقات، علم و دانش عطا کرده بود، اما با همه اینها، عالم الغیب نبود، زیرا «عالم غیب» بودن مختص خداوند متعال و صفت حضرت اوست.
- ۱۱- وی خاتم الأنبیاء است که پس از ایشان پیامبری دیگر مبعوث نخواهد شد. البته حضرت عیسی علیه السلام که از پیامبران گذشته است، نزدیک به قیامت از آسمان فرود آید و از شریعت اسلام اتباع و پیروی کند.
- ۱۲- آن حضرت پیامبر انسانها و جنها است.
- ۱۳- ایشان در روز قیامت با اجازه خداوند برای محرومان و خطاکاران شفاعت و سفارش می‌کنند. بدین لحاظ وی را «شَفِیعُ الْمُذْنِبِینَ»، (سفارش کننده گناهکاران) می‌گویند و خداوند هم شفاعت آن حضرت را خواهند پذیرفت.
- ۱۴- انجام چیزهایی که امر کرده و دستور داده است و باز آمدن از چیزهایی که منع فرموده و باور و یقین داشتن به چیزهایی که خبر داده است، لازم و ضروری است.

۱۵- محبت با او و تعظیم و گرامیداشت وی بر عهده تک تک اُمّت واجب است، ولی محبت و گرامیداشت او باید در چهارچوب و اصول شرع و موافق با قواعد و ضوابط آن باشد.

مسایل خلاف شرع را لباس محبت و تعظیم پوشیدن. جهالت و نادانی است (بلکه در واقع، عداوت و دشمنی با آن حضرت خواهد بود).

پرسش ۴۱۵: معنا و مفهوم «مَعْصُوم» بودن چیست؟

پاسخ: «مَعْصُوم» بودن یعنی هیچگونه گناهی چه صغیره و چه کبیره‌ای، قصداً و یا بطور فراموشی از آن حضرت سر نزده است. و تمام پیامبران از هر نوع گناه معصوم و مبرا هستند.

پرسش ۴۱۶: معراج پیامبر جسمانی بوده یا در عالم خواب و رؤیا بوده است؟

پاسخ: پیامبر اکرم ﷺ در حال بیداری با جسم و جان مبارک خویش به معراج رفتند.

البته چند مرتبه در عالم خواب و رؤیا هم به معراج برده شدند که آن را معراج «مَنَامِی» می‌گویند، چون «مَنَام» به معنای خواب است. خواب آن حضرت و تمام پیامبران ﷺ راست و صحیح است. و شبهه اشتباه و خطا در آن وجود ندارد.

پس در یک بار «معراج جسمانی» و در حال بیداری بوده و چهار یا پنج بار معراج «مَنَامِی» - در خواب» بوده است.

پرسش ۴۱۷: «شفاعت» چه مفهومی دارد؟

پاسخ: «شفاعت» یعنی سفارش. در روز قیامت آن حضرت به بارگاه خداوند متعال برای بندگان مجرم و خطاکار سفارش می‌کنند. هر چند که این شرف و فضل، نصیب آن حضرت شده است اما ایشان، ادب جلال و کبریایی خداوند را به جا آورده، بدون اجازه، اقدام به شفاعت نمی‌کنند بلکه نخست از محضر خداوند متعال کسب اجازه نموده، پس از اینکه اجازه عنایت شود، شفاعت می‌کنند.

پرسش ۴۱۸: علاوه بر آن حضرت، کسان دیگری هم در روز قیامت شفاعت می کنند یا خیر؟

پاسخ: آری، علاوه بر ایشان، سایر پیامبران، شهیدان، اولیاء و دوستان خدا هم با اجازه خداوند، شفاعت می کنند. ولی بدون اجازه خداوند، احدی توان و قدرت شفاعت را نداشته و شفاعت نمی کند.

پرسش ۴۱۹: شفاعت برای عفو و بخشیدن چه گناهایی صورت می گیرد؟
پاسخ: به جز کفر و شرک برای هر گناه دیگری شفاعت می شود. کسانی که مرتکب گناهان کبیره شده اند، بیشتر محتاج و نیازمند شفاعت اند، زیرا گناهان صغیره در دنیا بر اثر انجام عبادات هم بخشوده می شوند.

ایمان و اعمال صالحه:

پرسش ۴۲۰: «ایمان» یعنی چه؟

پاسخ: «ایمان» عبارت است از تصدیق و باور قلبی به ذات یگانه خداوند متعال و تمام صفات وی و به فرشتگان و کتابهای آسمانی و تمام پیامبران و پذیرفتن تمام دستورهایی که پیامبر اسلام، حضرت محمد ﷺ از طرف خداوند برای انسانها آورده است. و با زبان هم اقرار و اعتراف کردن به تمام موارد یاد شده.

همین تصدیق قلبی و اعتراف زبانی، بیانگر ماهیت و حقیقت ایمان است. ولی گاهی اعتراف با زبان به خاطر ضرورت و اجبار ساقط می شود. مانند ایمان شخصی که گنگ است و با زبان نمی تواند اعتراف کند و یا کسی که جانش در خطر است.

پرسش ۴۲۱: «اعمال صالحه» به چه چیزهایی گفته می‌شود؟

پاسخ: «اعمال صالحه» یعنی کارهای نیک و خوب. عبادتها و کارهایی را که خداوند و پیامبرانش به انسانها آموخته‌اند، به آنها «اعمال صالحه» گفته می‌شود.

پرسش ۴۲۲: آیا کارهای نیک و اعمال صالحه در حقیقت ایمان داخل‌اند؟

پاسخ: آری! در «ایمان کامل»، اعمال صالحه داخل هستند. از اعمال صالحه، در ایمان آدمی نور و تبلور و کمال پیدا می‌شود و اگر اعمال صالحه نباشند، در ایمان، نقص و خلل وجود دارد.

پرسش ۴۲۳: «عبادت» چه مفهومی دارد؟

پاسخ: عبادت یعنی بندگی کردن. معبود واقعی همه ما، ذات یگانه خداوند متعال است که ما و همه جهانیان را آفریده است. پس همه ما بنده و فرمانبردار او هستیم. او به ما دستور عبادت و بندگی داده است. لذا عبادت و بندگی او بر عهده ما فرض می‌باشد.

پرسش ۴۲۴: خداوند به کدام یک از مخلوقات خویش دستور عبادت داده است؟

پاسخ: خداوند به انسانها و جن‌ها دستور عبادت داده است. و به این دو نوع مخلوق، «مُکَلَّف» گفته می‌شود. فرشتگان و سایر جانداران جهان «مُکَلَّف» و مَوْظَّف به عبادت نیستند.

پرسش ۴۲۵: جن‌ها چه کسانی هستند؟

پاسخ: جن از موجودات و مخلوقات خداوند است که از آتش خلق شده است، اجسام جن‌ها چنان لطیف و نازک است که برای ما قابل رؤیت نیست، ولی هنگامی که به شکل انسان و یا حیوانی در آیند، قابل رؤیت خواهند شد. خداوند به آنها این قدرت و توان را داده است که به شکلهای گوناگون در آیند. در جن‌ها هم مرد و هم زن وجود دارد و همانند انسانها توالد و تناسل دارند.

پرسش ۴۲۶: اصولاً روش عبادت کردن چگونه است؟

پاسخ: عبادت دارای روشهای گوناگون است که قسمتی از آن به شرح ذیل است:

- ۱- خواندن نماز.
- ۲- روزه گرفتن.
- ۳- به حج رفتن.
- ۴- قربانی کردن.
- ۵- اعتکاف نشستن.
- ۶- زکات دادن.
- ۷- امر به معروف.
- ۸- نهی از منکر.
- ۹- آداب و احترام پدر و مادر و اساتید و از خود بزرگترها را به جا آوردن.
- ۱۰- بنا و ساختن مساجد.
- ۱۱- ساختن مدارس.
- ۱۲- آموختن علم و دانش دین.
- ۱۳- به دیگران علم دین آموختن.
- ۱۴- همکاری و کمک با طلاب علوم دینی.
- ۱۵- با دشمنان خدا در راه خدا جنگیدن.
- ۱۶- بر آوردن نیاز و حاجت مستمندان.
- ۱۷- به گرسنگان طعام دادن.
- ۱۸- به تشنگان آب نوشانیدن.

۱۹- علاوه بر موارد یاد شده، انجام هر کاری که برای خدا و موافق دستورهای او باشد، همه اینها در عبادت داخل اند و به این نوع کارها «اعمال صالحه» گفته می شود.

بیان معصیت و گناهان:

پرسش ۴۲۷: «معصیت» یعنی چه؟

پاسخ: «معصیت» یعنی نافرمانی کردن و دستور نپذیرفتن. در هر کاری که از دستورهای خداوند سرپیچی و نافرمانی شود، به آن معصیت می گویند. ارتکاب گناه، کار زشت و ناپسندی است. گناه باعث خشم و نارضایتی خداوند متعال می شود و عذاب وی را به دنبال دارد. بزرگترین گناه از میان انواع گناهان، کفر و شرک است. کافر و مشرک برای همیشه در دوزخ باقی خواهد ماند. برای کافر و مشرک احدی شفاعت نمی کند. خداوند در قرآن مجید فرموده است: «من هرگز کافر و مشرک را نخواهم بخشید!»

بیان کفر و شرک:

پرسش ۴۲۸: «کفر» و «شرک» به چه چیزی گفته می شود؟

پاسخ: به هر چیزی که ایمان آوردن به آن فرض و ضروری باشد، انکار آن «کفر» است. مثلاً اگر کسی خداوند را قبول نداشته باشد، یا صفات او را منکر شود، و یا معتقد به تعدد خدایان باشد، فرشتگان را انکار کند، یا یکی از کتابهای آسمانی را قبول نکند یا پیامبری را قبول نکند یا منکر تقدیر و قیامت باشد، یا یکی از احکامهای قطعی و یقینی را منکر شود، یا سخن و خبر حضرت رسول اکرم ﷺ را انکار نموده و دروغ پندارد در تمام موارد یاد شده، کافر می شود.

«شرک» یعنی با ذات و یا صفات خداوند کسی یا چیزی را شریک کردن.

پرسش ۴۲۹: شریک گرفتن با ذات خداوند متعال یعنی چه؟
 پاسخ: با ذات خداوند شریک قایل شدن یعنی این که به وجود بیش از یک خدا و یک معبود، معتقد بودن مانند مسیحیان که به واسطه قایل بودن به سه خدا، مشرک هستند. زردشتیها به واسطه معتقد بودن به دو خدا مشرک، و هندوها به واسطه معتقد بودن به خدایان متعدد، «مشرک» هستند.

پرسش ۴۳۰: شریک و همتا قرار دادن در صفات خداوند چگونه است؟
 پاسخ: صفتی که برای خداوند ثابت است، ثابت کردن آن برای دیگران نیز شرک است. چون در هیچ مخلوقی چه «پیامبر» باشد و یا «فرشته»، «ولی»، «شهید»، «امام» و غیره صفتی همانند صفات خداوند، وجود ندارد.

پرسش ۴۳۱: «شرک فی الصفات» دارای چند قسم است؟
 پاسخ: اقسام بسیاری دارد که در اینجا به بیان چند قسم آن بسنده می‌کنیم:
 ۱- شرک «در قُدْرَت» یعنی صفت قدرت را که برای خداوند ثابت است، برای دیگران ثابت کردن. مانند این که: معتقد بود که در قدرت و توان فلان پیامبر، ولی، شهید، امام و غیره فرود آوردن باران یا شفا دادن یا فرزند دادن، یا میراندن هست، یا می‌توانند نوعی نفع و ضرر به مخلوقات برسانند، همه اینها شرک است.

۲- شرک «در علم» یعنی صفت علم را که برای خداوند ثابت است، برای دیگران ثابت کردن و چنین پنداشتن که فلان پیامبر یا امام یا شخص دیگر همانند خداوند، «عالم غیب» است. یا علم به تمام مسایل جزئی دارد، یا از تمام احوال ما آگاه است یا به مسایل حاضر و آینده علم و آگاهی دارد تمام این عقیده‌ها «شرک» است.

۳- شرک «در شنیدن و دیدن» یعنی دو صفت، «سَمْع و بَصَر» که مختص خداوند اند، برای کسی ثابت کردن و چنین معتقد بودن که فلان انسان (در هر مقامی که باشد) تمام حرفها و

صحبت‌های ما را چه از دور و چه از نزدیک می‌شنود یا کارهای ما را از هر جا که باشد، مشاهده می‌کند و زیر نظر دارد، همه اینها شرک‌اند.

۴- شرک «در حکم» یعنی همانند خداوند کسی دیگر را حاکم دانستن و دستورهای او را مانند احکام خداوند دانستن و پذیرفتن.

مثلاً کسی دستور داد که این کار را پیش از نماز عصر باید انجام دهی. این دستور وی را چنان مهم و قابل توجه دانستن که به خاطر اجرای آن، نماز عصر که یکی از احکام و فرایض خداوندی است، قضاء شود. و یا در وقت مکروه خوانده شود و هیچ باک و هراسی از این مسئله هم نداشته باشد، این عمل یک نوع شرک است.

۵- شرک «در عبادت» یعنی کسی دیگر را همانند خداوند شایسته عبادت دانستن. مثلاً سجده یا رکوع کردن برای یک انسان، یا طواف و سجده قبر یک انسان (ولو اینکه پیامبر و امام هم باشد). یا روزه گرفتن به نام پیامبر، امام، ولی و غیره، یا ذبح گوسفند به نام و به خاطر آنها.

تمام این موارد در «شرک فی العبادت» داخل‌اند.

پرسش ۴۳۲: علاوه بر امور بیان شده، اعمال شرک‌آمیز دیگری هم وجود دارد یا خیر؟ پاسخ: آری، اعمال بسیاری هستند که در آنها احتمال شرک موجود است، و اجتناب از آن لازم است. قسمتی از آنها به شرح زیر می‌باشد.

۱- تحقیق و پرسیدن مسایل غیبی از «کاهنان» و «منجم‌ها»

۲- مراجعه به فال گیران و فال گرفتن از آنها.

۳- بردن نذرها بر سر قبرها.

۴- به نام غیر خدا قسم خوردن.

۵- بدون ضرورت شرعی عکس گرفتن و یا تعظیم و اکرام عکسها و مجسمه‌ها.

۶- مشکل گشا دانستن کسی غیر از خدا، و ندأ کردن او.

۷- برپایی مجالس و جشن بر سر قبرها و تقسیم شیرینی و غیره در آنجا.

بیان بدعتها:

پرسش ۴۳۳: پس از کفر و شرک بزرگترین گناه چیست؟

پاسخ: پس از کفر و شرک، بزرگترین گناه «بدعت» است. «بدعت» به آن اعمالی گفته می شود که: اصل و ریشه آنها در شریعت ثبوتی ندارد. یعنی از قرآن و احادیث پیامبر ﷺ ثابت نمی شود و در زمان صحابه، تابعین، تبع تابعین و ائمه هم وجودی نداشته است. چنین کاری را جزو دین قرار دادن و آن را انجام دادن «بدعت» است.

«بدعت» بسیار زشت و نارواست. پیامبر عظیم الشان بدعت را مردود دانسته و اهل بدعت را «منهدم کننده و ویران کننده دین» نامیده و فرموده است:

«هر بدعت، نوعی گمراهی است و هر گمراهی آدمی را به سوی جهنم پیش خواهد برد».

پرسش ۴۳۴: پاره‌ای از کارهایی که بدعت‌اند، شرح دهید؟

پاسخ: در طول تاریخ، انسانها بدعت و نوآوری‌های زیادی ایجاد کرده‌اند ذیلاً به بیان چند نوع از آن اشاره می شود:

۱- ساختن قبرها با آجر، سیمان، سنگ و غیره.

۲- ساختن گنبد بر سر قبرها.

۳- برپایی مجالس جشن و سرور در سالگرد تولد پیامبر، ائمه و غیره.

۴- روشن کردن لامپها بر قبرها و چراغانی کردن آنها.

۵- پوشاندن قبرها با چادر.

۶- تهیه و تدارک طعام و غذا در خانه اهل میت پس از مرگ و اجتماع مردم در آنجا و خوردن از آن غذاها.

۷- تعیین شرایط در هر امر جایز و مستحب هم بدعت است.

۸- برپایی مجالس جشن و سرور و انجام خرافات در مجالس عروسی.

بیان سایر گناهان:

پرسش ۴۳۵: علاوه بر «کفر»، «شرک» و «بدعت» دیگر چه کارهایی گناه هستند؟

پاسخ: گناهان بسیاری وجود دارد مانند:

دروغ گفتن، نماز نخواندن، روزه نگرفتن، زکات ندادن، با وجود مال و توانایی بر حج، حج نکردن. شراب خوردن، دزدی، زنا، غیبت، شهادت دروغین، زدن و اذیت کردن کسی به ناحق، نمایی و سخن چینی، مکاری و حيله گری، تخلف و سرپیچی از دستور والدین و استاد، قرار دادن عکس و تصویر جاندار و مجسمه در خانه‌ها و مغازه‌ها، خیانت در امانت، حقیر شمردن و حقیر دانستن مردم، قمار بازی، فحش و دشنام دادن، ربا و سود خوردن و دادن، تراشیدن ریش، پایین بودن شلوار از قوزک پاها، اسراف و تبذیر. علاوه بر امور مذکور، گناهان دیگری هم وجود دارد که در کتابهای بزرگتر به تفصیل ذکر شده‌اند.

پرسش ۴۳۶: آدم گناهکار مسلمان است یا خیر؟

پاسخ: اگر گناه در حد کفر و شرک باشد، مسلمان نیست، و کسی که مرتکب بدعتی بشود، مسلمان است ولی اسلام و ایمان وی بسیار ناقص و ضعیف است. چنین شخصی را «مُبتَدِع و بدعتی» می‌نامند.

و کسی که علاوه بر کفر و شرک و بدعت، مرتکب گناه کبیره‌ای شود، مسلمان ناقص است، که آن را «فاسق» می‌گویند.

پرسش ۴۳۷: اگر از کسی گناهی صادر شود راه دوری از عذاب و عواقب آن چیست؟
پاسخ: خداوند گناهان را با «توبه» می‌آمرزد.

توبه، عبارت از این است که انسان بر گناه خویش شرمند و پشیمان شود و در محضر خداوند، زاری و گریه کند و عفو و آمرزش خویش را طلب کند و در دل خویش عهد کرده و متعهد شود که دیگر هیچوقت گناهی انجام ندهد. باید متوجه و مواظب بود که توبه فقط با زبان بدون باز آمدن و خودداری از گناه اعتبار و ارزشی ندارد و توبه واقعی به شمار نمی‌آید.

پرسش ۴۳۸: آیا از توبه تمام گناهان معاف می‌شوند؟

پاسخ: گناهیانی که حقوق بندگان به آنها وابسته نیست و فقط تخلف از دستورهای خداوند شده است، بر اثر توبه معاف می‌شوند زیرا توبه واقعی از کافر و مشرک هم قبول می‌شود و کفر و شرک را از بین می‌برد. البته گناهیانی که نتیجه تخلف از حقوق بندگان باشد، مانند: خوردن مال یتیم، به کسی تهمت زدن، یا بر کسی ظلم کردن و غیره، چنین گناهیانی را «حُقوقُ العباد» (حقوق بندگان) می‌گویند، که فقط با توبه محض معاف نمی‌شوند، بلکه لازم و ضروری است که نخست، حقوق بندگان را پرداخت و تسویه حساب کامل نمود، آنگاه در محضر خداوند توبه کرد.

پرسش ۴۳۹: توبه تا چه وقتی قابل قبول است؟

پاسخ: توبه فقط در حین مرگ که فرشته مرگ فرا می‌رسد و نَفَس تا به حلقوم می‌رسد، قبول نمی‌شود، بیش از آن در هر موقعی توبه قبول می‌شود.

پرسش ۴۴۰: آدم گناهکار اگر بدون توبه بمیرد به بهشت می‌رود یا خیر؟

پاسخ: آری! بجز کافر و مشرک تمام گناهکاران پس از اینکه به کیفر گناهانشان برسند، به بهشت برده می‌شوند و این هم ممکن است که خداوند به استثنای کفر و شرک، بقیه

گناهکاران را بدون کیفر و عذاب بر اثر شفاعت یا بدون شفاعت هم به بهشت ببرد و گناهانشان را مورد عفو و بخشش قرار دهد.

پرسش ۴۴۱: به شخص مرده، دوستان، خویشاوندان و عزیزان وی در دنیا می‌توانند نفعی برسانند یا خیر؟

پاسخ: آری، نتیجه عبادت بدنی و مالی به مرده می‌رسد، یعنی افرادی که در دنیا هستند اگر کار نیکی انجام دهند، مثلاً: قرآن تلاوت کنند، یا بر پیامبر درود بفرستند، در راه خدا صدقه کنند، گرسنه‌ای را طعام بدهند و بر میت ایصال ثواب کنند، ثواب آنها به میت خواهد رسید. البته برای چنین ایصال ثوابی شیئی معین، وقت معین، فرد معین تعیین نشده است و خود انسان هم نباید تعیین کند، بلکه هر چه صدقه کند در هر وقت که عبادتی انجام دهد و در هر مقداری هم که باشد صحیح است و ثوابش به مرده می‌رسد، پیروی و اتباع از رسوم و بدعات یا به خاطر نام‌آوری و تظاهر، چیزی دادن یا مراسم دعوت و طعام برپا کردن، گذشته از اینکه اصلاً ثوابی ندارد، به عکس، موجب و سبب ناخشنودی خداوند متعال خواهد شد.

بخش چهارم

قسمت دوم: اعمال اسلامی

احکامی چند از قرائت:

پرسش ۴۴۲: اگر کسی نماز فجر، مغرب و عشاء را می‌خواند، با صدای بلند قرائت واجب است یا خیر؟

پاسخ: واجب نیست ولی جهراً خواندن بهتر است.

پرسش ۴۴۳: اگر قضای همین نمازها را به جا می‌آورد، چگونه قرائت بخواند؟

پاسخ: «امام» در قضاء جهراً قرائت بخواند و «منفرد» مختار است که بطور جهر بخواند یا آهسته.

پرسش ۴۴۴: خواندن چه مقدار قرائت در نمازهای فرضی سنت است؟

پاسخ: در حال سفر مختار است که پس از سوره فاتحه هر سوره‌ای را که می‌خواهد بخواند. البته در حال مقیم بودن، مقدار قرائت تعیین شده است.

پرسش ۴۴۵: در حال مقیم بودن چقدر قرائت مسنون است؟

پاسخ: در حال مقیم بودن سنت است که در نماز فجر و نماز ظهر «طَوَالَ مُفَصَّل» بخواند و در نماز عصر و عشاء «أَوْسَاطِ مُفَصَّل» و در نماز مغرب «قِصَارِ مُفَصَّل» بخواند.

پرسش ۴۴۶: «طوال مفصل»، «أوساط مفصل» و «قصار مفصل» به کدام سوره‌ها گفته می‌شود؟

پاسخ: از سوره «حُجُرَات» که در پاره بیست و ششم است تا سوره «بُرُوج» طوال مفصل گفته می‌شود، و از سوره «طَارِق» تا «لَمْ يَكُنْ» اوساط مفصل، و از سوره «إِذَا زُلْزِلَتْ» تا «الْأَنَاس» یعنی آخر قرآن مجید، قصار مفصل گفته می‌شود.

پرسش ۴۴۷: این قرائت برای امام است یا برای منفرد؟

پاسخ: برای امام و منفرد هر دو مسنون است.

پرسش ۴۴۸: در حال مقیم بودن بر اثر عذری، ترک قرائت مسنون جایز است یا خیر؟

پاسخ: جایز است.

پرسش ۴۴۹: آیا در هیچ نمازی چنین سوره‌ای تعیین شده است که غیر از آن سوره، دیگر

سوره‌ای در آن صحیح نباشد؟

پاسخ: برای هیچ نمازی چنین سوره‌ای مقرر نگردیده است. شریعت اسلام به خاطر آسانی و

سهولت، اجازه قرائت از هر کجای قرآن را داده است. پس از طرف خویش خلاف آن

عمل کردن جایز نیست.

پرسش ۴۵۰: در سنتهای فجر چه قرائتی مسنون است؟

پاسخ: پیامبر اکرم ﷺ اغلب در سنتهای فجر در رکعت اول سوره «الکافرون» و در رکعت

دوم سوره «اخلاص» را می‌خواندند.

پرسش ۴۵۱: قرائت مسنون در نماز «وتر» چیست؟

پاسخ: مسنون است که در رکعت اول «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» و در رکعت دوم «قُلْ يَا أَيُّهَا

الكَافِرُونَ» و در رکعت سوم «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند.

بیان جماعت و امامت:

پرسش ۴۵۲: مقصد از «امامت» چیست؟

پاسخ: «امام» یعنی پیشوا و رهبر، کسی که در نماز، امام جماعت است یعنی پیشوا و رهبر آن

جماعت است که مقتدیها از وی پیروی و اتباع می‌کنند.

پرسش ۴۵۳: مفهوم «جماعت» چیست؟

پاسخ: «جماعت» یعنی در یک مکان گرد آمدن و نماز خواندن، به گونه‌ای که یکی از آنها امام و بقیه به وی اقتدا کنند باشند.

پرسش ۴۵۴: جماعت فرض است یا واجب و یا سنت؟

پاسخ: جماعت سنت مؤکده است و در روایات اسلامی در مورد آن تأکید بسیار شده است. بعضی از علما آن را فرض و بعضی واجب دانسته‌اند. جماعت دارای فواید بیشماری است.

پرسش ۴۵۵: نماز با جماعت دارای چه فوایدی است؟

پاسخ: نماز جماعت دارای فواید بی‌شماری است از آن جمله موارد زیر می‌باشند:

- ۱- نماز با جماعت دارای بیست و هفت ثواب است.
- ۲- در شبانه روز پنج بار مسلمانان با هم ملاقات و تجدید دیدار می‌کنند.
- ۳- بر اثر آن در میان مسلمانان محبت و وحدت به وجود می‌آید.
- ۴- از ملاحظه عبادت دیگران اشتیاق و علاقه به عبادت حاصل می‌شود.
- ۵- قلب آدمی مشغول و متوجه به سوی نماز می‌شود.
- ۶- به خاطر شرکت افراد صالح و نیک در جماعت، نماز سایر گناهکاران نیز قبول می‌شود.
- ۷- کسانی که از مسایل نماز آگاهی و اطلاع ندارند، از دیگران کسب اطلاع می‌کنند.
- ۸- از وضع و حال مستمندان و مستضعفان آگاه می‌شوند.
- ۹- عظمت و شکوه نماز که از عبادات مهم است ظاهر و نمایان می‌شود. علاوه بر این موارد، فواید فراوان دیگری نیز در جماعت وجود دارد.

پرسش ۴۵۶: چه افرادی مجازند که در جماعت شرکت نکنند؟

پاسخ: زنان، بیماران، کسانی که از بیماران پرستاری و سرپرستی می کنند، کودکان، نابینایان و افراد دیگری که عذر موجه دارند، شرکت آنان در نماز جماعت الزامی نیست، و جماعت از عهده آنان ساقط می شود.

پرسش ۴۵۷: غیر از عذرهای بیان شده، چه عذرهایی مُجَوِّز عدم شرکت در جماعت می شوند؟

پاسخ: باران شدید، وجود گِل و لَجَن در مسیر راه، تاریکی شدید در شب، فرا رسیدن وقت حرکت ماشین، هواپیما و یا دیگر وسیله سفر، نیاز شدید به بول و غایط، گرسنگی شدید در صورتی که غذا هم آماده باشد که اگر به جماعت رود، فکر و خیالش کلاً مشغول غذا خواهد بود. در موارد یاد شده حضور در جماعت از آدمی ساقط می شود.

پرسش ۴۵۸: در چه نمازهایی جماعت، سنت مؤکده یا واجب است؟

پاسخ: جماعت در تمام نمازها «سُنَّتِ مُؤَكَّدَه» و در نماز تراویح «سُنَّتِ كِفَايَه» و در نماز وتر ماه مبارک رمضان «مستحب» است.

پرسش ۴۵۹: حداقل برای برگزاری نماز با جماعت وجود چند نفر الزامی است؟

پاسخ: دو نفر کافی است. یکی مقتدی باشد و دیگری امام. البته در این صورت مقتدی در سمت راست امام بایستد و هنگامی که مقتدی دو نفر باشند، امام جلوتر از آنها بایستد.

پرسش ۴۶۰: در جماعت چگونه باید ایستاد؟

پاسخ: در یک خط. راست بایستند بطوری که در وسط جای خالی باقی نباشد، کودکان پشت سر تمام صفها بایستند. قرار دادن کودکان در صف بزرگسالان مکروه است.

پرسش ۴۶۱: اگر نماز امام فاسد شد، نماز مقتدیه‌ها هم فاسد می‌شود یا خیر؟
پاسخ: آری، در صورتی که نماز امام فاسد شود، نماز مقتدیه‌ها هم فاسد می‌شود و بر آنها لازم است که نماز خویش را اداء کنند.

پرسش ۴۶۲: چه کسی شایسته و مستحق امامت است؟
پاسخ: نخست کسی که عالم باشد. یعنی از مسایل نماز اطلاع و آگاهی کامل داشته باشد و اعمالش هم درست باشد.

پرسش ۴۶۳: اگر امام مسجد مُعین بود و به هنگام نماز کسی که افضل از او باشد حاضر شود، کدام یک مستحق امامت است؟
پاسخ: امامی که معین است مستحق‌تر است گرچه، آن شخص دیگر در واقع امام افضل باشد.

پرسش ۴۶۴: پشت سر چه افرادی نماز مکروه است؟
پاسخ: نماز پشت سر مرتکب بدعت، فاسق، برده‌ای که چیزی یاد ندارد، فرد عامی که چیزی یاد ندارد، نابینا که در طهارت خویش احتیاط نمی‌کند و شخص حرام زاده، مکروه است.

ولی اگر غلام، عالم باشد یا نابینا در طهارت خویش محتاط باشد، و حرام زاده فرد نیک و صالح باشد و بهتر از آنها کسی دیگر موجود نباشد، امامت آنها بدون کراهت جایز است.

پرسش ۴۶۵: پشت سر چه کسانی نماز اصلاً جایز نیست؟
پاسخ: پشت سر دیوانه، بیهوش، کافر و مشرک، اصلاً نماز جایز نیست. نماز بزرگسالان پشت سر کودک نابالغ و نماز مردان پشت سر زنان هم جایز نیست. هم چنین نماز غیر معذور پشت سر معذور و کسی که لباس دارد، پشت سر عریان صحیح نیست، نماز رکوع و سجده کننده، پشت سر اشاره کننده هم صحیح نیست. اقتدای کسی که نماز فرض

می خواند به کسی که نفل می خواند. و کسی که یک فرض می خواند به کسی که فرض دیگری می خواند جایز نیست.

پرسش ۴۶۶: نماز تراویح پشت سر نابالغ جایز است یا خیر؟
پاسخ: خیر، صحیح نیست. البته کسی که سنش به پانزده سال رسیده باشد و هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های بلوغ در او مشاهده نشود اقتدا، به وی در فرایض و نوافل جایز است چون وی حکم بالغ را دارد.

آنچه نماز را فاسد می کند:

پرسش ۴۶۷: «مُفْسِدَاتِ نَمَازٍ» به چه چیزهایی گفته می شود؟
پاسخ: «مُفْسِدَاتِ نَمَازٍ» به چیزهایی گفته می شود که: از آنها نماز فاسد می شود و برگرداندن آن لازم است.

پرسش ۴۶۸: چه چیزهایی نماز را فاسد می کنند؟
پاسخ:

- ۱- سخن در نماز چه عمداً و چه سهواً، در هر صورت که باشد نماز را فاسد می کند.
- ۲- به قصد سلام، داخل نماز به کسی سلام دادن یا لفظی مشابه آن بر زبان آوردن.
- ۳- جواب سلام دهنده را گفتن و یا جواب عطسه زننده را با یرحمک الله گفتن. یا در جواب کسی که خارج از نماز دعا می کند «آمین» گوید.
- ۴- در مقابل خبر ناگوار و ناخوشی «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» گفتن و یا در مقابل خبر خوب و خوش «الحمد لله» و در مقابل خبر عجیب «سبحان الله» گفتن.
- ۵- بر اثر بیماری یا رنج و اندوه «آه. آوه، أف» کردن.
- ۶- بغیر از امام خود، کسی دیگر را فتح دادن.

- ۷- نگاه کردن به قرآن و از آن قرائت خواندن.
- ۸- اشتباه بی جا و بی مورد در قرائت.
- ۹- انجام عمل کثیر یعنی داخل نماز انجام کارهایی بطوری که بینندگان تصور کنند که این شخص در حال نماز گزاردن نیست.
- ۱۰- خوردن و نوشیدن در هر حال.
- ۱۱- به اندازه دو صف راه رفتن.
- ۱۲- بدون عذر سینه را از قبله منحرف کردن.
- ۱۳- سجده بر مکان نجس.
- ۱۴- در حین برهنه شدن عورت به اندازه یک رکن درنگ کردن.
- ۱۵- داخل نماز در دعا چیزی خواستن که عموماً از آدمیان خواسته می شود. مثل اینکه بگوید: بار خدایا به من اینقدر پول بده و غیره.
- ۱۶- بر اثر درد و معصیت چنان گریستن که حروف بر زبان آدمی جاری و نمایان شود.
- ۱۷- خندیدن بالغ در نماز با صدای بلند.
- ۱۸- مقدم بودن بر امام و غیره.

مکروهات نماز:

پرسش ۴۶۹: چه کارهایی در نماز مکروه است؟

پاسخ:

- ۱- «سَدَل» یعنی دستمال بر سر گذاشتن به گونه ای که دو طرف آن آویزان باشد یا پالتو و عبا بر دوش انداختن، بدون اینکه دستها داخل آستین باشد.
- ۲- لباسها را جمع کردن، به خاطر خاک آلود نشدن.

- ۳- با بدن یا لباس خویش مشغول بودن و بازی کردن.
- ۴- نماز خواندن با لباس کار و یا لباس خواب.
- ۵- داخل دهان چیزی گذاشتن که مانع از قرائت نشود، اگر مانع قرائت شود، نماز فاسد می‌شود.
- ۶- با سر برهنه نماز خواندن، به خاطر تنبلی و بی‌توجهی.
- ۷- نماز خواندن در حالی که نیاز شدید به بول و غایط باشد.
- ۸- موها را روی سر جمع کردن و بستن.
- ۹- سنگریزه‌ها را دور کردن، البته اگر سجده مشکل باشد یک بار صاف کردن محل سجده اشکالی ندارد.
- ۱۰- به صدا درآوردن انگشتان یا قرار دادن بعضی انگشتان در بعضی دیگر.
- ۱۱- دستها را بر تهی گاه گذاشتن.
- ۱۲- رخ خویش را از قبله این سو و آن سو گرداندن یا فقط نگاه خویش را به این طرف و آن طرف بردن.
- ۱۳- نشستن به صورت سگ یعنی رانها را قائم کردن و نشستن و شکم و زانوها را با سینه چسباندن و دستها را بر زمین گذاشتن.
- ۱۴- هر دو بازو را برای مرد به هنگام سجده بر زمین گستردن.
- ۱۵- نماز خواندن به سوی کسی که روبروی نماز گزار نشسته و رخس به طرف نماز گزار باشد.
- ۱۶- جواب سلام با اشاره سر یا دست.
- ۱۷- بدون عذر چهار زانو نشستن.
- ۱۸- عمداً خمیازه کردن یا با وجود توان جلوگیری از آن، جلوگیری نکردن.

- ۱۹- بستن چشمها در نماز البته اگر باز کردن چشمها باعث اختلال در حواس و عدم آرامش قلبی در نماز بشود، بستن چشمها اشکالی ندارد.
- ۲۰- تنها ایستادن امام در محراب، ولی اگر پاهای وی بیرون از محراب باشند کراهت ندارد.
- ۲۱- تنها ایستادن امام در مکان بلندتر از جای مقتدیها البته اگر چند نفری با امام همراه بایستند مکروه نیست.
- ۲۲- تنها ایستادن در صورتی که داخل صف جای خالی باشد.
- ۲۳- نماز خواندن با لباسی که دارای تصویر حیوان جاندار باشد.
- ۲۴- نماز گزاردن در محلی که روبرو یا راست و چپ یا بالای سر نماز گزار تصویر حیوان باشد.
- ۲۵- شمردن آیه‌ها، سوره‌ها، تسبیحها با انگشتان.
- ۲۶- خود را در چادر یا پارچه‌ای چنان پیچیدن که دستها به راحتی از آن خارج نشوند.
- ۲۷- رفع خستگی و تکان دادن دست و پاها بطور ورزش در نماز.
- ۲۸- بر گوشه و یا قسمتی از عمامه، سجده کردن.
- ۲۹- کارهای خلاف سنت انجام دادن.

نماز وتر:

- پرسش ۴۷۰: نماز وتر واجب است یا سنت؟
- پاسخ: نماز وتر واجب است و اهمیت وی با نمازهای فرض برابر است. اگر قضاء شد باید قضاء آورده شود و بدون عذر ترک آن گناه بزرگی به شمار می‌آید.

پرسش ۴۷۱: نماز وتر چند رکعت است؟

پاسخ: نماز وتر سه رکعت است. پس از دو رکعت برای تشهد بنشیند. سپس بلند شده یک رکعت دیگر خوانده تشهد، درود و دعا بخواند و سلام بدهد.

پرسش ۴۷۲: نماز وتر با سایر نمازها چه فرقی دارد؟

پاسخ: در رکعت سوم آن، «دُعای قُنُوت» به شرح زیر خوانده شود:
پس از خواندن فاتحه و سوره، تکبیر گوید، و دستها را بلند کرده باز ببندد و دعای قنوت بخواند و به رکوع رود.

پرسش ۴۷۳: «دُعای قُنُوت» را با صدای بلند بخواند یا بطور آهسته؟

پاسخ: دعای قنوت را باید آهسته خواند چه امام باشد و چه مقتدی.

پرسش ۴۷۴: اگر «دُعای قنوت» را بلد نبود چه کار بکند؟

پاسخ: به جای آن دعایی دیگر بخواند، مانند: (رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ)^۱. (بقره / ۲۰۱).

پرسش ۴۷۵: اگر مقتدی دعای قنوت را به پایان نرساند و امام به رکوع رفت مقتدی چکار بکند؟

پاسخ: دعای قنوت را ترک کرده به رکوع برود.

۱ - ترجمه: پروردگارا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا فرما، و ما را از عذاب دوزخ نجات ده.

نمازهای سنت و نفل:

پرسش ۴۷۶: به چه نمازهایی «سنت مؤکده» گویند؟

پاسخ: پیش از فرض نماز فجر دو رکعت، و پیش از نماز ظهر چهار رکعت و دو رکعت پس از آن، دو رکعت پس از نماز مغرب و عشاء. و بیست رکعت نماز تراویح در ماه رمضان «سنت مؤکده» هستند.

پرسش ۴۷۷: چه نمازهایی «سنت غیر مؤکده اند»؟

پاسخ: چهار رکعت پیش از نماز عصر، دو رکعت پس از سنتهای مؤکده نماز عشاء، شش رکعت پس از دو رکعت سنت مؤکده مغرب، و دو رکعت پس از سنت مؤکده جمعه، دو رکعت تحیة الوضوء. دو رکعت تحیة المسجد. هشت یا چهار رکعت نماز چاشت، دو رکعت پس از نماز وتر، چهار یا هشت رکعت نماز تهجد، صلوٰۃ التسییح، نماز استخاره، نماز توبه، نماز حاجت، و غیره، تمام اینها «سنت غیر مؤکده» هستند.

پرسش ۴۷۸: سنتها در خانه خوانده شوند بهتر است یا در مسجد؟

پاسخ: خواندن تمام سنتها و نوافل در خانه بهتر است، به جز چند نوع سنت مانند: تراویح، تحیة المسجد، نماز کسوف و غیره که باید در مسجد خوانده شوند.

پرسش ۴۷۹: خواندن نوافل در چه اوقاتی مکروه است؟

پاسخ: پس از طلوع فجر صبح صادق علاوه بر دو رکعت سنت نماز فجر و پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب، پس از نماز عصر تا غروب آفتاب خواندن نفل مکروه است. البته در این سه وقت قضاء نمازهای فرضی، نماز جنازه و سجده تلاوت، بدون کراهت جایز است.

در عین وقت طلوع آفتاب و در عین وقت قرار گرفتن آفتاب بر استوا یعنی درست در وقت ظهر و در عین وقت غروب آفتاب خواندن هر نوع نماز مکروه است. البته اگر نماز عصر همان روز را نخوانده بود در وقت غروب آفتاب می تواند بخواند. نیز در وقت خواندن خطبه، نماز نفل و سنت هم مکروه است. البته در این سه وقت قضاء نمازهای فرضی، نماز جنازه، سجده تلاوت، بدون کراهت جایز است.

نماز تراویح:

پرسش ۴۸۰: نماز تراویح سنت است یا نفل؟

پاسخ: نماز تراویح برای مرد و زن «سنت مؤکده» و ادای آن با جماعت «سنت کفایه» است. یعنی اگر در یک محله تراویح با جماعت خوانده شود و کسی تنها در منزل خویش تراویح بخواند گناهکار نمی شود. اگر اصلاً جماعت برگزار نشود، همه گناهکار می شوند.

پرسش ۴۸۱: وقت نماز تراویح چه زمانی است؟

پاسخ: وقت تراویح پس از نماز عشاء شروع می شود و تا فجر ادامه دارد. پیش از وتر و بعد از آن وقت تراویح است. یعنی اگر از کسی چند رکعت تراویح باقی مانده بود و امام شروع به خواندن وتر کرد، با امام شریک شده نماز وتر را خواند و سپس باقی مانده تراویح را بخواند جایز است.

پرسش ۴۸۲: «نماز تراویح» چند رکعت است و روش خواندن آن چگونه است؟

پاسخ: تراویح بیست رکعت با ده سلام سنت است یعنی هر دو رکعت با یک سلام خوانده شود و پس از هر ترویحه «چهار رکعت» مقداری مکث کند و بنشیند.

پرسش ۴۸۳: بعد از هر چهار رکعت خاموش بنشیند یا چیزی بخواند؟

پاسخ: مختار است که خاموش بنشیند یا بطور آهسته، قرآن تلاوت کند یا تسبیح بخواند یا به صورت جداگانه نفل بخواند.

پرسش ۴۸۴: ختم قرآن مجید در نماز تراویح چه حکمی دارد؟

پاسخ: یک بار ختم قرآن در تمام ماه رمضان در نماز تراویح سنت است و دوبار بهتر است و سه بار ثواب دارد. البته دو یا سه بار زمانی باعث اجر است که مقتدیها در تنفر و انزجار قرار نگیرند و علاقمند به آن باشند، اگر در یک بار ختم قرآن هم سستی و تبلی از خویش نشان دهند به آن توجه نشود.

پرسش ۴۸۵: نماز تراویح را به صورت نشسته خواندن چطور است؟

پاسخ: در صورتی که توان ایستادن را داشته باشد و بنشیند مکروه است.

پرسش ۴۸۶: بعضی ها از اول رکعت با امام شریک نمی شوند، هنگامی که امام به رکوع

می رود، شریک می شوند این عمل چطور است؟

پاسخ: مکروه است از اول باید با امام شریک شد.

پرسش ۴۸۷: اگر کسی نماز عشاء را تنها بخواند و در تراویح با جماعت شریک شود، جایز

است یا خیر؟

پاسخ: جایز است.

قضای نمازها:

پرسش ۴۸۸: «اداء و قضاء» را تعریف کنید؟

پاسخ: «اداء» یعنی انجام عبادت در وقت مقرر آن. و «قضاء» یعنی انجام فرض یا واجب

پس از گذشتن وقت مقرر آن.

مثلاً نماز ظهر را در وقت تعیین شده آن خواندن، «اداء» است. و اگر خارج از وقت خوانده شود. «قضاء» می شود.

پرسش ۴۸۹: قضاء چه نمازهایی واجب است؟

پاسخ: قضاء تمام نمازهای فرضی، فرض و از نمازهای واجب، واجب و بعضی از سنتها سنت است.

پرسش ۴۹۰: فرض یا واجبی را در وقت آن اداء نکردن و به تأخیر انداختن چگونه است؟
پاسخ: عمدأ و بدون عذر، فرض یا واجب یا سنت مؤکده‌ای را ترک کردن و در وقت آن اداء نکردن، گناه است. به خصوص ترک فرض و واجب خیلی گناه دارد. البته اگر بدون عمد، قضاء شد. مثلاً خواندن نماز را فراموش کرد یا به خواب رفت، در این صورت گناهی نیست.

پرسش ۴۹۱: اگر نماز فرض و واجب قضاء شدند، در چه وقتی به جا آورده شوند؟
پاسخ: هر گاه به یاد آمد فوراً بخواند. تأخیر کردن گناه است، مگر در صورتی که در وقت مکروه به یادش آمد، آنگاه صبر کند تا وقت مکروه تمام شود، سپس بخواند.

پرسش ۴۹۲: برای خواندن نماز قضاء چگونه نیت کرده شود؟

پاسخ: برای قضای نماز چنین نیت کند که: نماز صبح یا ظهر فلان روز را قضاء می کنم. فقط نیت نماز فجر و ظهر کافی نیست، بلکه تعیین شود.

پرسش ۴۹۳: اگر از کسی نمازهای بسیاری قضاء شده بود تاریخ دقیق آن روزها بیادش نبود، مثلاً یکی دو ماه اصلاً نماز نخوانده بود، البته تعداد روزها مشخص بود در چنین صورتی برای قضای آنها چگونه نیت کند؟

پاسخ: هنگامی که می‌خواهد مثلاً قضاء نماز فجر را به جا آورد چنین نیت کند که: از تعداد سی نماز قضاء شده، اولین نماز را می‌خوانم یا آخرین نماز را و بقیه را هم به همین روش بخواند.

پرسش ۴۹۴: قضای نماز در مسجد بهتر است یا در خانه؟

پاسخ: اگر به صورت تنهایی از کسی نماز قضاء شده در خانه بخواند بهتر است. ولی اگر در مسجد خواند اشکالی ندارد. البته با دیگران یادآوری نکند، که نماز قضاء شده را می‌خواند، چون یادآوری نمازهای قضاء شده، با دیگران نوعی تبلیغ منفی به شمار آمده و مکروه است.

پرسش ۴۹۵: قضای چه سنتهایی سنت است؟

پاسخ: اگر سنتهای نماز فجر با فرض قضاء شده بود پیش از زوال آنها را با فرضها بخواند و اگر بعد از زوال بخواند فقط فرضها را بخواند، و اگر فقط سنتها ترک شده بودند قضاء نکند، نه پیش از طلوع آفتاب و نه بعد از آن و اگر آنها را بخواند، نفل شمرده می‌شوند.

پرسش ۴۹۶: اگر پیش از نماز ظهر، چهار رکعت سنت را نخوانده بود، بعداً بخواند یا خیر؟

پاسخ: پس از نماز فرض بخواند، خواه پیش از دو رکعت سنت و خواه بعد از آن، البته اگر بعد از آن خوانده شود بهتر است.

مُدْرِك، مَسْبُوق، لَاحِق:

پرسش ۴۹۷: «مُدْرِك» به چه کسی گفته می‌شود؟

پاسخ: کسی که از اول تا آخر با امام در نماز شریک بوده است آن را «مُدْرِك» می‌گویند.

پرسش ۴۹۸: «مَسْبُوق» به چه کسی گفته می‌شود؟

پاسخ: «مَسْبُوق» به کسی می‌گویند که: از اول نماز یک یا چند رکعت را نیافته است.

پرسش ۴۹۹: «لَاحِق» به چه کسی گفته می‌شود؟

پاسخ: «لَاحِق» به کسی گفته می‌شود که: در اول نماز با امام شریک بوده و در وسط در یک یا چند رکعت شرکت نداشته مثل اینکه: یکی از اول با امام همراه باشد و در قعده خواب رود و خوابش تا حدی طولانی شود که امام یکی دو رکعت را خوانده باشد.

پرسش ۵۰۰: رکعاتی که از مسبوق مانده است، چگونه و در چه وقتی بخواند؟

پاسخ: تا آخر نماز با امام همراه باشد و چون امام سلام دهد، مسبوق بلند شده رکعات گذشته خویش را طوری بخواند که گویا از اول نماز شروع کرده است. مثلاً اگر یک رکعت مانده بود، وقتی بلند می‌شود نخست، ثناء، أعوذ با و بسم الله خوانده، سوره فاتحه را به همراه سوره‌ای بخواند و بر حسب معمول، آن رکعت را به پایان برساند. و اگر دو رکعت از ظهر یا عصر یا عشاء یا فجر مانده بود، نخست، ثناء و تعوذ و تسمیه خوانده، آنگاه فاتحه را با سوره‌ای بخواند و در رکعت دوم هم فاتحه و سوره را بخواند. و دو رکعت را طبق معمول به پایان برساند.

اگر سه رکعت مانده بود، چنین بخواند که در رکعت اول، فاتحه سوره‌ای خوانده، برای تشهد بنشیند و در رکعت دوم هم، فاتحه و سوره‌ای بخواند. در رکعت سوم فقط فاتحه خوانده نماز را به پایان برساند.

اگر دو رکعت از مغرب مانده بود یک رکعت را با فاتحه و سوره بخواند و برای تشهد بنشیند و در رکعت دوم هم فاتحه و سوره بخواند.

پرسش ۵۰۱: اگر مسبوق به محض سلام امام بلند شد و امام به سجده سهو رفت مسبوق چه کار کند؟

پاسخ: بر گردد و با امام شریک شود و سجده سهو کند.

پرسش ۵۰۲: اگر مسبوق به فراموشی با امام سلام داد، حکمش چیست؟

پاسخ: اگر پیش از امام و یا درست همزمان با امام سلام دهد بر ذمه مسبوق چیزی لازم نمی شود، ولی اگر پس از سلام امام، سلام دهد بر مسبوق سجده سهو لازم می شود و در پایان نماز خویش سجده کند.

پرسش ۵۰۳: لاحق باقی مانده نمازهای خویش را چگونه و در چه وقتی بخواند؟

پاسخ: نمازی که از لاحق بنا به عذری باقی مانده است، مثلاً از خوابیدن، هنگامی که بیدار شود نخست آن را بخواند، سپس با امام همراه شده بقیه نماز را همراه با امام به جا آورد و در این وقت اگر سهوی رفت، سجده سهو بر وی لازم نمی آید، چون پشت سر امام قرار دارد.

سجده سهو:

پرسش ۵۰۴: «سَجْدَه سَهْو» چیست؟

پاسخ: «سَهْو» به معنای فراموشی است. بر اثر فراموشی گاهی در نماز کمی یا زیادتی می شود که در نتیجه، نماز ناقص می شود. برای جبران آن نقص، در قعه اخیر نماز دو سجده می شود که آن را سجده سهو می نامند.

پرسش ۵۰۵: «سَجْدَه سَهْو» چگونه اداء می شود؟

پاسخ: پس از خواندن تشهد در قعده اخیر به یک طرف سلام داده، تکبیر گوید و به سجده رود باز تکبیر گفته سر را از سجده برداشته بنشیند. دوباره تشهد و درود و دعا خوانده به هر دو طرف سلام دهد.

پرسش ۵۰۵: اگر پیش از سجده سهو بعد از دنبال التّحیات درود و دعا بخواند چطور است؟
پاسخ: بعضی از علما همین را پسندیده‌اند ولی اگر نخواند اشکالی ندارد.

پرسش ۵۰۶: سجده سهو در نمازهای فرضی لازم می‌شود یا در تمام نمازها؟
پاسخ: حکم سجده سهو در تمام نمازها یکی است.

پرسش ۵۰۷: اگر به یک طرف سلام نداد و سجده سهو کرد چگونه است؟
پاسخ: مکروه تنزیهی است.

پرسش ۵۰۸: اگر به هر دو طرف سلام داد آنگاه سجده کرد چطور است؟
پاسخ: بر حسب یک روایت جایز است. ولی قول صحیح همین است که به یک طرف سلام داده سجده کند. اگر به هر دو طرف سلام داد سجده سهو نکند، بلکه نماز را اعاده کند.

پرسش ۵۰۹: سجده سهو از چه چیزهایی واجب می‌شود؟
پاسخ:

۱- از ترک واجب.

۲- از تأخیر واجب

۳- از تأخیر فرض

۴- از تقدیم فرض بر فرض دیگر.

۵- از تکرار فرض. مثلاً در یک رکعت دوبار رکوع کرد.

۶- از تبدیل کیفیت واجب هم سجده واجب می‌شود.

پرسش ۵۱۰: اگر کسی موارد یاد شده را عمداً انجام داد حکمش چیست؟

پاسخ: سجده سهو لازم نمی‌شود بلکه اعاده نماز واجب است.

پرسش ۵۱۱: اگر در یک نماز چند مورد پیش آمد که از هر یک سجده سهو لازم می‌شد

چند سجده کند؟

پاسخ: برای تمام موارد یک بار دو سجده کافی است.

پرسش ۵۱۲: از چه نوع تغییراتی در قرائت سجده سهو لازم می‌شود؟

پاسخ:

۱- فراموش شدن سوره فاتحه در دو رکعت اول از نمازهای فرض و در یک یا تمام رکعات نفل، سنت و واجب.

۲- خواندن دوبار یا بیشتر فاتحه در رکعات یاد شده.

۳- پیش از سوره فاتحه دیگر سوره‌ای خواندن.

۴- فراموش شدن سوره در رکعات نمازها علاوه بر رکعت سوم و چهارم فرض هم سجده سهو را واجب می‌کند.

پرسش ۵۱۳: در صورتی که به فراموشی تعدیل ارکان ترک شد، سجده سهو لازم می‌شود

یا خیر؟

پاسخ: آری، لازم می‌شود.

پرسش ۵۱۴: اگر قعده اول فراموش شد حکمش چیست؟

پاسخ: در صورتی که به فراموشی بعد از دو رکعت بلند شد، تا زمانی که به نشستن نزدیکتر

باشد بنشیند و سجده سهو نکند، و اگر بلند شد یا به بلند شدن نزدیکتر بود، قعده را ترک

کند و در آخر سجده سهو کند.

پرسش ۵۱۵: علاوه بر موارد یاد شده، سجده سهو از چه چیزهایی لازم می‌شود؟

پاسخ:

- ۱- از تکرار رکوع.
 - ۲- سه بار سجده کردن.
 - ۳- از ترک التّحیات در قعده اول یا آخر.
 - ۴- پس از تشهد در قعده اولی در این حد درود خواندن: «اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ»، یا به قدر خواندن همین مقدار، خاموش نشستن.
 - ۵- در نمازهای جهری آهسته خواندن امام.
 - ۶- در نمازهای سری جهر خواندن امام.
 - ۷- به شرط اینکه همه اینها به فراموشی انجام گیرد.
- پرسش ۵۱۶: اگر مقتدی پشت سر امام به سهو رفت چه کار کند؟
- پاسخ: بر مقتدی از سهو خودش چیزی لازم نمی‌شود؟
- پرسش ۵۱۷: اگر مسبوق در باقی مانده نماز خویش به سهو رفت چه کار کند؟
- پاسخ: در پایان نماز خویش سجده سهو کند.

سجده تلاوت:

پرسش ۵۱۸: «سجده تلاوت» چیست؟

- پاسخ: تلاوت یعنی خواندن، در قرآن مجید آیه‌هایی هستند که از خواندن آنها یا شنیدن از دیگران، بر آدمی سجده واجب می‌شود. این سجده را «سجده تلاوت» می‌گویند.
- پرسش ۵۱۹: چند جا هستند که از خواندن یا شنیدن آنها سجده لازم می‌شود؟
- پاسخ: در تمام قرآن مجید چهارده مقام هستند که آنها را «چهارده سجده» نیز می‌گویند.

پرسش ۵۲۰: اگر خارج از نماز آیه سجده را تلاوت کرد کجا و چگونه سجده کند؟
 پاسخ: افضل همین است که هرگاه آیه را تلاوت کرد، فوراً سجده کند و اگر در آن موقع سجده نکرد، اشکالی ندارد. ولی تأخیر زیاد مکروه است. و روش سجده در بیرون از نماز چنین است که ایستاده تکبیر گوید و سجده کند، و باز تکبیر گفته سر را از سجده بلند کند و بایستد. ولی اگر نشسته بود و در همان حال به سجده رفت و باز سر را از سجده بلند کرد و نشست اشکالی ندارد.

پرسش ۵۲۱: برای سجده تلاوت چه شرایطی وجود دارد؟
 پاسخ: همان شرایطی که برای نماز وجود دارد، برای سجده تلاوت هم وجود دارد. یعنی پاک بودن لباس، مکان، رخ به سوی قبله کردن، نیت سجده تلاوت کردن.

پرسش ۵۲۲: سجده تلاوت از چه چیزهایی فاسد می شود؟
 پاسخ: آنچه که نماز را فاسد می کند سجده تلاوت را هم فاسد می کند.
 پرسش ۵۲۳: اگر یک آیه سجده را دو بار یا بیش از آن تلاوت کرد چند سجده لازم می شود؟

پاسخ: اگر یک آیه را در یک جلسه و دوبار یا بیشتر از آن خواند یا شنید، یک سجده لازم می شود.

پرسش ۵۲۴: اگر در یک جلسه دو آیه سجده یا یک آیه را در دو جلسه قرائت کرد حکمش چیست؟

پاسخ: در یک جلسه هر چند آیه خواند یا یک آیه را در چند جلسه قرائت کرد به همان تعداد، سجده تلاوت واجب می شود.

پرسش ۵۲۵: اگر شخصی در حین تلاوت قرآن مجید آیه‌های سجده تلاوت را ترک کند چگونه است؟

پاسخ: مکروه است و نباید چنین کند.

پرسش ۵۲۶: اگر شخصی در جایی مشغول تلاوت است که افراد دیگری هم در آنجا حضور دارند و صدایش را می‌شنوند، حالا اگر به خاطر نشنیدن حاضران آیه سجده را آهسته تلاوت کند حکمش چیست؟

پاسخ: جایز است بلکه بهتر همین است که آهسته بخواند.

نماز بیمار:

پرسش ۵۲۷: برای بیمار در چه حالی به طور نشسته نماز خواندن جایز است؟

پاسخ: هنگامی که بیمار قدرت و توان ایستادن را ندارد یا ممکن است بایستد ولی شدیداً ناراحت می‌شود. یا خطر ازدیاد بیماری وجود داشته باشد یا خطر چرخش سر و افتادن وجود داشت، یا توان ایستادن هست، ولی توان رکوع و سجده را ندارد، در تمام این صورتها جایز است که بنشیند و نماز بخواند. حال اگر می‌تواند رکوع و سجده کند فبها! و گرنه برای رکوع و سجده اشاره کند، اشاره به صورت پایین آوردن و خم کردن سر باشد. البته برای سجده، سرش را بیشتر از رکوع خم کند.

پرسش ۵۲۸: اگر شخصی نمی‌تواند کاملاً بایستد بلکه یک لحظه می‌ایستد و یک لحظه می‌نشیند، چگونه نماز بخواند؟

پاسخ: تا حدی که می‌تواند بایستد ایستادن برایش لازم است.

پرسش ۵۲۹: اگر بیمار نتواند به صورت نشسته هم نماز بخواند، حکمش چیست؟
 پاسخ: به طور دراز کشیده نماز بخواند. طریقه‌اش بدین صورت است که: کاملاً دراز بکشد و پاها را به طرف قبله قرار دهد. البته پاها را دراز نکند بلکه زانوها را بلند نگه دارد و در زیر سرش تکیه‌ای قرار دهد تا مقداری سرش بلند قرار گیرد و برای رکوع و سجده سر را خم کرده اشاره کند این بهترین روش است برای کسی که نمی‌تواند بنشیند. البته این صورت هم جایز است که سرش را به طرف شمال قرار دهد و بر پهلوی راست بخوابد یا سرش را به طرف جنوب قرار داده بر پهلوی چپ بخوابد و با اشاره نماز بخواند. از این دو روش، روش نخست بهتر است.

پرسش ۵۳۰: اگر بیماری در حدی شدید بود که اشاره با سر هم ممکن نبود چه کار بکند؟
 پاسخ: اگر با سر هم اشاره ممکن نبود نماز را به تأخیر اندازد آنگاه اگر بیش از یک شبانه روز همین حالت ادامه داشت قضای نمازهای گذشته از ذمه وی ساقط می‌شود. و اگر تا یک شبانه روز یا کمتر از آن این حالت ادامه داشت و توان اشاره با سر برایش میسر شد قضای آن نمازها که پنج نماز یا کمتر از آن هستند بر ذمه وی لازم می‌شود.

نماز مسافر:

پرسش ۵۳۱: «مسافر» به چه کسی گفته می‌شود؟
 پاسخ: از نظر شرعی کسی «مسافر» است که قصد سفر به اندازه مسافت سه شبانه روز را بکند. هدف از مسافت سه شبانه روز این نیست که تمام سه شبانه روز را یکسره راه برود، بلکه راه رفتن که همراه با استراحت و به طور میانه باشد، معتبر است.

پرسش ۵۳۲: هدف از راه رفتن به طور میانه چیست و مقدار مسافت سه شبانه روز چند کیلومتر است؟

پاسخ: غرض از راه رفتن میانه، راه روی پیاده است، یعنی مقدار چهل و هشت میل شرعی که برابر با (۷۸ کیلومتر) می باشد.

پرسش ۵۳۳: اگر کسی به اندازه مسافت یاد شده با شتر یا ماشین یا قطار و غیره سفر کند، حکمش چیست؟

پاسخ: مسافر است ولو اینکه در مدت کوتاهی به مقصد برسد.

پرسش ۵۳۴: مسافر با مقیم چه فرقی در نمازها دارد؟

پاسخ: مسافر نماز ظهر، عصر و عشاء را به جای چهار رکعت، دو رکعت می خواند و نماز فجر، مغرب و وتر را طبق معمول می خواند.

پرسش ۵۳۵: به این عمل که چهار رکعت را دو رکعت بخواند، چه می گویند؟

پاسخ: در اصطلاح فقه آن را «قصر» می گویند.

پرسش ۵۳۶: مسافر از چه زمانی «قصر» نمازها را آغاز می کند؟

پاسخ: هنگامی که از محدوده محله و آبادی خویش، خارج شود.

پرسش ۵۳۷: مسافر تا چه مدتی نمازها را «قصر» می کند؟

پاسخ: تا وقتی که در سفر باشد و در شهر یا محله ای قصد مقیم شدن به مدت پانزده روز را نکرده باشد. و اگر چنین اراده ای کرد نمازها را کامل بخواند.

پرسش ۵۳۸: اگر شخصی قصد سه چهار روز ماندن در جایی را کرد و در این مدت کارهایش تمام نشدند، باز سه چهار روز دیگر و به همین طریق تا پانزده روز باقی ماند چگونه نماز بخواند؟

پاسخ: تا مدتی که قصد پانزده روز را در یک بار نکند، مسافر است و نمازها را قصر کند.

پرسش ۵۳۹: اگر مسافر نماز چهار رکعتی را کامل خواند، چه حکمی دارد؟
 پاسخ: اگر بعد از دو رکعت اول برای تشهد نشست در پایان نماز، سجده سهو بر وی لازم می‌شود و نمازش صحیح است و در صورتی که قصداً چنین کند، گناهکار می‌شود، اگر قصداً نباشد، گناهی نیست. ولی اگر بعد از دو رکعت نشست، نماز فرض وی اداء نشده هر چهار رکعت برایش نفل حساب می‌شوند، نماز فرض را دوباره بخواند.

پرسش ۵۴۰: اگر مسافر پشت سر مقیم نماز بخواند چگونه است؟
 پاسخ: اقتداء مسافر پشت سر مقیم صحیح است و بر مسافر چهار رکعت خواندن لازم می‌شود.

پرسش ۵۴۱: اگر امام مسافر باشد و مقتدی مقیم، مقتدی چگونه نماز بخواند؟
 پاسخ: امام دو رکعت خویش را خوانده سلام دهد و اعلام کند، «من مسافر هستم، شما نمازتان را تکمیل کنید!» مقتدیه‌ها بلند شده دو رکعت دیگر را بدون فاتحه و سوره بخوانند و اگر سهوی از آنها به عمل آمد، سجده سهو لازم نمی‌شود.

پرسش ۵۴۲: نماز در ماشین یا قطاری که در حال حرکت است. جایز است یا خیر؟
 پاسخ: آری! جایز است. اگر ایستادن برایش ممکن باشد بایستد و نماز بخواند و اگر ایستادن ممکن نبود بنشیند و نماز بخواند ولی در هر حال رو باید به طرف قبله باشد، اگر رو به طرف قبله نباشد یا در میان نماز از قبله منحرف شود و نتواند به سوی قبله متوجه شود نمازش صحیح نمی‌شود.

نماز جمعه:

پرسش ۵۴۳: نماز جمعه فرض است یا واجب و یا سنت؟

پاسخ: نماز جمعه فرض است. فرضیت و اهمیتش از نماز ظهر بیشتر است. در روز جمعه نماز ظهر خوانده نمی‌شود به جای آن، نماز جمعه برگزار می‌شود.

پرسش ۵۴۴: آیا نماز جمعه بر هر مسلمان فرض است؟

پاسخ: نماز جمعه بر مردانی که آزاد، بالغ، باهوش، مقیم و سالم باشند فرض است. پس بر کودکان، غلامان، دیوانه‌ها، بیماران، نابینایان، معلولان، سایر معذورین، مسافران و زنان، نماز جمعه فرض نیست.

پرسش ۵۴۵: اگر مسافر یا بیماران و زنان در نماز جمعه شرکت کنند، نماز آنها صحیح است یا خیر؟

پاسخ: آری، صحیح می‌شود و نماز ظهر از عهده آنان ساقط می‌گردد.

پرسش ۵۴۶: برای صحت نماز جمعه چه شرایطی وجود دارد؟

پاسخ: برای صحت نماز جمعه شرایط متعددی به قرار ذیل وجود دارد:

۱- جایی که نماز جمعه خوانده می‌شود باید شهر یا روستای بزرگ باشد. نیز در اطراف شهر که با شهر مرتبط باشد مانند فرودگاه، ایستگاه ماشین، قبرستان و غیره نماز جمعه جایز است.

در روستاها و آبادیهای کوچک جایز نیست.

۲- وقت نماز ظهر باشد.

۳- پیش از نماز خطبه خوانده شود.

۴- وجود جماعت.

۵- برای شرکت در نماز جمعه اِذْنِ عَام باشد. یعنی هر کس بتواند به راحتی شرکت کند. در صورتی که این پنج شرایط وجود داشته باشد، نماز جمعه جایز خواهد بود.

پرسش ۵۴۷: روش مسنون خطبه خواندن چگونه است؟

پاسخ: پیش از نماز، امام بر منبر بنشیند و روبروی وی مؤذن اذان گوید. چون اذان به پایان رسد، امام به سوی مردم متوجه شده، خطبه بخواند پس از اینکه خطبه اول خوانده شود، اندکی درنگ کرده بنشیند. باز برخیزد و خطبه دوم را بخواند وقتی خطبه دوم تمام شد از منبر فرود آید و مؤذن تکبیر گوید و امام نماز را شروع کند.

پرسش ۵۴۸: اذان خطبه در چه جایی گفته شود؟

پاسخ: روبروی امام گفته شود خواه در کنار منبر باشد یا به فاصله یکی دو صف و یا بیرون از محدوده صفها.

پرسش ۵۴۹: خطبه خواندن به غیر عربی مثلاً به فارسی یا به زبان اردو یا خواندن اشعار اردو در خطبه چگونه است؟

پاسخ: به جز زبان عربی خطبه به هر زبان دیگر مکروه است، البته فرض خطبه اداء می شود ولی از ثواب آن کاسته می شود.

پرسش ۵۵۰: در حین خواندن خطبه چه کارهایی جایز نیستند؟

پاسخ:

۱- سخن گفتن.

۲- نماز نفل یا سنت خواندن.

۳- غذا خوردن.

۴- آب نوشیدن.

۵- پاسخ کسی را گفتن.

۶- تلاوت قرآن و غیره.

خلاصه هر امری که در گوش دادن به خطبه، خلل ایجاد کند و مانع شود، مکروه است، و از وقتی که امام برای خطبه خواندن حرکت می کند تا پایان خطبه تمام موارد ذکر شده، نادرست است.

پرسش ۵۵۱: منظور از اینکه گفته شد، جماعت برای نماز جمعه شرط است چیست؟
پاسخ: برای برپا کردن نماز جمعه، علاوه بر امام، وجود سه نفر دیگر ضروری است. که اگر آن سه نفر نباشند، نماز صحیح نخواهد شد.

پرسش ۵۵۲: هدف از «إِذْنِ عام» چیست؟
پاسخ: مراد از «إِذْنِ عام» این است که: هر کس بخواهد در نماز جمعه شرکت کند برایش مانعی وجود نداشته باشد. در چنین محلی که افراد خاص بتوانند شرکت کنند و اجازه شرکت برای عامه مردم نباشد نماز جمعه صحیح نیست.

پرسش ۵۵۳: نماز جمعه چند رکعت خوانده می شود؟
پاسخ: دو رکعت است چه از اول با امام شریک باشد و چه در قعه اخیره وی را دریابد، دو رکعت بخواند.

نماز عیدین:

پرسش ۵۵۴: در روز عید چه کارهایی سنت یا مستحب هستند؟

پاسخ:

- ۱- غسل کردن و مسواک زدن.
 - ۲- بهترین لباس پوشیدن.
 - ۳- خوشبویی زدن.
 - ۴- پیش از رفتن به نماز در عید فطر خرما یا دیگر چیز شیرینی خوردن.
 - ۵- صدقه فطر را اداء کردن و رفتن به سوی مصلی.
 - ۶- بعد از عید اضحی به خانه آمدن و از گوشت قربانی خویش خوردن.
 - ۷- خواندن نماز عید در مصلی.
 - ۸- رفتن به مصلی از یک مسیر و برگشتن از مسیری دیگر.
 - ۹- پیاده رفتن.
 - ۱۰- پیش از نماز عید نخواندن نفل چه در خانه و چه در مصلی و در عیدگاه بعد از نماز عید، نمازی دیگر نخواندن.
- پرسش ۵۵۵: تکبیر گفتن به هنگام رفتن به عید، در مسیر راه چگونه است؟
- پاسخ: اگر آهسته تکبیر گوید، اشکالی ندارد ولی در عید اضحی با صدای بلند تکبیر گفتن، مستحب است.

پرسش ۵۵۶: نماز عید واجب است یا سنت؟

پاسخ: نماز هر دو عید واجب است و بر هر کس که نماز جمعه فرض است، نماز عید هم فرض می‌باشد. و همان شرایطی که برای نماز جمعه لازم بودند برای نماز عید هم لازم هستند. البته خطبه در عیدین فرض نیست و پیش از نماز خوانده نمی‌شود، بلکه خواندن آن بعد از نماز سنت است.

پرسش ۵۵۷: نماز عیدین چند رکعت است و چگونه خوانده می‌شود؟

پاسخ: نماز هر دو عید دو رکعت است و به شرح زیر خوانده می‌شود:

۱- برای نماز عیدین اذان و تکبیر لازم نیست.

پیش از خواندن نماز چنین نیت کند که نماز واجب عید فطر یا عید اضحی را با شش تکبیر زاید پشت سر این امام، اداء می‌کنم. آنگاه تکبیر گفته، دستها را ببندد و «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» را بخواند. سپس دستها را بلند کرده تکبیر گوید و دستها را رها کند.

بار دوم، دستها را بلند کرده، تکبیر بگوید و دستها را رها کند.

بار سوم، نیز دستها را تا گوشها بلند کرده، تکبیر گوید و سپس دستها را ببندد.

آنگاه امام، تعوذ، تسمیه، سوره فاتحه را به همراه سوره‌ای دیگر خوانده، رکوع کند.

هنگامی که برای رکعت دوم بلند شود، نخست قرائت بخواند و چون از قرائت فارغ شود، دستها را تا گوشها بلند کرده تکبیر گوید و دستها را رها سازد، بار دوم و سوم نیز چنین کند، بار چهارم تکبیر گفته به رکوع رود و بر حسب معمول، نماز را به پایان برساند.

در خاتمه، امام بلند شود و خطبه بخواند و همه مردم خاموش بنشینند و به خطبه گوش دهند. در عیدین نیز، دو خطبه وجود دارد و در میان هر دو نشستن سنت است.

پرسش ۵۵۸: چه احکامی مخصوص عید اضحی هستند؟

پاسخ:

۱- در حین رفتن به عیدگاه با صدای بلند، تکبیر گفتن.

۲- پیش از نماز، چیزی نخوردن.

۳- تکبیرات تشریق را گفتن.

پرسش ۵۵۹: «تکبیرات تشریق» را توضیح دهید؟

پاسخ: در ایام تشریق، پس از نمازهای فرضی، تکبیر گفته می شود که به آن اصطلاحاً «تکبیرات تشریق» گویند.

پرسش ۵۶۰: به چه روزهایی، روزهای تشریق گفته می شود؟

پاسخ: ایام تشریق سه روز هستند.

یازدهم، دوازدهم، سیزدهم ذی الحجه.

پرسش ۵۶۱: «تکبیر تشریق» از چه مدتی آغاز می شود و تا کی ادامه دارد؟

پاسخ: بعد از نماز فجر روز عرفه، نهم ذی الحجه شروع می شود و تا نماز عصر روز سیزدهم ذی الحجه تکبیر تشریق گفتن واجب است. تکبیر تشریق با صدای بلند گفته می شود. البته زنان آهسته گویند. اگر امام فراموش کرد، مقتدیها حتماً بگویند.

پرسش ۵۶۲: «تکبیر تشریق» چگونه خوانده می شود؟

پاسخ: «تکبیر تشریق» اینگونه خوانده می شود: «اللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ، لا إِلَهَ إِلاَّ اللهُ، وَاللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ». بعد از نمازهای فرضی یک بار خواندن آن واجب است.

نماز جنازه:

پرسش ۵۶۳: نماز میت فرض است یا واجب؟

پاسخ: نماز میت فرض کفایه است. اگر یکی دو نفر آن را بخوانند، از عهده دیگران ساقط می‌شود و اگر کسی آن را نخواند، همه گناهکار می‌شوند.

پرسش ۵۶۴: نماز جنازه دارای چه شرایطی است؟

پاسخ: نماز جنازه دارای شرایط ذیل است:

۱- مسلمان بودن میت.

۲- پاک بودن میت.

۳- پاک بودن کفن وی.

۴- پوشیده بودن عورت وی.

۵- قرار داشتن میت در مقابل نماز گزار.

پرسش ۵۶۵: روش کامل ادای نماز جنازه چگونه است؟

پاسخ: نخست صف بسته برابر بایستند، اگر جمعیت مردم زیاد بود در پنج صف یا در دو یا هفت صف بایستند، هنگامی که مردم آماده نماز شدند، نیت نماز جنازه را بکنند. هر یک چنین نیت کند که برای خدا نماز جنازه این میت را پشت سر این امام می‌خوانم آنگاه امام با صدای بلند و مقتدیها آهسته تکبیر گویند. و هر دو دست را تا گوشها بالا برده زیر ناف قرار دهند و آهسته ثنأ بخوانند و بعد از «تَعَالَى جَدُّكَ، جَلَّ ثَنَاؤُكَ» بخوانند. سپس تکبیر دوم را بدون بالا بردن دستها بگویند و درود بخوانند. همان درودی که در قعده آخر نماز خوانده می‌شود.

باز تکبیر سوم را آهسته بگویند، و اگر میت مرد بالغ یا زن بالغه‌ای با امام و مقتدیه‌ها این دعا را آهسته بخوانند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا، وَشَاهِدِنَا، وَعَائِنَا وَصَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا، وَذَكَرِنَا وَأُنْثَانَا. اللَّهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَخِيهِ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى الْإِيمَانِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»^۱. و اگر میت کودک غیر بالغی باشد این دعا را بخوانند. «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا فَرَطًا، وَاجْعَلْهُ لَنَا أَجْرًا وَدُخْرًا، وَاجْعَلْهُ لَنَا شَافِعًا مُشَفَّعًا»^۲.

و اگر دختر غیر بالغه‌ای باشد بر وی هم همین دعا خوانده شود. البته با این تفاوت که در هر سه جا به جای ضمیر مذکور «اجعله» ضمیر مؤنث «اجعلها» و به جای «شافعاً و مشفعاً»، «شافعُ و مشفعه» گفته می‌شود. سپس امام با صدای بلند و مقتدیه‌ها به طور آهسته تکبیر چهارم را گفته امام با صدای بلند نخست به سمت راست و سپس به سمت چپ سلام دهد و مقتدیه‌ها هم آهسته سلام دهند.

پرسش ۵۶۶: پس از اینکه از نماز جنازه فارغ شوند چه کار کنند؟

پاسخ: به محض اینکه از نماز فارغ شوند میت را حمل کرده به طرف قبرستان ببرند و در حین بردن میت به قبرستان ساکت باشند و در فکر اعمال خویش و منزلگاه اخروی خویش باشند و در قلب خویش برای میت و خودشان دعای مغفرت کنند. هنگامی که به قبرستان رسیدند بلافاصله میت را به خاک بسپارند.

۱ - ترجمه: الهی! زنده و مرده، حاضر و غایب، کوچک و بزرگ، مرد و زن ما را مورد آمرزش قرار دهد، یا الله! هرکسی را از میان ما زنده نگه می‌داری بر اسلام زنده‌اش نگاه دار، و هرکسی را میرانی بر ایمان بمیران. بار الها.

۲ - ای بار الها! او را برای ما توشه آخرت بگردان توشه‌ای از پیش فرستاده شده، و او را برای ما اجر و ذخیره گردان، و او را برای ما شفیع و مقبول الشفاعة گردان.

روزه یکی از فرایض مهم اسلام:

پرسش ۵۶۷: روزه به چه چیزی گفته می شود؟

پاسخ: ترک خوردن غذا و نوشیدن و ترک همخوابی از طلوع فجر صادق با نیت و اراده تا غروب آفتاب را در اصطلاح شرع «روزه» می گویند. به روزه «صوم و صیام» و به خوردن پس از روزه «افطار» می گویند.

پرسش ۵۶۸: روزه بر چند قسم است؟

پاسخ: روزه بر هشت قسم است:

۱- فرض معین.

۲- فرض غیر معین.

۳- واجب معین.

۴- واجب غیر معین.

۵- سنت.

۶- نفل.

۷- مکروه.

۸- حرام.

پرسش ۵۶۹: «فرض معین» به چه روزه ای گفته می شود؟

پاسخ: در تمام سال روزه یک ماه یعنی ماه رمضان «فرض معین» است.

پرسش ۵۷۰: «فرض غیر معین» چه روزه ای است؟

پاسخ: اگر به خاطر عذری یا بدون عذر، روزه رمضان قضاء شد، قضای آن «فرض غیر معین» است.

پرسش ۵۷۱: «واجب معین» چه روزه‌ای است؟

پاسخ: اگر کسی نذر کرد که فلان روز یا در فلان تاریخ باید روزه بگیرد روزه آن روزها «واجب مُعَیَّن» می‌شود.

پرسش ۵۷۲: «واجب غیر معین» چه روزه‌ای است؟

پاسخ: روزه کفاره و نذرهای غیر معین «واجب غیر معین» است مثلاً یکی نذر کرد که اگر من در امتحان موفق شدم سه روز برای خدا روزه می‌گیرم.

پرسش ۵۷۳: چه روزه‌هایی «سُنَّت» هستند؟

پاسخ: در روزه‌ها هیچ روزه‌ای سنت مؤکده نیست ولی ایامی که پیامبر اکرم ﷺ در آنها روزه گرفته‌اند یا به روزه گرفتن تشویق نموده‌اند، در چنین روزه‌هایی روزه گرفتن سنت است مانند روز عاشورا و تاسوعا، روز عرفه یعنی نهم ذی الحجه، ایام بیض، یعنی سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم هر ماه.

پرسش ۵۷۴: چه روزه‌هایی «مُسْتَحَب» هستند؟

پاسخ: علاوه بر روزه‌های فرض، واجب و سنت بقیه روزه‌ها مستحب‌اند ولی بعضی روزها هستند که روزه گرفتن در آنها ثواب بیشتری دارد مانند: شش روز اول شوال، پانزدهم شعبان، روز جمعه، دوشنبه، پنجشنبه،

پرسش ۵۷۵: روزه گرفتن در چه روزه‌هایی مکروه است؟

پاسخ: فقط یکشنبه را روزه گرفتن یا روز عاشورا بدون تاسوعا، روز نوروز، روزه نفلی زن بدون اجازه شوهر همه اینها مکروه هستند.

پرسش ۵۷۶: چه روزه‌هایی «حَرَام» هستند؟

پاسخ: در تمام سال در پنج روز روزه گرفتن «حرام» است. عید فطر و عید اضحی، سه روز ایام تشریق، (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه).

روزه رمضان:

پرسش ۵۷۷: روزه رمضان چه ارزش و فضیلتی دارد؟

پاسخ: روزه رمضان فضیلت و ثواب بسیاری دارد. از آن جمله پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: کسی که برای رضای خدا رمضان را روزه گیرد، تمام گناهان گذشته او معاف می‌شوند. در حدیث دیگری چنین ذکر شده است: «بوی بد دهان روزه‌دار، به نزد پروردگار از بوی مشک و گلاب محبوب‌تر است!»

در حدیث دیگری مذکور است: «خداوند فرموده: روزه مخصوص من است و من خود پاداش آن را می‌دهم». فضیلت‌های دیگری هم در این خصوص وارد شده است.

پرسش ۵۷۸: روزه رمضان بر چه کسانی فرض است؟

پاسخ: روزه رمضان بر هر فرد مسلمان، عاقل، بالغ، چه مرد و چه زن فرض است. منکر فرضیت آن کافر می‌شود و کسی که بدون عذر آن را ترک کند فاسق و شدیداً گنهکار می‌شود. روزه رمضان گرچه بر کسانی که بالغ نشده‌اند فرض نیست. ولی برای اینکه کودکان هم به گرفتن روزه عادت کنند پیش از بالغ شدن به آنها گفته شود تا روزه بگیرند و نماز بخوانند. چنانکه در حدیث مذکور است که پیامبر فرمودند: «هنگامی که کودک به هفت سالگی برسد به وی دستور بدهید تا نماز بخواند و چون به ده سالگی رسید به خاطر نماز او را بزنید». نیز چون بتواند روزه بگیرد، هر چند روز که توانست، روزه گیرد.

پرسش ۵۷۹: از چه عذرهایی نگرفتن روزه جایز است؟

پاسخ:

۱- برای مسافری که در حال سفر است، روزه نگرفتن جایز است. ولی اگر در سفر مشقت و زحمتی برایش پیش نمی‌آید، روزه گرفتن، افضل است.

- ۲- بیماری، یعنی چنان بیماری که شخص بیمار نتواند روزه بگیرد، یا خطر ازدیاد و شدت بیماری وجود داشته باشد.
- ۳- پیری و کهولت که شخص نتواند در آن سن و سال بر اثر ضعف و سالخوردگی روزه گیرد.
- ۴- حاملگی و بارداری در صورتی که از روزه به زن یا به حمل وی ضرری برسد.
- ۵- زنی که به بچه‌اش شیر می‌دهد و اگر روزه بگیرد به بچه ضرر می‌رسد.
- ۶- بر اثر روزه چنان گرسنه یا تشنه شود که احتمال هلاک شدن و اندیشه مرگ وجود داشته باشد.
- ۷- در حال حیض و نفاس هم روزه گرفتن جایز نیست.

رؤیت ماه و گواهی در مورد آن:

پرسش ۵۸۰: رویت ماه رمضان با چه شرایطی ثابت می‌شود؟

پاسخ: پس از اینکه بیست و نه روز تمام از شعبان گذشت، واجب است که مردم برای رؤیت ماه رمضان تلاش کنند و پس از اینکه بیست و نه روز از ماه رجب گذشت، مستحب است که برای ماه شعبان تلاش کنند تا حساب ماه شعبان خوب مشخص شود اگر در تاریخ بیست و نهم شعبان ماه رمضان رؤیت شد، صبح آن روز روزه بگیرند و اگر ماه رویت نشد در صورتی که مَطْلَع صاف بود روزه نگیرند و اگر مَطْلَع ابر آلود و غبار آلود بود، صبح تا حدود ساعت نه و ده چیزی نخورند، زیرا ممکن است در جاهای دیگر، ماه رویت شده باشد و آنها بعداً آگاه شوند، و اگر پس از گذشت بیست و نه روز ماه رویت نشد اینگونه نیت کردن که اگر فردا رمضان باشد روزه رمضان می‌گیرم و اگر از شعبان باشد روزه نفلی خواهم گرفت، مکروه است.

پرسش ۵۸۱: برای رویت ماه رمضان چه نوع شهادتی معتبر است؟
 پاسخ: اگر «أُفُق» صاف نباشد مثلاً ابر آلود باشد، برای رویت ماه رمضان گواهی یک نفر با تقوا و راستگو معتبر و قابل قبول است، چه مرد باشد و چه زن، آزاد باشد یا غلام. همچنین کسی که فسقش ظاهر و نمایان نیست، گواهی وی نیز معتبر است.

پرسش ۵۸۲: برای رؤیت ماه عید چه نوع شهادتی معتبر است؟
 پاسخ: در صورتی که «أُفُق» صاف نباشد برای عید فطر و عید اضحی گواهی دو مرد با تقوا و راستگو معتبر است، نیز یک مرد و دو زن هم گواهی شان مورد قبول است.
 اگر «مَطْلَع» صاف باشد برای ثبوت رؤیت ماه رمضان و هر دو عید حداقل آنقدر افراد باید شهادت بدهند که به ظاهر ممکن و محتمل نباشد که این مقدار افراد به دروغ شهادت می دهند، بلکه به محض گواهی آنان، به ثبوت رؤیت ماه اطمینان حاصل شود.

پرسش ۵۸۳: اگر خبر رؤیت ماه از شهرهای دیگر واصل شد قابل قبول است یا خیر؟
 پاسخ: آری، ولو اینکه آن شهر و محل بسیار دور هم باشد، مثلاً اگر اهل برمه ماه را رؤیت نکردند و اهل بمبئی به رؤیت ماه گواهی دادند. روزه بر آنها لازم می شود و این خبر معتبر خواهد بود. به شرطی که گواهی بر حسب شهادت شرعی باشد، تلگراف اعتباری ندارد.

پرسش ۵۸۴: اگر کسی که ماه را رؤیت کرده بود شهادتش پذیرفته نشد و دیگر کسانی هم رؤیت نکرده بودند و روزه هم گرفته نشد آیا بر خود بیننده روزه گرفتن لازم است یا خیر؟
 پاسخ: آری! بر کسی که ماه را رؤیت کرده واجب است که آن روز را روزه گیرد ولو اینکه شهادتش رد شده باشد. و اگر طبق حساب و شمارش او، سی روز از رمضان تمام شد ولی بقیه مردم روز سی و یکم را هم روزه گرفته اند بر او لازم است که آن روز را هم روزه گیرد.

نیت روزه:

پرسش ۵۸۵: آیا برای گرفتن روزه نیت کردن لازم است یا خیر؟

پاسخ: آری! برای روزه نیت شرط است، اگر به طور اتفاقی از صبح صادق تا غروب آفتاب از خوردن و نوشیدن و جماع اجتناب ورزید ولی نیت روزه را نکرده بود، چنین روزه‌ای صحیح نیست.

پرسش ۵۸۶: در چه زمانی باید نیت شود؟

پاسخ: نیت رمضان، نذر معین و روزه‌های نفل و سنت را در شب بکند یا در صبح تا پیش از ظهر نیت بکند هم جایز است.

البته مراد از روز، روز شرعی است یعنی از صبح صادق تا هنگام غروب آفتاب. مثلاً اگر صبح صادق در ساعت چهار دمیده بود و غروب آفتاب ساعت شش، در این صورت این روز چهارده ساعت بوده است که نصف آن در رأس ساعت یازده قرار می‌گیرد و تا پیش از ساعت یازده نیت صحیح می‌شود. و نیت روزه قضاء، کفاره و نذر معین را باید پیش از صبح صادق بکند.

پرسش ۵۸۷: چگونه باید نیت کرد؟

پاسخ: در روزه رمضان، نذر معین، سنت و نفل چه نیت همان روزه‌ها را بکند یا فقط اراده روزه مطلق بکند یا نیت نفل بکند در هر صورت، در رمضان به جای روزه رمضان و در روزه نذر معین به جای نذر معین و در باقی روزها به جای سنت یا نفل واقع می‌شود. در نیت روزه نذر غیر معین، کفاره و قضای رمضان به طور خاص باید روزه همانها را نیت کند.

پرسش ۵۸۸: نیت با قلب بشود یا با زبان؟

پاسخ: نیت به معنای قصد و اراده است قصد و اراده با قلب کافی است اگر با زبان هم نیت کند بهتر است

مستحبات روزه:

پرسش ۵۸۹: در روزه چه چیزهایی مستحب هستند؟

پاسخ:

- ۱- سحری خوردن.
 - ۲- در شب نیت روزه کردن.
 - ۳- در آخر شب سحری خوردن به شرطی که پیش از صبح صادق از خوردن سحری فارغ شود.
 - ۴- تعجیل در افطار با توجه به اینکه به غروب آفتاب یقین حاصل شود.
 - ۵- دوری جستن از غیبت، دروغ، فحش گویی و غیره.
 - ۶- افطار با خرما و در صورت نبودن با آب خالص.
- پرسش ۵۹۰: سحری یعنی چه و وقت آن چه زمانی است؟
- پاسخ: سحری به خوردن غذا در آخر شب پیش از طلوع فجر، گفته می‌شود و خوردن سحری سنت و ثواب بسیاری دارد. اگر اشتهای غذا هم نداشت یکی دو لقمه بخورد.

مکروهات روزه:

پرسش ۵۹۱: در روزه چه چیزهایی مکروه است؟

پاسخ:

- ۱- چیزهایی را در دهان گذاشتن و جویدن به شرطی که فرو نبرد.
- ۲- چشیدن چیزی. البته برای زن جایز است که از غذایی که تهیه می‌کند، بجشد تا مورد خشم و غضب شوهر واقع نشود، ولی مواظب باشد فرو نبرد.
- ۳- غرغره کردن در وقت مضمضه و یا بالا بردن آب با بینی در وقت استنشاق.

- ۴- جمع کردن آب دهان بسیار، در دهان.
- ۵- غیبت، دروغ، فحش گوئی، مجادله.
- ۶- اظهار بی اطمینانی، گرسنگی و تشنگی.
- ۷- تأخیر غسل جنابت به طور عمد تا بعد از صبح صادق.
- ۸- استفاده از خمیر دندان.

پرسش ۵۹۲: چه چیزهایی در روزه مکروه نیستند؟

پاسخ:

- ۱- استفاده از سرمه.
 - ۲- بر سر و صورت و بدن خویش روغن مالیدن.
 - ۳- استحمام به خاطر نشاط و سرد شدن بدن.
 - ۴- استفاده از مسواک شرعی.
 - ۵- زدن عطر و ادکلن.
 - ۶- خوردن و نوشیدن، به فراموشی.
 - ۷- استفراغ بدون قصد و اختیار.
 - ۸- فرو بردن آب دهان خویش.
 - ۹- بدون اختیار فرو رفتن مگس و یا دود و غبار در حلق.
- از تمام موارد یاد شده نه روزه باطل می شود و نه کراهتی در آن به وجود می آید.

آنچه روزه را فاسد می کند:

پرسش ۵۹۳: «مُفسِدات» روزه یعنی چه؟

پاسخ: «مُفسِدات» به چیزهایی گفته می شود که: از آنها روزه فاسد می شود. و آنها بر دو نوع اند که از ارتکاب بعضی فقط قضاء واجب و از بعضی دیگر قضاء و کفاره لازم می شود.

پرسش ۵۹۴: چه چیزهایی روزه را فاسد و قضای آن را واجب می کنند؟

پاسخ:

- ۱- اگر با زور و اکراه به روزه دار چیزی داده شد.
- ۲- به یاد روزه بود ولی در حین مضمضه آب از حلقش فرو رفت.
- ۳- استفراغ کرد و سپس عمداً آن را فرو برد.
- ۴- به اندازه پری دهان عمداً استفراغ کرد.
- ۵- عمداً سنگ یا کلوخ یا چیز دیگری فرو برد.
- ۶- غذایی که در میان دندانها باقی مانده بود آن را با زبان بیرون آورد و خورد. در صورتی که به اندازه نخود یا بزرگتر از آن باشد و اگر از دهان بیرون کرد باز آن را فرو برد در هر صورت روزه فاسد می شود. خواه بزرگ باشد یا کوچک.
- ۷- روغن و یا قطره در گوش چکانید.
- ۸- از تنباکو و نسوار استفاده کرد.
- ۹- خونی که از دندانها یا دهان بیرون آمده بود آن را فرو برد. در صورتی که بر آب دهان غالب باشد.

۱۰- نخست به فراموشی غذا خورد و سپس به گمان اینکه شاید روزه‌اش باطل شده عمداً غذا بخورد یا آب بنوشد.

۱۱- به گمان اینکه آفتاب غروب کرده افطار کرد، سپس معلوم شد که هنوز آفتاب غروب نکرده است. در تمام موارد یاد شده روزه فاسد شده و قضای آن روز لازم می‌شود.

پرسش ۵۹۵: در چه صورتهایی قضاء و کفاره هر دو لازم می‌شوند؟

پاسخ:

۱- در حال روزه ماه مبارک رمضان عمداً چیزی خورد و یا نوشید که از آن به عنوان غذا، و یا حصول لذت و نشاط استفاده می‌شود.

۲- عمداً هم خوابی کرد.

۳- حجامت کرد و یا از سرمه استفاده کرد. سپس به گمان اینکه روزه‌اش باطل شده روزه خویش را فاسد کرد.

پرسش ۵۹۶: اگر در ماه مبارک رمضان روزه کسی باطل شد، خوردن و نوشیدن برایش جایز است یا خیر؟

پاسخ: جایز نیست، بلکه لازم است تا غروب آفتاب از خوردن و نوشیدن خودداری کند، همچنین اگر در طول روز مسافری به خانه‌اش وارد شد یا غیر بالغی بالغ گشت یا زنی که در حیض و نفاس بود، پاک شد یا دیوانه‌ای سالم شد، بر آنها لازم است که باقی مانده روز را از خوردن و نوشیدن خودداری کنند.

پرسش ۵۹۷: علاوه از باطل کردن روزه رمضان، از باطل کردن سایر روزه‌ها کفاره لازم می‌شود یا خیر؟

پاسخ: کفاره فقط از باطل کردن روزه رمضان واجب می‌شود.

قضای روزه:

پرسش ۵۹۸: در چه صورتهایی قضای روزه لازم می‌شود؟

پاسخ:

۱- بدون عذر روزه فرض یا واجب معین را نگرفت.

۲- بر اثر عذری موفق به گرفتن روزه نشد.

۳- بر اثر عذری روزه را فاسد کرد یا فاسد شد.

در این صورتهای قضای روزه فرض می‌شود.

پرسش ۵۹۹: قضای روزه کی باید گرفته شود؟

پاسخ: هر چه زودتر قضاء به جا آورده شود بهتر است تأخیر بدون عذر صحیح نیست.

پرسش ۶۰۰: اگر قضای رمضان قبلی بر ذمه‌اش باقی بود و رمضان جدید فرا رسید چه کار

کند؟

پاسخ: روزه رمضان را گرفته سپس قضای رمضان قبلی را به جا آورد.

پرسش ۶۰۱: قضای روزه پیاپی گرفته شود یا با فاصله؟

پاسخ: هر دو صورت جایز است.

پرسش ۶۰۲: اگر روزه نفلی را فاسد کرد حکمش چیست؟

پاسخ: قضای آن لازم است. چون روزه نفلی و نماز نفلی به محض شروع بر عهده آدمی

واجب می‌شوند.

پرسش ۶۰۳: اگر توانایی قضای روزه را نداشت چه کار کند؟

پاسخ: در صورتی که به قدری پیر و ناتوان شده بود که نمی‌توانست قضای روزه را بیاورد و

در آینده هم احتمال استطاعت نبود یا چنان بیمار بود که از قضاء عاجز بود و احتمال این

هم نبود که در آینده بهبودی حاصل شود، در این صورتهای «فدیه» دادن جایز می‌شود.

پرسش ۶۰۴: «فدیه» روزه‌ها چقدر است؟

پاسخ: در قبال هر روز نصف صاع گندم (۲۵۰/۲) کیلو گرم) یا یک صاع جو یا خرما (۵/۴ کیلو گرم) یا قیمت معادل آنها را به نرخ روزپردازد. «فدیه» هر نماز فرض و واجب هم همین مقدار است. البته تا زمانی که بتواند نماز را با اشاره بخواند، باید با اشاره بخواند. و وقتی نتواند با اشاره بخواند. و در همان حال بمیرد یا در همان حال وقت شش نماز بر وی بگذرد، در چنین حالتی نماز از عهده‌اش ساقط می‌شود.

پرسش ۶۰۵: اگر بر عهده کسی روزه چند روز باقی بود و مرد اگر از طرف وی کسی روزه گیرد، جایز است یا خیر؟

پاسخ: خیر! از عهده میت ساقط نمی‌شود. البته اگر وارثان فدیة بدهند جایز است.

کفاره روزه:

پرسش ۶۰۶: کفاره باطل کردن روزه چیست؟

پاسخ: کفاره این است که یک غلامی آزاد کند. البته در حال حاضر که غلام نیست به دو صورت کفاره بدهد. اول اینکه دو ماه پیایی روزه گیرد. دوم اینکه اگر توان دو ماه روزه پیایی را ندارد، به شصت نفر مسکین در دو وقت طعام بخوراند یا به هر نفری نصف صاع گندم (۲۵۰/۲) کیلو گرم) یا قیمت معادل آن را بدهد. و اگر تمام کفاره را به یک نفر در یک وقت داد، جایز نیست. اگر به یک نفر تا شصت روز هر روز مقدار نصف صاع یا قیمت آن را بدهد جایز است.

پرسش ۶۰۷: اگر به یک مسکین کمتر از نصف صاع گندم بدهد جایز است یا خیر؟

پاسخ: خیر! در کفاره به یک نفر کمتر از نصف صاع یا در یک روز بیشتر از آن دادن جایز نیست. بلکه در قبال هر روز نصف صاع گندم یا قیمت آن را باید داد.

پرسش ۶۰۸: اگر در یک رمضان چند کفاره بر کسی لازم شده بود، حکمش چیست؟
پاسخ: در قبال همه یک کفاره بدهد جایز است.

اعتکاف:

پرسش ۶۰۹: «اعتکاف» به چه چیزی گفته می‌شود؟
پاسخ: «اعتکاف» به این گویند که: انسان در مسجدی که جماعت در آن اقامه می‌شود، به قصد عبادت قیام کند.

پرسش ۶۱۰: چگونه قیام در مسجد عبادت است؟
پاسخ: چون آدمی سیر و تفریح، کارها و مشغولیتها را ترک کرده و به خاطر کسب رضای خدا در مسجد قیام می‌کند، این قیام برایش عبادت حساب می‌شود.

پرسش ۶۱۱: زن در کجا اعتکاف بنشیند؟
پاسخ: در خانه خود جایی که نماز می‌خواند، نیت اعتکاف کرده، در همانجا بماند و بدون عذر مانند وضو، غسل و غیره از آن محل بیرون نشود و اگر در خانه جای خاصی برای نماز خواندن معین نبود قبل از اینکه اعتکاف بنشیند جای مخصوصی را برای اعتکاف تعیین کند، سپس اعتکاف بنشیند.

پرسش ۶۱۲: اعتکاف چه فوایدی دارد؟
پاسخ: در اعتکاف فواید بسیاری وجود دارد از آن جمله:
۱- کسی که اعتکاف می‌نشیند تمام وقت و جسم خویش را برای عبادت خداوند وقف می‌کند.

۲- از جنگ و جدال و شرارتهای دنیوی محفوظ می‌ماند.

۳- برای معتکف همیشه ثواب نماز جریان دارد چون معتکف همیشه در اشتیاق نماز و جماعت به سر می‌برد.

۴- معتکف در حال اعتکاف با فرشتگان مشابَهت پیدا می‌کند چون همه وقت در تسبیح و عبادت خداوند مشغول است. معتکف در حال اعتکاف میهمان خدا است چون مسجد خانه خدا است.

پرسش ۶۱۳: اعتکاف بر چند نوع است؟

پاسخ: اعتکاف بر سه قسم است: ۱- واجب ۲- سنت مؤکده ۳- مستحب.

پرسش ۶۱۴: اعتکاف واجب به چه اعتکافی می‌گویند؟

پاسخ: اعتکاف نذری واجب است. یعنی اگر کسی نذر کرد که به خاطر خدا سه روز اعتکاف بنشیند، یا چنین گفت: اگر فلان کارم بیانجامد به خاطر خدا دو روز اعتکاف می‌نشینم.

پرسش ۶۱۵: اعتکاف سنت مؤکده به چه اعتکافی می‌گویند؟

پاسخ: اعتکاف دهه آخر ماه رمضان سنت مؤکده است. از غروب آفتاب بیستم رمضان آغاز می‌شود و با رؤیت ماه عید پایان می‌یابد. این اعتکاف سنت کفایه است. یعنی اگر یک نفر معتکف شود از ذمه همه ساقط می‌شود و اگر یک نفر هم معتکف نشد تمام مردم آن محله مسؤول هستند.

پرسش ۶۱۶: اعتکاف مستحب کدام اعتکاف است؟

پاسخ: علاوه از اعتکاف واجب و سنت مؤکده هر نوع اعتکافی مستحب است و در تمام ایام سال هم اعتکاف جایز است.

پرسش ۶۱۷: برای صحت اعتکاف چه شرایطی وجود دارد؟

پاسخ:

- ۱- حرفهای خوب و دینی گفتن.
 - ۲- پاک بودن از جنابت، حیض و نفاس.
 - ۳- عاقل بودن.
 - ۴- نیت کردن.
 - ۵- در مسجد اعتکاف نشستن.
- این موارد برای هر نوع اعتکافی لازم‌اند و برای اعتکاف واجب، روزه هم شرط است.

مستحبات اعتکاف:

پرسش ۶۱۸: در اعتکاف چه چیزهایی مستحب است؟

پاسخ:

- ۱- سخنهای خوب و دینی گفتن.
- ۲- تلاوت قرآن.
- ۳- درود خواندن.
- ۴- تعلیم و تعلم مسایل دینی.
- ۵- بیان موعظه و پند و اندرز.
- ۶- در مسجد جامع اعتکاف نشستن.

اوقات اعتکاف:

پرسش ۶۱۹: حداقل مدت اعتکاف چند روز است؟

پاسخ: چون برای اعتکاف واجب روزه هم شرط است لذا حداقل مدت آن یک روز است. لذا نذر اعتکاف کمتر از یک روز یا فقط اعتکاف شب صحیح نخواهد بود. وقت اعتکاف سنت مؤکده، دهه اخیر ماه مبارک رمضان است. برای اعتکاف نفل وقتی تعیین نیست. یعنی نمی تواند به طور نفل یکی دو ساعت یا بیشتر و یا کمتر نیت اعتکاف کند. در وقت داخل شدن به مسجد اگر نیت اعتکاف کند، در شبانه روز ثواب بسیاری به وی خواهد رسید.

کارهایی که در اعتکاف جایز است:

پرسش ۶۲۰: بیرون آمدن معتکف برای چه کارهایی جایز است؟

پاسخ:

- ۱- برای بول و غایط.
- ۲- غسل فرضی.
- ۳- برای نماز جمعه به محض زوال آفتاب یا در وقتی که به مسجد می رسد و پیش از خطبه بتواند چهار رکعت سنت بخواند.
- ۴- برای اذان از مسجد بیرون رفتن و اذان گفتن.

پرسش ۶۲۱: برای بول و غایط تا چه مقدار دور می‌تواند برود؟

پاسخ: تا خانه خویش ولو اینکه دور هم باشد. البته اگر دو خانه دارد که یکی به وی نزدیک است و دیگری دور لازم است که به همان خانه نزدیک برود.

پرسش ۶۲۲: بیرون رفتن معتکف برای شرکت در نماز جنازه جایز است یا خیر؟

پاسخ: اگر هنگام اعتکاف نیت کرده بود که برای نماز جنازه بیرون خواهم رفت جایز است و گرنه جایز نیست.

پرسش ۶۲۳: علاوه از امور مذکور چه کارهایی در مسجد جایزاند؟

پاسخ: خوردن، نوشیدن، خوابیدن، خریداری چیزی که مورد لزوم باشد، مشروط بر اینکه کالا را در مسجد حاضر نکنند، انعقاد عقد نکاح.

آنچه اعتکاف را فاسد و یا مکروه می‌کند:

پرسش ۶۲۴: چه چیزهایی در اعتکاف مکروه‌اند؟

پاسخ:

۱- خاموشی مطلق و این خاموشی را عبادت پنداشتن.

۲- کالا و وسایل در مسجد آوردن و خرید و فروش آنها، جنگ و مجادله و حرفهای بیهوده گفتن.

پرسش ۶۲۵: اعتکاف از چه چیزهایی فاسد می‌شود؟

پاسخ:

۱- بدون عذر عمدی یا سهواً از مسجد بیرون رفتن.

۲- جماع در حال اعتکاف.

۳- به خاطر عذری بیرون رفتن و بیش از حد ضرورت درنگ کردن.

۴- به خاطر بیماری یا ترس از مسجد بیرون رفتن. در تمام این موارد اعتکاف فاسد می شود. پرسش ۶۲۶: اگر اعتکاف فاسد شود قضای آن لازم است یا خیر؟ پاسخ: قضای اعتکاف واجب، واجب است و قضای اعتکاف سنت و نفل واجب نیست.

نذر:

پرسش ۶۲۷: «نذر» کردن چگونه است؟ پاسخ: جایز است و انجام آن واجب می شود. پرسش ۶۲۸: آیا انجام هر نذری واجب است؟ پاسخ: نذری که خلاف شرع نباشد و شرایط آن فراهم شود، به جا آوردن آن واجب است و نذری که با شرع مخالف باشد به جا آوردن آن، جایز نیست. پرسش ۶۲۹: برای صحت «نذر» چه شرایطی وجود دارد؟ پاسخ:

۱- «نذر» به انجام عبادتی باشد، مانند اینکه بگوید: اگر فلان مشکل حل شود به خاطر خدا دو رکعت نماز می خوانم یا روزه می گیرم یا به این قدر مسکین طعام می خورانم یا این قدر پول صدقه می کنم.

۲- چیزی را که نذر کرده است، از قدرت و توان وی خارج نباشد و گرنه نذر صحیح نمی شود، مثل اینکه بگوید: اگر فلان کارم بیانجامد اجناس مغازه فلانی را صدقه می کنم. این نذر صحیح نیست چون مال دیگران در ملک او داخل نیست و صدقه کردن آن از توانش خارج است. شرایط دیگری هم برای نذر وجود دارد که در کتابهای بزرگتر نوشته شده است.

پرسش ۶۳۰: نذر برای پیامبر یا امام یا دیگر شخص عالم و صالحی چه حکمی دارد؟
 پاسخ: نذر فقط برای خداوند جایز است برای دیگران حرام است. چون نذر یک نوع عبادت است و هیچ کس به جز خداوند استحقاق و شایستگی عبادت را ندارد.

زکات یکی از فرایض مهم اسلام:

پرسش ۶۳۱: «زکات» به چه چیزی گفته می‌شود؟
 پاسخ: «زکات» به آن سهم مخصوص از مال گفته می‌شود، که بر حسب دستور خداوند، آن را از مال خویش بیرون نموده، در ملک فقرا، و مستمندان در آوریم. نماز و روزه عبادت بدنی هستند و زکات عبادت مالی است.

پرسش ۶۳۲: زکات فرض است یا واجب؟
 پاسخ: زکات فرض است. فرضیت آن از دستورهای قرآن و از فرمایشات آن حضرت ﷺ ثابت شده است. کسی که منکر فرضیت آن باشد کافر است و کسی که از ادای آن خودداری کند، فاسق است.

پرسش ۶۳۳: برای فرض شدن زکات چه شرایطی وجود دارد؟
 پاسخ: مسلمان بودن، آزاد بودن، عاقل بودن، بالغ بودن، مالک نصاب بودن، اضافه بودن نصاب از مایحتاج و قرضها. پس اگر مالک نصاب هست ولی مقروض و بدهکار است یا تا آخر سال برایش مالی باقی نماند، در این صورتهای نیز فرض نمی‌شود.

نصاب و مال زکات:

پرسش ۶۳۴: در چه مالهایی زکات فرض است؟

پاسخ: در نقره، طلا و هر نوع مال تجارت زکات فرض است.

پرسش ۶۳۵: هدف از طلا و نقره سکه آن دو است یا چیز دیگر؟

پاسخ: هر چیزی که از طلا و نقره باشد زکات در آن فرض است. مانند: سکه، زیور آلات، ظروف و غیره.

پرسش ۶۳۶: در جواهرات، زکات فرض است یا خیر؟

پاسخ: اگر برای کسب و تجارت باشند زکات فرض است، و اگر برای کسب و تجارت نباشند، زکات فرض نیست. ولو اینکه ارزش و بهای زیادی داشته باشند.

نیز اگر به نزد کسی ظروف آلومینیوم، مس و غیره بیش از حد نصاب باشد یا مغازه و منزلی داشته باشد که از نصاب بیشتر باشد و به کرایه داده شده یا علاوه بر طلا و نقره، اسباب و وسایل دیگری دارد که برای تجارت نیستند، در هیچ یک از اینها زکات لازم نمی‌شود.

پرسش ۶۳۷: در اسکناسی که به صورت کاغذ چاپ می‌شود و از نظر دولتها رسمیت و اعتبار دارد، زکات فرض است یا خیر؟

پاسخ: آری؛ اگر به قدر نصاب باشد زکات فرض است.

پرسش ۶۳۸: اگر به نزد کسی مقداری طلا و مقداری نقره موجود است که هیچیک از آن

دو به اندازه نصاب نیست در آنها زکات فرض است یا خیر؟

پاسخ: در صورت مذکور قیمت طلا با قیمت نقره و یا قیمت نقره با قیمت طلا معادله و سنجیده می‌شود، اگر قیمت یکی از آن دو به اندازه نصاب برسد، زکات لازم است و اگر نرسد لازم نیست.

پرسش ۶۳۹: اگر در نزد کسی پنج یا شش مثقال طلا موجود است که اگر با نقره قیمت شوند نصاب نقره کامل می شود ولی غیر از طلا دیگر چیزی که از نقره باشد در نزد او موجود نیست آیا در این صورت زکات فرض است؟

پاسخ: در صورت ذکر شده زکات فرض نیست.

پرسش ۶۴۰: هدف از مال تجارت چیست؟

پاسخ: هر مالی که برای خرید و فروش و بدست آوردن منفعت باشد آن را «مال تجارت» می نامند چه گندم باشد یا جو یا خرما یا کفش و غیره.

پرسش ۶۴۱: «نصاب» به چه چیزی گفته می شود؟

پاسخ: در هر مالی که زکات در آن فرض است، از نظر شرعی مقدار خاص و معینی برای آن در نظر گرفته شده است که چون به آن مقدار برسد، آنگاه زکات فرض می شود. به آن مقدار معین «نصاب» گفته می شود.

پرسش ۶۴۲: نصاب نقره چقدر است؟

پاسخ: نصاب نقره ۲۰۰ درهم (معادل ۳۵/۶۱۲ گرام نقره می باشد).

پرسش ۶۴۳: زکات دویست درهم نقره چقدر می شود؟

پاسخ: یک چهلیم آن یعنی پنج درهم یا قیمت معادل آن.

پرسش ۶۴۴: نصاب طلا چقدر است؟

پاسخ: نصاب طلا بیست مثقال است و از بیست مثقال طلا، نصف مثقال یا قیمت معادل آن را زکات بدهد.

پرسش ۶۴۵: نصاب اموال تجارت چقدر است؟

پاسخ: اموال تجارت باید با نقره یا طلا قیمت شوند آنگاه با نصاب طلا یا نقره سنجیده می شوند و زکات طبق همان نصاب در آنها لازم می شود.

چگونگی ادای زکات:

پرسش ۶۴۶: روش صحیح ادای زکات چگونه است؟

پاسخ: مال زکات را باید به خاطر خدا به فقرا و مساکین یا مستحقین تحویل داد و در ملک آنان در آورد.

از مال زکات پرداخت حقوق و مزد کسی جایز نیست. البته اگر برای فقرا لوازمی خریداری و در میان آنان تقسیم شود جایز است. نیز برای عامل (کسی که از طرف حکومت اسلامی مأمور گردآوری اموال زکات مقرر گردیده است). به قدر مایحتاج وی از مال زکات دادن جایز است.

پرسش ۶۴۷: زکات را در چه موقعی باید اداء کرد؟

پاسخ: هنگامی که یک سال تمام بر نصاب مال زکات بگذرد، بلافاصله باید زکات اداء شود و تأخیر در ادای زکات صحیح نیست.

پرسش ۶۴۸: پیش از تمام شدن سال، ادای زکات جایز است یا خیر؟

پاسخ: اگر مالک مقدار نصاب بود جایز است.

پرسش ۶۴۹: آیا نیت در وقت ادای زکات الزامی است؟

پاسخ: آری؛ در وقت ادای زکات یا در وقتی که مال زکات را از سایر اموال خویش جدا می کند، لازم است چنین نیت کند که: اینها مال زکات هستند. اگر بدون قصد و اراده زکات به کسی مال و یا پولی بدهد و سپس آن را به جای زکات حساب کند، زکاتش اداء نخواهد شد.

پرسش ۶۵۰: آیا به کسی که زکات داده می‌شود، لازم است که اعلام شود، این مال زکات است؟

پاسخ: خیر؛ لزومی ندارد، بلکه اگر به طور جایزه یا به اطفال فقرا و مساکین به طور هدیه در روز عید داده شود نیز زکات اداء می‌شود.

پرسش ۶۵۱: در صورتی که پس از گذشتن سال زکات نداده بود و مالهایش ضایع شدند، حکمش چیست؟

پاسخ: زکات از ذمه‌اش ساقط می‌شود.

پرسش ۶۵۲: اگر پس از گذشت سال تمام اموالش را صدقه کرد، زکات از عهده‌اش ساقط می‌شود یا خیر؟

پاسخ: آری، در صورت مذکور زکات از ذمه‌اش ساقط می‌گردد.

پرسش ۶۵۳: اگر پس از گذشتن سال، مقداری از مالش ضایع گشت یا آن را صدقه کرد حکمش چیست؟

پاسخ: هر مقداری از مال که ضایع شده یا صدقه کرده است زکات آن ساقط می‌شود و زکات باقی مانده را باید بدهد.

پرسش ۶۵۴: اگر زکات نقره را با نقره ادا کرد وزن نقره اعتبار دارد یا قیمت آن؟

پاسخ: وزن آن اعتبار دارد. مثلاً اگر کسی یک کیلو نقره داشته باشد پس از گذشت یک سال ۲۵ گرم نقره زکات بدهد. حالا مختار است که قیمت ۲۵ گرم نقره را بدهد یا قطعه نقره‌ای که به وزن ۲۵ گرم باشد.

ولی اگر قطعه نقره از نظر قیمت و ارزش از قیمت معمول ۲۵ گرم نقره کمتر باشد، از دادن آن قیمت زکات اداء نمی شود^(۱).

پرسش ۶۵۵: اگر زکات نقره بر وی لازم بود، به جای آن، چیزی دیگر می تواند زکات بدهد؟

پاسخ: آری، قیمت معادل آن را چیز دیگری می تواند بدهد.

مصارف زکات:

پرسش ۶۵۶: هدف از «مصارف زکات» چیست؟

پاسخ: به کسی که شرعاً استحقاق زکات گرفتن را داشته باشد، «مصرف زکات» می گویند.

پرسش ۶۵۷: «مصارف زکات» چه کسانی هستند؟

پاسخ: در عصر حاضر مصارف زکات به شرح زیر می باشند:

- ۱- فقرا یعنی کسانی که دارای مال و وسایل اندکی هستند، ولی مالک نصاب نیستند.
 - ۲- مساکین، کسانی که هیچ چیزی ندارند.
 - ۳- بدهکاران، کسانی که مقروض اند چنانکه پس از ادای بدهی های خویش، مالی در حد نصاب برایشان باقی نمی ماند.
 - ۴- مسافران، که در حال سفر تهی دست اند. در حد رفع نیاز می توانند زکات بگیرند.
- پرسش ۶۵۸: دادن زکات به مدارس دینی و حوزه های علمیه جایز است یا خیر؟
- پاسخ: آری، دادن زکات به طلاب علوم دینی و به مسئولین مدارس با این هدف که به مصرف طلاب برسانند، جایز است.

۱- یعنی قیمت ۳۵/۶۱۲ گرم نقره به نرخ روز برایش نصاب اولیه قرار می گیرد.

پرسش ۶۵۹: به چه کسانی زکات دادن جایز نیست؟

پاسخ: به افراد ذیل زکات دادن جایز نیست:

۱- به غنی و ثروتمند که زکات بر خودش فرض است و یا برابر با یک نصاب، مالی در نزد او موجود است که از مایحتاج اساسی وی زاید است، مثلاً در نزد کسی ظروف اضافی معادل قیمت یک نصاب موجود است، برای وی گرفتن زکات جایز نیست. گرچه در خود آن ظرفها زکات لازم نمی‌شود.

۲- به سید و بنی‌هاشم و مراد از بنی‌هاشم فرزندان حضرت حارث بن عبدالمطلب، حضرت جعفر، حضرت عقیل، حضرت عباس، حضرت علی رضی الله عنهم می‌باشند.

۳- پدر، مادر، پدربزرگ، مادربزرگ، هر چند بالا روند.

۴- فرزند، نوه، هر چند پایین تر قرار داشته باشند.

۵- زن و شوهر هم به یکدیگر نمی‌توانند زکات بدهند.

۶- کفار و مشرکان.

۷- فرزندان غیر بالغ اغنیاء و ثروتمندان.

پرسش ۶۶۰: مصرف زکات در چه مواردی جایز است؟

پاسخ: در مواردی که استحقاق ملکی و تصرفی وجود نداشته باشد مانند:

کفن و دفن میت، ادای قرض میت، ساختن مساجد، مدارس، خرید لوازم برای مسجد، ساختن پل، حفر چاه و غیره.

پرسش ۶۶۱: اگر کسی یک باب منزل دارد که در آن سکونت دارد، یا آن را به اجاره داده است و به جز آن دیگر منبع درآمدی ندارد، به چنین شخصی دادن زکات جایز است یا خیر؟

پاسخ: جایز است. چون منزل جزو نیازهای اساسی وی می باشد البته هنگامی که اضافه بر نیازهای اساسی، کالایی داشته باشد که قیمت آن در حد نصاب برسد، گرفتن زکات برای وی جایز نمی شود.

پرسش ۶۶۲: اگر شخصی مستحق زکات تشخیص داده شد و به وی زکات داده شد، سپس معلوم گشت که سید یا ثروتمند بوده یا مستحق زکات نبوده است. در چنین صورتی زکات ادا شده یا خیر؟

پاسخ: آری! اداء شده است و ادای آن، دوباره واجب نیست.

پرسش ۶۶۳: به چه کسانی دادن زکات بهتر است؟

پاسخ: نخست به خویشاوندان و نزدیکان خویش مانند: برادر، خواهر، برادرزاده، خواهرزاده، عمو، عمه، خاله، دایی، پدر زن، برادر زن، داماد و غیره به شرطی که نیازمند و مستحق زکات باشند. دادن زکات به چنین کسانی اجر و مزد بسیار دارد. پس از آنها به همسایه یا هم شهریهایی خویش که مستحق باشند. سپس به جایی که نفع دینی بیشتری در آنجا وجود دارد مانند: مدارس، طلاب علوم دینی و غیره.

صدقه فطر:

پرسش ۶۶۴: «صدقه فطر» به چه چیزی می گویند؟

پاسخ: فطر به معنای روزه خوردن و یا روزه نگرفتن است. خداوند بر بندگان خویش صدقه ای مقرر فرموده است که پس از پایان یافتن ماه مبارک رمضان در مقابل افطار از

روزه رمضان به عنوان سپاسگزاری از خداوند متعال باید آن را پرداخت کرد. و به آن «صدقه فطر» می گویند. اولین روز بعد از رمضان را به خاطر همان ذوق و خوشی افطار از روزه، عید فطر می نامند.

پرسش ۶۶۵: «صدقه فطر» بر چه کسانی واجب می شود؟

پاسخ: بر هر مسلمان آزاد که مالک مقدار نصاب باشد، صدقه فطر واجب است.

پرسش ۶۶۶: نصاب صدقه فطر همان نصاب زکات است یا خیر؟

پاسخ: یکی است. البته در نصاب زکات و نصاب صدقه فطر این فرق موجود است که: برای فرضیت زکات وجود نقره، طلا یا مال تجارت الزامی است، و برای وجوب صدقه فطر این سه چیز خصوصیتی ندارند. و هر نوع مالی در نصاب صدقه فطر قیمت گذاری و به آن اضافه می شود تا یک نصاب کامل به دست آید. ولی اضافه بودن بر نیازهای اساسی و وام در هر دو نصاب شرط است.

پس اگر نزد کسی لباسهایی یا ظروف و لوازم خانگی اضافه بر نیاز و استفاده روز مره وجود داشت، یا دارای منزلی خالی یا دیگر اسباب و وسایلی بود که از نیازهای اساسی وی اضافه بودند و قیمت آنها در حد نصاب یا بیش از آن می رسید، در چنین مالی زکات فرض نیست ولی صدقه فطر واجب است. در نصاب صدقه فطر گذشت یک سال لازم نیست بلکه اگر در همان یک روز مالک نصاب شود، صدقه فطر واجب است.

پرسش ۶۶۷: صدقه فطر از طرف چه کسانی باید داده شود؟

پاسخ: بر هر کسی که مالک نصاب باشد لازم است که از طرف خویش و فرزندان نابالغ خویش صدقه فطر بدهد. ولی اگر فرزندان غیر بالغ، خودشان مال و سرمایه داشتند، از اموال خودشان صدقه فطر داده شود.

پرسش ۶۶۸: کسی که روزه نگرفته است صدقه فطر بر وی لازم است یا خیر؟

پاسخ: آری؛ در صورتی که مالک نصاب باشد لازم است.

پرسش ۶۶۹: وقت وجوب صدقه فطر چه زمانی آغاز می شود؟

پاسخ: پس از طلوع صبح صادق روز عید فطر وقت وجوب آن شروع می شود. لذا هر کسی که پیش از صبح صادق روز عید بمیرد، صدقه فطر بر او لازم نشده است. و فرزندی که پیش از صبح صادق متولد شود، از طرف او باید صدقه فطر داده شود.

پرسش ۶۷۰: ادای صدقه فطر پیش از روز عید در ماه رمضان جایز است یا خیر؟

پاسخ: جایز است.

پرسش ۶۷۱: بهترین روش ادای صدقه فطر چگونه است؟

پاسخ: در روز عید پیش از اینکه به طرف مصلی رفت مستحب است که صدقه فطر اداء شود و اگر بعد از نماز اداء کرد جایز است. و تا وقتی که آن را اداء نکرده است از ذمه اش ساقط نمی شود.

پرسش ۶۷۲: مقدار صدقه فطر چقدر و نوع آن چیست؟

پاسخ: مقدار صدقه فطر نصف صاع گندم (۲۵۰/۲) کیلوگرم) و یا یک صاع جو، خرما یا قیمت معادل آن است.

پرسش ۶۷۳: صدقه فطر یک نفر را به یک فقیر می توان داد و یا اینکه میان چند نفر تقسیم شود؟

پاسخ: به یک یا چند فقیر جایز است. و اگر صدقه فطر چند نفر به یک نفر داده شود نیز جایز است.

پرسش ۶۷۴: صدقه فطر باید به چه کسانی داده شود؟
 پاسخ: مستحق صدقه فطر کسانی هستند که مستحق زکات می باشند و به کسانی که مستحق زکات نیستند، دادن صدقه فطر جایز نیست.
 پرسش ۶۷۵: کسانی که بر آنها صدقه فطر واجب است می توانند زکات یا صدقه فطر بگیرند یا خیر؟
 پاسخ: خیر، گرفتن هیچگونه صدقه واجب برای آنها جایز نیست.

ترجمه تعلیم الإسلام در ساعت ۴ روز سه شنبه ۲۰ / ۶ / ۱۹
برابر با ۳۰ صفر ۱۴۱۲ هـ به پایان رسید
فالحمد لله.

هوامش:

۱- برای آگاهی بیشتر از سیمای درخشان مولانا به کتاب «نزهة الخواطر» نوشته علامه عبدالحی الکنوی پدر نویسندگان و دانشمندان معاصر هند؛ استاد سید ابوالحسن ندوی رحمه الله مراجعه شود.

۲- مساحت یک درهم مساوی با شش سانتیمتر مربع - مترجم

۳- چنانکه شاعر می گوید:

کار شیطان می کند نامش ولی گر ولی اینست لعنت بر ولی

۴- یعنی قیمت ۳۵/۶۱۲ گرم نقره به نرخ روز برایش نصاب اولیه قرار می گیرد.